یا لثارات الحسین (ع)

چهارشنبه
۱۳ آبان ۱۴۰۵
۲۴ جمادی الاول ۱۴۴۸
۴ نوامبر ۲۰۲۶

سال دوم
قیمت: ۱۰هزارتومان

شماره
۶۸۱

www.Agaah.ir

روزنامه گروه رسانه‌ای مهر

آگاه

آگاه باشید؛ تا قله راهی نیست!

توافق احزاب مخالف برای کنارزدن نتانیاهو، نشانه‌ای تازه از تشدید شکاف‌های سیاسی در تل‌آویو است

بحران سیاسی در سرزمین‌های اشغالی



۳

تاملی بر تسخیر لانه جاسوسی برای نسل امروز

دیوار نامرئی سفارت

۴

گزارشی از مقابله با ناترازی برق تا درآمدزایی برای آموزش

خورشید بربام مدارس

۷

نگاهی به چهار سریال تازه شبکه نمایش خانگی

قصه‌های تازه گرفتاری‌های قدیمی

۵



رئیس ستادکل نیروهای مسلح: دکترین ایران از پدافند به ابتکارآفندی و از مدیریت بحران به نظم‌سازی گذر کرده است

زبان قدرت در برابر زبان تهدید

۲

پاسخ بدون مرز؛ دکترین بازدارندگی در برابر تهدیدهای بی‌مرز



هادی رضائی
دبیر گروه سیاسی

امنیت ملی را نمی‌توان در مرزهای جغرافیایی محصور کرد؛ همان‌گونه که تهدیدهای امروز نیز الزاما از یک نقطه مشخص آغاز نمی‌شوند و در همان محدوده پایان نمی‌یابند. در جهان امروز، تهدید می‌تواند از یک پایگاه نظامی، یک عملیات اطلاعاتی، یک حمله سایبری، اقدام خرابکارانه یا فشار سازمان‌یافته سیاسی و اقتصادی شکل بگیرد. بنابراین، دفاع از امنیت و منافع ملی نیز نمی‌تواند به واکنش‌های محدود، مقطعی و قابل پیش‌بینی منحصر بماند. تاکید فرمانده کل قوا، حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای، براینکه «هرسطح و نوعی از تهدید باید با پاسخ فوری و اثرگذار و بدون محدودیت جغرافیایی روبه‌رو شود»، حامل پیامی راهبردی درباره ضرورت بازتعریف معادلات بازدارندگی است؛ پیامی که نشان می‌دهد جمهوری اسلامی ایران قصد ندارد امنیت خود را به محاسبات و ملاحظات تحمیلی دشمنان گره بزند.

اهمیت این موضع‌گیری را باید در تغییر محاسبات طرف مقابل جست‌وجو کرد. یکی از ابزارهای اصلی آمریکا و رژیم صهیونیستی در مواجهه با جمهوری اسلامی ایران، ایجاد این تصور بوده است که می‌توانند با استفاده از فاصله جغرافیایی، پایگاه‌های نظامی خارج از منطقه یا شبکه‌های پنهان و آشکار خود، هزینه اقدامات خصمانه را از خود دور نگه دارند. در چنین معادله‌ای، دشمن می‌کوشد میان مبدأ تهدید و محل پاسخ، فاصله ایجاد کند و با مدیریت سطح تنش، ابتکار عمل را در اختیار داشته باشد.

اما مفهوم پاسخ بدون محدودیت جغرافیایی، این محاسبه را به چالش می‌کشد. پیام روشن است: هیچ طرفی نباید تصور کند که صرفا به دلیل فاصله از مرزهای کشورمان ایران، می‌تواند در طراحی و اجرای اقدامات خصمانه مشارکت داشته باشد و از تبعات آن مصون بماند. البته این رویکرد به معنای واکنش بی‌محابا نیست؛ بلکه بر ضرورت پاسخ متناسب، حساب‌شده، موثر و مبتنی بر تشخیص دقیق ماهیت تهدید تاکید دارد.

نکته مهم دیگر، پیوند میان این فرمان و مفهوم «بازدارندگی حداکثری» است. بازدارندگی زمانی معنا پیدا می‌کند که دشمن پیش از هرگونه اقدام، هزینه‌های احتمالی آن را محاسبه کند و به این نتیجه برسد که تعرض به امنیت ایران، دستاوردی برای او نخواهد داشت. به همین دلیل، آمادگی رزمی هوشمندانه، تقویت معماری اطلاعات نظامی، توسعه فناوری‌های دفاعی و تعمیق دکترین و تاکتیک‌های بومی، اجزای جدایی ناپذیر این راهبرد هستند. به روزرسانی بانک اهداف و در نظر گرفتن دارایی‌های مادی و غیرمادی دشمن آمریکایی-صهیونی نیز در همین چارچوب قابل ارزیابی است. معنای راهبردی این تصمیم آن است که شناخت ظرفیت‌ها و نقاط اثرگذاری دشمن باید متناسب با تحولات فناوری، اقتصادی، اطلاعاتی و نظامی گسترش پیدا کند. قدرت دفاعی صرفا در تعداد موشک‌ها و تجهیزات خلاصه نمی‌شود؛ بلکه اشراف اطلاعاتی، هماهنگی فرماندهی، توان تصمیم‌گیری سریع و برخورداری از ظرفیت‌های فناورانه نیز در شکل‌گیری قدرت ملی نقش تعیین‌کننده دارند. با این حال، هیچ راهبرد دفاعی بدون پشتوانه مردمی به بازدارندگی پایدار تبدیل نمی‌شود. حمایت ملت از نیروهای مسلح، تقویت انسجام داخلی و اعتماد عمومی به توان دفاعی کشور، مؤلفه‌هایی هستند که قدرت نظامی را از سطح تجهیزات و ساختارهای سازمانی فراتر می‌برند. دشمنان جمهوری اسلامی ایران بارها تلاش کرده‌اند با فشار اقتصادی، عملیات روانی و ایجاد شکاف اجتماعی، این پشتوانه را تضعیف کنند. از همین رو، حفظ وحدت ملی و تقویت سرمایه اجتماعی، بخشی از معادله امنیت کشور است. در نهایت، پیام فرمانده کل قوا را باید فراتر از یک هشدار نظامی و در قامت ترسیم یک چارچوب جدید برای بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران فهم کرد؛ چارچوبی که در آن، ابتکار عمل، آمادگی مستمر و هزینه‌مند کردن هرگونه تعرض، جای خود را به انتظار منفعلانه برای وقوع تهدید نمی‌دهد. جمهوری اسلامی ایران به دنبال جنگ نیست، اما اجازه نخواهد داد دیگران زمان، مکان و شکل مواجهه را به آن تحمیل کنند. صلح پایدار زمانی دست‌یافتنی است که تهدید و تجاوز، گزینه‌ای کم‌هزینه برای دشمن نباشد. این همان منطق بازدارندگی است؛ منطقی که در آن، قدرت دفاع از کشور نه با شعار، بلکه با آمادگی، اقتدار، هوشمندی و اراده ملی معنا پیدا می‌کند.

تجمیع و اصلاح پنج قانون حمایت از تولید، در دستور کار مجلس قرار می‌گیرد

زنگ خطر تورم تولید!

تولید، ستون فقرات اقتصاد کشور و یکی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر ثبات اقتصادی و معیشت خانوارهاست؛ از همین رو، وضعیت بنگاه‌های تولیدی و هزینه‌هایی که برای ادامه فعالیت خود متحمل می‌شوند، تنها مسئله‌ای محدود به یک بخش اقتصادی نیست، بلکه آثار آن در نهایت به سایر بخش‌های اقتصاد و زندگی روزمره مردم منتقل می‌شود. در این میان، شاخص تورم تولیدکننده از جمله متغیرهایی است که می‌تواند تصویری از فشار هزینه‌ای بر واحدهای تولیدی ارائه دهد و در صورت تداوم روند افزایشی، زمینه انتقال موج جدیدی از تورم به بازار مصرف را فراهم کند.

به اذعان بسیاری از کارشناسان اقتصادی، تورم تولیدکننده یکی از شاخص‌های مهم برای ارزیابی وضعیت تورمی اقتصاد است؛ چراکه افزایش هزینه تولید معمولا با یک فاصله زمانی در قیمت کالاها و خدمات مصرفی نمایان می‌شود. به بیان دیگر، زمانی که تولیدکننده برای تامین مواد اولیه، انرژی، نیروی انسانی، حمل‌ونقل و سایر نهاده‌های مورد نیاز خود هزینه بیشتری پرداخت می‌کند، این فشار در نهایت می‌تواند به قیمت تمام‌شده محصولات منتقل شود و مصرف‌کننده را نیز درگیر موج جدیدی از افزایش قیمت‌ها کند.

از این منظر، پیشی گرفتن تورم تولیدکننده از تورم مصرف‌کننده را باید فراتر از یک جابه‌جایی آماری در شاخص‌های اقتصادی ارزیابی کرد؛ اتفاقی که می‌تواند نشانه افزایش فشار بر بنگاه‌های اقتصادی و هشداری درباره وضعیت قیمت‌ها در ماه‌های آینده باشد. به ویژه آنکه تداوم چنین شرایطی، در صورت نبود سیاست‌های حمایتی و اصلاحی، ممکن است حاشیه سود تولیدکنندگان را کاهش داده و حتی ادامه فعالیت برخی واحدهای تولیدی را با دشواری مواجه کند. یکی از نمایندگان اقتصادی مجلس اخیرا در زمینه مشکلات تولید عنوان کرده؛ گزارش‌ها حاکی از آن است که تورم بخش تولید از تورم بخش مصرف‌کننده پیشی گرفته است؛ به این معنا که هزینه‌های تولید به شدت در حال افزایش بوده و خروجی این روند، تضعیف بخش تولید است. محسن زنگنه، دو عامل را در بروز این وضعیت موثر دانست و اظهار کرد: نخستین عامل، اجرا نشدن قوانین مناسبی است که در این حوزه به تصویب رسیده است. برای نمونه، در جزء (۲) بند (الف) ماده ۱۱ قانون برنامه هفتم توسعه تاکید شده است که صادرکنندگان خرد، به‌ویژه فعالان صنایع کشاورزی و دانش‌بنیان که در مقیاس محدود صادرات انجام می‌دهند، بتوانند ارز حاصل از صادرات خود را برای واردات مواد اولیه و کالاهای مورد نیازشان اختصاص دهند یا با واردکنندگانی که به ارز نیاز دارند، تهاتر کنند. وی ادامه داد: متاسفانه سیاست‌های بانک مرکزی، صادرکنندگان خرد و کلان را با یک نگاه ارزیابی کرده و همین مسئله در طول یک سال گذشته مشکلات جدی برای فعالان حوزه صادرات خرد ایجاد کرده است. زنگنه دومین عامل موثر در مشکلات بخش تولید را مسائل اجرایی دانست و تاکید کرد: انتظار ما از بانک مرکزی این است که در شرایط کنونی، تصمیمات خود را با رویکرد حمایت از تولید اتخاذ کند. طی ۱۰ سال گذشته، رهبر شهید و رهبر حاضر انقلاب بارها حمایت از تولید را به عنوان شعار سال انتخاب کرده‌اند و این موضوع بیانگر اهمیت و جایگاه راهبردی تولید در کشور است؛ بنابراین حمایت از تولید صرفا یک شعار نیست، بلکه باید به عنوان یک راهبرد و استراتژی در تصمیم‌گیری‌های دستگاه‌های اجرایی دنبال شود.

تورم تولید؛ مقدمه موج جدید گرانی در بازار مصرف

اما تولید در هر اقتصادی یک موضوع ملی است و نمی‌توان آن را صرفا در چارچوب عملکرد یک وزارتخانه یا یک دستگاه اجرایی بررسی کرد. تولید به عنوان ستون فقرات اقتصاد، با نظام بانکی، سیاست‌های مالیاتی، انرژی، تجارت خارجی، بازار سرمایه و حتی نظام تامین اجتماعی ارتباط مستقیم دارد. بنابراین هر تصمیمی که در یکی از این بخش‌ها اتخاذ می‌شود، می‌تواند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر هزینه‌های تولید اثر بگذارد. بر همین اساس، افزایش هزینه‌های تولید از تیر سال گذشته و رشد تورم تولیدکننده، نگرانی‌هایی را درباره استمرار فعالیت بنگاه‌ها ایجاد کرده است. زمانی که هزینه‌های تولید با سرعت بیشتری نسبت به قیمت کالاها و خدمات مصرفی افزایش پیدا می‌کند، تولیدکننده با شرایط دشوارتری برای حفظ سطح تولید و عرضه محصولات خود روبه‌رو می‌شود. در چنین وضعیتی، بنگاه‌ها برای جبران افزایش هزینه‌ها ناچارند بخشی از این فشار را به قیمت نهایی محصولات منتقل کنند؛ موضوعی که در صورت استمرار، می‌تواند به افزایش تورم مصرف‌کننده منجر شود. البته همه افزایش هزینه‌های تولید لزوما به همان نسبت به قیمت نهایی منتقل نمی‌شود، اما روشن است که تداوم رشد هزینه‌ها، ظرفیت تولیدکنندگان برای جذب شوک‌های اقتصادی را کاهش می‌دهد. از سوی دیگر، افزایش هزینه‌های تولید در شرایطی اتفاق می‌افتد که فعالان اقتصادی با مجموعه‌ای از مشکلات اجرایی و مقرراتی نیز مواجه هستند. از یک طرف، مالیات و سایر تعهدات مالی بنگاه‌ها باید پرداخت شود و از طرف دیگر، افزایش قیمت نهاده‌های انرژی و مواد اولیه، هزینه ادامه فعالیت را بالا می‌برد. در کنار این مسائل، برخی قوانین و مقررات دست‌وپاگیر نیز موجب شده است تولیدکنندگان برای توسعه فعالیت یا حتی حفظ سطح فعلی تولید با موانع متعددی روبه‌رو شوند. در واقع، مسئله تولید تنها به تامین منابع مالی یا ارائه تسهیلات بانکی محدود نمی‌شود، بلکه مجموعه سیاست‌ها و تصمیمات اقتصادی باید به‌گونه‌ای تنظیم شود که فشار مضاعفی بر بنگاه‌های تولیدی وارد نکند. اگر سیاست‌های مالیاتی، انرژی، بانکی و تجاری بدون در نظر گرفتن شرایط تولید اتخاذ شوند، ممکن است نتیجه نهایی آنها افزایش هزینه تمام‌شده کالاها و تضعیف توان رقابتی تولیدکنندگان باشد.

فشار بر تولید؛ پیامدهایی فراتر از بنگاه‌های اقتصادی

اهمیت حمایت از تولید زمانی بیشتر نمایان می‌شود که آثار تضعیف بنگاه‌های اقتصادی را در سایر بخش‌های کشور بررسی کنیم. یکی از این بخش‌ها، نظام تامین اجتماعی و صندوق‌های بازنشستگی است؛ چراکه بخش قابل توجهی از منابع و درآمدهای این صندوق‌ها به عملکرد بنگاه‌های اقتصادی و شرکت‌های وابسته به آنها گره خورده است. به بیان دیگر، زمانی که هزینه نهاده‌های تولید افزایش پیدا می‌کند و فعالیت اقتصادی بنگاه‌ها تحت فشار قرار می‌گیرد، درآمد و سودآوری آنها نیز ممکن است کاهش یابد. این مسئله در نهایت می‌تواند سهم منابعی را که از محل فعالیت این بنگاه‌ها به صندوق‌های بازنشستگی می‌رسد، تحت تاثیر قرار دهد. در چنین شرایطی، دولت ناچار خواهد بود برای جبران بخشی از کسری منابع و تعهدات صندوق‌ها، از ظرفیت بودجه عمومی استفاده کند؛ موضوعی که خود می‌تواند فشار بیشتری بر منابع مالی دولت وارد کند. بنابراین حمایت از تولید را نباید صرفا اقدامی برای افزایش اشتغال یا رشد اقتصادی دانست، بلکه این موضوع با پایداری منابع عمومی و کاهش فشار بر بودجه نیز ارتباط دارد. از سوی دیگر، اختلال در چرخه تولید به کاهش درآمدهای مالیاتی دولت نیز منجر می‌شود. زمانی که واحدهای تولیدی با ظرفیت پایین‌تری فعالیت می‌کنند یا به دلیل افزایش هزینه‌ها ناچار به کاهش تولید می‌شوند، ارزش افزوده کمتری در اقتصاد ایجاد خواهد شد. در نتیجه، ظرفیت اقتصاد برای ایجاد درآمد، اشتغال و پرداخت مالیات نیز کاهش پیدا می‌کند. به همین دلیل، رونق تولید می‌تواند به‌عنوان یکی از راهکارهای پایدار برای تقویت منابع دولت مورد توجه قرار گیرد. دولت برای تامین هزینه‌های خود به درآمدهای پایدار نیاز دارد و یکی از مهم‌ترین مسیرهای تحقق این هدف، گسترش فعالیت‌های اقتصادی مولد و افزایش ارزش افزوده در کشور است. در مقابل، اگر تولید با موانع متعدد مواجه شود، نه تنها بنگاه‌ها و نیروی کار آسیب می‌بینند، بلکه دولت نیز از محل کاهش درآمدهای مالیاتی و افزایش نیاز به حمایت‌های بودجه‌ای متحمل هزینه خواهد شد. از این رو، کاهش هزینه‌های تولید و فراهم کردن شرایط مناسب برای فعالیت بنگاه‌ها، موضوعی است که آثار آن در بخش‌های مختلف اقتصاد نمایان می‌شود.

سرمایه در گردش و هزینه تولید؛ دو اولویت بنگاه‌ها

در شرایطی که تورم تولیدکننده روند افزایشی دارد، یکی از مهم‌ترین نیازهای واحدهای تولیدی، دسترسی به سرمایه در گردش متناسب با هزینه‌های روز تولید است. افزایش قیمت مواد اولیه و نهاده‌های تولید موجب شده است بنگاه‌ها برای حفظ سطح قبلی فعالیت خود به منابع مالی بیشتری نیاز داشته باشند. با این حال، تامین سرمایه در گردش زمانی می‌تواند به استمرار تولید کمک کند که در کنار آن، سایر هزینه‌های تحمیلی بر بنگاه‌ها نیز مدیریت شود. تزریق منابع مالی به واحدهای تولیدی، بدون توجه به افزایش هزینه‌های انرژی، مواد اولیه و سایر نهاده‌ها، نمی‌تواند به‌تنهایی مشکلات این بخش را برطرف کند. از همین رو، کارشناسان بر این باورند که حمایت از تولید باید مجموعه‌ای از اقدامات را دربرگیرد؛ از اصلاح سیاست‌های مرتبط با هزینه انرژی و مالیات گرفته تا تسهیل دسترسی به منابع مالی، رفع موانع اداری و بازنگری در مقرراتی که فعالیت اقتصادی را دشوار کرده‌اند. در این میان، مجلس شورای اسلامی نیز در سال‌های گذشته با تصویب قوانین مختلف تلاش کرده است زمینه حمایت از تولید و بهبود فضای کسب‌وکار را فراهم کند؛ با این حال، تعدد قوانین، پراکندگی احکام و گاهی تداخل مقررات موجب شده است فعالان اقتصادی برای شناسایی تکالیف و ظرفیت‌های قانونی با دشواری‌هایی مواجه شوند.

تجمیع پنج قانون تولید در دستور کار مجلس

در همین راستا، یکی از اقدامات جدید مجلس برای تسهیل فعالیت بنگاه‌های اقتصادی، تجمیع قوانین مرتبط با حوزه تولید است؛ اقدامی که با هدف کاهش پراکندگی مقررات، اصلاح احکام مخل تولید و فراهم کردن زمینه اجرای موثرتر قوانین در دستور کار کمیسیون ویژه حمایت از تولید و نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی قرار گرفته است. محسن زنگنه، رئیس این کمیسیون، اخیرا از برنامه مجلس برای تجمیع پنج قانون مرتبط با تولید خبر داده و در گفت‌وگو با خبرنگار روزنامه «آگاه» با اشاره به سیاست‌های کلی قانون‌گذاری ابلاغی رهبر شهید انقلاب، اظهار کرد: یکی از سیاست‌هایی که در حوزه قانون‌گذاری به مجلس ابلاغ شده، حرکت به سمت تدوین قوانین جامع است؛ به این معنا که قوانین مرتبط با یک حوزه مشخص، به‌جای پراکندگی در چندین قانون، در قالب یک مجموعه منسجم تجمیع شوند. وی با بیان اینکه این رویکرد در کمیسیون برنامه و بودجه نیز آغاز شده است، افزود: در همین راستا، طرحی برای تجمیع قوانین حوزه تولید در کمیسیون ویژه حمایت از تولید تدوین و ثبت شده که احتمالا در هفته پیش رو اعلام وصول خواهد شد. رئیس کمیسیون ویژه حمایت از تولید مجلس با اشاره به قوانین مورد نظر برای تجمیع، ادامه داد: قانون حمایت از تولید، قانون حمایت از کالای ایرانی، قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار، قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار و قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور از جمله قوانینی هستند که در این مجموعه مورد توجه قرار گرفته‌اند. زنگنه با تاکید بر اینکه در فرآیند تجمیع، صرفا کنار هم قرار دادن قوانین مدنظر نیست، تصریح کرد: برخی از بندهای این قوانین نیازمند اصلاح هستند و باید در جریان این کار، احکام و مقرراتی که مانع فعالیت تولیدکنندگان شده‌اند، مورد بازنگری قرار گیرند. وی یکی از گلایه‌های همیشگی فعالان اقتصادی را وجود موانع قانونی و اجرایی در مسیر تولید دانست و گفت: بخشی از مشکلاتی که تولیدکنندگان با آن مواجه هستند، ناشی از خود قوانین است و بخشی دیگر به تفسیرهای نادرست یا آیین‌نامه‌هایی بازمی‌گردد که برای اجرای قوانین تدوین شده‌اند. رئیس کمیسیون ویژه حمایت از تولید مجلس خاطرنشان کرد: این اقدام فرصت مناسبی است تا بتوانیم قوانین و مقررات مخل تولید را اصلاح کنیم و شرایط لازم را برای جهش تولید در کشور فراهم آوریم. زنگنه با اشاره به تجربه اجرای قانون جهش تولید دانش‌بنیان، یادآور شد: در اجرای این قانون اتفاقات و نتایج خوبی رقم خورد و امیدواریم با تجمیع و اصلاح قوانین حوزه تولید نیز بتوانیم همین تجربه را در سطح گسترده‌تری از اقتصاد کشور دنبال کنیم. وی در پایان تاکید کرد: هدف این است که با آغاز این فرآیند، یک حرکت جدی برای اصلاح قوانین و مقررات مرتبط با تولید شکل بگیرد و کمیسیون ویژه حمایت از تولید بتواند زمینه تحقق این رویکرد را فراهم کند.

اصلاح قوانین؛ گامی برای مهار فشار هزینه‌ای تولید

به نظر می‌رسد تجمیع قوانین مرتبط با تولید، در صورت اجرای دقیق و همراهی دستگاه‌های اجرایی، می‌تواند فرصتی برای بازنگری در مجموعه مقرراتی باشد که طی سال‌های گذشته بر فعالیت بنگاه‌های اقتصادی اثرگذاشته‌اند. البته تحقق این هدف صرفا با تجمیع ظاهری قوانین امکان‌پذیر نیست و لازم است در این فرآیند، احکام زائد، متعارض و مخل تولید نیز شناسایی و اصلاح شوند. در شرایطی که افزایش هزینه‌های تولید، نگرانی‌هایی درباره انتقال موج جدید تورم به بازار مصرف ایجاد کرده است، کاهش موانع قانونی و اجرایی می‌تواند بخشی از فشار وارد شده بر بنگاه‌ها را تعدیل کند. به‌ویژه آنکه تولیدکنندگان علاوه بر تامین سرمایه در گردش، به ثبات مقررات و پیش‌بینی‌پذیری تصمیمات اقتصادی نیاز دارند تا بتوانند برای ادامه فعالیت و سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی کنند. در نهایت، مهار تورم تنها از مسیر کنترل قیمت‌ها در بازار مصرف محقق نمی‌شود؛ بلکه باید به ریشه‌های افزایش هزینه نیز توجه کرد. وقتی هزینه تولید افزایش می‌یابد، فشار آن دیر یا زود به بازار مصرف منتقل خواهد شد. بنابراین حمایت از تولید، اصلاح مقررات و کاهش هزینه‌های تحمیلی بر بنگاه‌ها را باید بخشی از سیاست‌های پیشگیرانه برای کنترل تورم و حفظ قدرت خرید خانوارها دانست؛ مسیری که اگر با تامین مالی مناسب و تصمیم‌گیری هماهنگ دستگاه‌های اقتصادی همراه شود، می‌تواند هم به استمرار فعالیت بنگاه‌ها کمک کند و هم از تشدید فشار تورمی بر مصرف‌کنندگان جلوگیری کند.



عارف، معاون اول رئیس جمهور:
آمریکا به هیچ‌یک از اهداف خود نرسید

رئیس ستادکل نیروهای مسلح: دکترین ایران از پدافند به ابتکارآفندی و از مدیریت بحران به نظم‌سازی گذر کرده است

زبان قدرت در برابر زبان تهدید

سید مهدی حسینی، خبرنگار سیاسی: رئیس ستادکل نیروهای مسلح در پیامی به مناسبت ۱۳ آبان، پنج اصل راهبردی جمهوری اسلامی ایران برای برقراری صلح و امنیت پایدار در غرب آسیا را تشریح کرد. پیام منتشرشده در واقع ترسیم مرزهای قرمز ایران در مقطع حساس است. زمانی که دشمن آمریکایی با تهدیدات سعی در ایجاد رعب و وحشت دارد، ایران با ارائه نقشه راه روشن، بازی را تغییر می‌دهد. دیدار فرماندهان نظامی با فرمانده کل قوا که قبلا صورت گرفت، به این پیام وزن مضاعفی بخشیده و ثابت می‌کند پنج اصل اعلام شده، اراده جمعی و متمرکز نظام است.



سرلشکر خلبان علی عبداللهی روز گذشته در پیام خود با بیان اینکه ۱۳ آبان، روز ملی مبارزه با استکبار جهانی برای ملت ایران یک مناسبت تقویمی نیست؛ سند زنده استکبارستیزی است، تاکید کرد: این روز در حافظه تاریخی ایرانیان یادآور سه رخداد درس آموز است؛ تبعید امام خمینی (ره) در سال ۱۳۴۳، کشتار دانش‌آموزان انقلابی در سال ۱۳۵۷ و تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در سال ۱۳۵۸؛ سه حادثه‌ای که در ذیل کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ و عملیات «آژاکس»، از همان لحظه، آمریکا را بدهکار ملت ایران کرده است.

رئیس ستادکل نیروهای مسلح اضافه کرد: پس از ۲۸ مرداد، خصومت آمریکا علیه ایران یک خط ممتد بوده است، نه حوادث و رخدادهایی پراکنده؛ حمایت و همراهی با صدام در جنگ تحمیلی هشت‌ساله، پشتیبانی از منافقین و گروهک‌های ضد انقلاب، ترور دانشمندان هسته‌ای، جنگ اقتصادی و تحریمی، مسدود کردن اموال ملت ایران، ترور ناجوانمردانه سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی و مشارکت عملیاتی با رژیم صهیونیستی در جنگ‌های تحمیلی ۱۲ روزه و ۴۰ روزه سال ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵ که به شهادت قائد امت و رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی، حضرت امام سید علی خامنه‌ای (قدس سره الشریف)، فرماندهان عالی نیروهای مسلح، رزمندگان و مدافعان غیوروطن و جمع کثیری از ایرانیان مظلوم به‌ویژه کودکان معصوم منجر شد، تنها بخشی از این دشمنی دائمی و زنجیره‌ای آمریکایی‌ها علیه این کشور است که پرونده سیاه آن همچنان باز و جهانیان شاهد تجاوزگری‌ها و جنایت آفرینی‌های کاخ سفید علیه انقلاب و میهن اسلامی است.

در پیام سرلشکر عبداللهی آمده است: امروز نبرد ترکیبی ایران و آمریکا، فراتر از یک منازعه نظامی، در حال جابه‌جایی هندسه قدرت جهانی است و ایران مقتدر از مسیر کنترل تنگه هرمز به عنوان گلوگاه حیاتی انرژی و تعیین قواعد دسترسی به آن به عنوان چهارمین قطب قدرت ظهور کرده است و نظم تک قطبی در برابر این واقعیت جدید زانو زده است که ملت‌ها و قدرت‌های منطقه‌ای می‌توانند بدون اتکا به چتر امنیتی آمریکا، امنیت خود را تامین کنند.

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم الانبیا(ص) با تاکید بر اینکه قدرت نظامی برای ما هدف نیست؛ ابزار است، تصریح کرده است: ایران خواهان جنگ نیست، اما رهنامه (دکترین) ما بر اساس واقعیت‌ها و مقتضیات زمانه از «پدافند» به «ابتکارآفندی» و از «مدیریت بحران» به «نظم‌سازی» گذر کرده است. در ادامه این پیام آمده است: در این صحنه افتخارآمیز، نقشه ایران برای امنیت پایدار بر پنج اصل استوار است:

۱. پایان جنگ در همه جبهه‌ها، به ویژه لبنان و غزه؛ مذاکره همزمان با تهدید، تحمیل است.

۲. رفع کامل تحریم‌ها و آزادسازی اموال مسدودشده ملت ایران.

۳. پرداخت غرامت جنگ‌های تحمیلی؛ ملت ایران بدهکار نیست، طلبکار است.

۴. به رسمیت شناختن حاکمیت ایران بر تنگه هرمز و جایگزینی «سازوکار هرمز» با چتر امنیتی فرسوده آمریکا.

۵. تضمین عدم تجاوز مجدد و شکل‌گیری ترتیبات امنیتی درون‌زا در غرب آسیا.

سرلشکر عبداللهی یادآور شد: این پنج اصل، طرح صلح از موضع ضعف نیست؛ دکترین نظم سازی از موضع قدرت و در پرتو مقاومت فعال است. ایران به دنبال سلطه (هژمونی) نیست؛ بلکه در پی پایان سلطه ای است که ۷۳ سال پیش با کودتای ۲۸ مرداد تحمیل شد و امروز در سایه عبرت‌های ۱۳ آبان به پایان راه خود رسیده است. وی تاکید کرده است: مسیر ما مسیر امامین کبیر (ره) و شهید (قدس سره الشریف) انقلاب اسلامی است که آمریکا را به عنوان «شیطان بزرگ» معرفی و راهبرد و سیاست «نه شرقی، نه غربی» و «مقاومت فعال» جمهوری اسلامی را به واقعیت انکارناپذیر کشور تبدیل کرده است که پرچم آن در دستان با کفایت مقام عظمای ولایت و رهبری و فرمانده کل قوا حضرت امام سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) است و نیروهای مسلح با تبعیت محض از معظم له، تداوم آن را در میدان نظامی و سنگرهای جنگ ترکیبی و شناختی ضمانت می‌کنند.

در ادامه این پیام آمده است: اینجانب به نمایندگی از نیروهای مسلح مقتدر کشور با گرامی‌داشت یوم‌الله ۱۳ آبان «روز ملی مبارزه با استکبار جهانی» و تجدید میثاق با شهیدان انقلاب اسلامی و ایران عزیز به‌ویژه امام شهید (اعلی‌الله مقامه الشریف)، در لبیک به تدابیر و فرامین اخیر فرمانده کل قوا (مدظله العالی) و هشدار به اردوگاه دشمن اهریمن صفت تاکید می‌کنم: «نیروهای مسلح و مدافعان تاریخ‌ساز وطن، به مدد برخورداری از حمایت ملی مردم مبعوث شده ایران به عنوان یکی از ارکان بازدارندگی برابر ایران ستیزان داخلی و خارجی، آمادگی رزمی هوشمندانه را الزام «بازدارندگی حداکثری» می‌دانند و با روزآمدسازی بانک اهداف و در تیررس قرار دادن دارایی‌های مادی و غیرمادی دشمن آمریکایی- صهیونیستی، هرسطح و نوع تهدید را با پاسخ فوری، تاثیرگذار و بدون محدودیت جغرافیایی پاسخ می‌دهند.»

پاسخ به بلوف‌های آمریکا

برای تحلیل پیام شخص اول نیروهای مسلح ایران، باید ابتدا فضای حاکم بر منطقه و زمان بندی آن را درک کرد. این پیام، در شرایط فعلی سند راهبردی است که پس از دیدار فرماندهان بلندپایه نظامی با فرمانده کل قوا و در پاسخ به بلوف های واشنگتن صادر شد. تمام آنچه در محتوای پیام آمده اهمیت دارد اما بخش اصلی، هشدار درباره «در تیررس بودن دارایی های مادی و غیرمادی دشمن» است. این جمله، پاسخ مستقیم به تهدیدات آمریکاست و به دشمن می فهماند، ایران دیگر تنها در حالت دفاعی نیست؛ اشراف کامل به نقاط حساس دشمن دارد. بنابراین اگر می خواهند دوباره ضربه ای وارد کنند، باید بدانند ما هم دسترسی خوبی به شاهرگ‌های حیاتی آنها داریم.

دیروز از میدان تا سیاست با آمریکا و رژیم صهیونی اتمام حجت شد؛ محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی و رئیس تیم مذاکره‌کننده ایرانی نیز در جلسه علنی و وبیناری مجلس در سخنانی با بیان اینکه جمهوری اسلامی ایران همان‌گونه که با انگشت روی ماشه برای نبرد آماده است، پاسخی مقتدرانه و عقلانی به طرف آمریکایی داده و اکنون توپ در زمین آمریکاست که از جنگ جلوگیری کند، تصریح کرد: همزمان ما در عرصه میدانی و نظامی در بالاترین سطح آمادگی دفاعی قرار داریم و اگر واشنگتن باز هم دچار خطای استراتژیک شود، بداند که این بار با میدانی جدید از جنگ مواجه شده و درمانده‌تر از امروز به دنبال راه فرار خواهد بود.

سناریوهای جدید و شگفت‌زده ایران

در همین رابطه فداحسین مالکی، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در گفت‌وگو با خبرگزاری «مهر» با اشاره به تلاش آمریکا برای گسترش و دورتر کردن محدوده پایگاه‌ها و مراکز نظامی خود از دسترس ایران، گفت: آمریکا درصدد است دایره حملات و پایگاه‌های خود را در آینده گسترده‌تر و موقعیت آنها را به گونه‌ای تنظیم کند که از تیررس ایران دور باشند، اما قطعا این تصور درست نیست و چنین اقداماتی نمی‌تواند مانع پاسخ جمهوری اسلامی ایران شود. وی اظهار کرد: در صورت وقوع جنگ، ایران با نگاه و سناریویی جدید وارد میدان خواهد شد؛ سناریویی که به اعتقاد من، آمریکا و کشورهای اروپایی را شگفت‌زده خواهد کرد.

کالبدشکافی پنج اصل امنیت پایدار

اما به اصل محتوای گزارش بپردازیم. نقشه ایران برای امنیت پایدار در پنج محور اصلی اعلام شد که هرکدام از این بندها قابل تبیین است:

۱. تاکید بر پایان جنگ در غزه و لبنان، نشان از نقش محوری ایران در معادلات منطقه‌ای دارد. ایران صراحتا اعلام کرد، مذاکره در حالی که صدای بمب‌ها بلند و تهدیدها جاری است، پذیرفتنی نیست. این رویکرد، هرگونه تلاش آمریکا برای مذاکره از موضع قدرت را نقش بر آب می‌کند. همان حرفی که پیش از این و قبل از تفاهم‌نامه اسلام‌آباد زده می‌شد.

۲. رفع تحریم‌ها و بازگشت اموال مسدود شده، درخواست ایران نیست، شرط اساسی است. موضع «جمهوری اسلامی» با کمال اقتدار بیان شد، به دلیل آنکه تحریم‌ها و جنگ نظامی نتوانسته‌اند اراده ملت ایران را بشکنند و حالا نوبت آن است که دشمن هزینه این فشارها را بپردازد.

۳. مطالبه غرامت جنگ‌های تحمیلی، حکایت از آن دارد که ایران «طلب‌کار» است و طرف مقابل باید بدهی‌های خود را پرداخت کند. دشمن باید بداند ایران پهناور بنا بر حقانیت و قدرت فعلی خود، اجازه نمی‌دهد جنایات گذشته فراموش شود. بازتکرار می‌کنیم؛ دوران بزن درو خیلی وقت است تمام شده است. نمی‌شود چشم‌ها را بست و مدعی شد هیچ اتفاقی نیفتاده است.

۴- یکی از مهم‌ترین بخش‌های این پیام، به امنیت تنگه هرمز اختصاص داشت. به اعتقاد ایران، امنیت این مسیر حیاتی نباید در دست آمریکا قرار گیرد؛ این مدیریت باید به دست خود کشورهای منطقه سپرده شود و این اقدام، ضربه‌ای سنگین به نفوذ واشنگتن در منطقه است، زیرا وقتی حضور نظامی آمریکا از این مسیر برداشته شود، قدرت اصلی او برای فشار بر اقتصاد جهان و سیاست‌های منطقه‌ای از بین می‌رود. با این رویکرد، ایران به دنبال حذف مداخله‌گری‌های آمریکا از معادلات امنیتی غرب آسیا است.

۵. برای ایران، امنیتی که ریشه در خود منطقه داشته باشد و نه توسط قدرت‌های خارجی دیکته شود حائز اهمیت است. بر همین اساس تاکید رئیس ستادکل نیروهای مسلح بر «امنیت درون‌زا» به منزله آن است که مدیریت منطقه باید در دست خود کشورهای منطقه باشد. همچنین، مطالبه تضمین عدم تجاوز، نشان‌دهنده این واقعیت است: ایران از قدرت و توانایی‌های دفاعی‌اش کاملا آگاه است. از نظر ایران، هرگونه صلح پایدار تنها زمانی ممکن است که دشمنان بپذیرند واقعیت‌های جدید قدرت در منطقه تغییر کرده است و دیگر نمی‌توانند با روش‌های قدیمی، با ایران برخورد کنند.

فرجام سخن

پیام رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، «اولتیماتوم هوشمندانه» است. ایران دیگر به دنبال پذیرش توافق روی کاغذ نیست، به دنبال تغییر بنیادین ساختار امنیت در غرب آسیاست. نکته کلیدی در این پیام، تلفیق «برد-برد» با قدرت بازدارندگی است. از یک سو، ایران مسیر صلح و امنیت را با پنج راهبرد کلان بازگذاشته و از سوی دیگر، با هشدار درباره در تیررس بودن دارایی‌های دشمن، هرگونه تفکری برای تجاوز را با ریسک‌های جبران‌ناپذیر گره زده است. این نوع نگاه، نتیجه مستقیم افزایش توان نظامی و اشراف اطلاعاتی ایران است. وقتی کشوری بتواند با صراحت از غرامت و حاکمیت بر تنگه صحبت کند و همزمان دشمن را به دارایی‌هایش هشدار دهد، یعنی از تهدیدات طرف مقابل واهمه‌ای ندارد. ستاد کل نیروهای مسلح با این پیام به آمریکا فهماند، دوران دیکته کردن شرایط به پایان رسیده است. حالا توپ در زمین دشمن است؛ یا پذیرش واقعیت‌های جدید و حرکت به سمت امنیتی درون‌زا، یا رویارویی با قدرتی که هم راه صلح را می‌شناسد و هم مسیر ضربه زدن به حساس‌ترین نقاط دشمن را.



رئیس سازمان بسیج مستضعفین مطرح کرد
پیشرفت، بدون معامله با عزت ایرانی



رئیس سازمان بسیج مستضعفین روز گذشته در مراسم اختتامیه نخستین لیگ علمی «نوپایا» که در اردوگاه فاطمه الزهرا (س) برگزار شد، با اشاره به تلاش آمریکا برای حفظ نفوذ پس از پیروزی انقلاب اسلامی گفت: آمریکایی‌ها از طریق سفارت خود در تهران، شبکه‌های جاسوسی و ارتباطی را شکل داده و برای سازماندهی جریان‌های سلطنت طلب و گروه‌های مخالف انقلاب تلاش می‌کردند تا مانع استقرار دولت برخاسته از اراده مردم شوند، از همین رو، دانشجویان پیرو خط امام (ره) با تسخیر لانه جاسوسی، در برابر این توطئه ایستادند.

حجت‌الاسلام حسین طائب با اشاره به تغییر رویکرد آمریکا در مواجهه با جمهوری اسلامی ایران، اظهار کرد: آمریکایی‌ها در سال ۲۰۲۰ نیز بر تداوم مناسبات سلطه‌گرانه تاکید داشتند، اما با ناکامی در دستیابی به اهداف خود، به تدریج از جنگ ترکیبی و هیبریدی به سمت تقابل نظامی حرکت کردند. آنان پیشتر با ترور دانشمندان ایرانی تلاش کرده بودند مانع پیشرفت علمی کشور شوند، اما نتوانستند دانش و فناوری هسته‌ای ایران را از میان ببرند.

رئیس سازمان بسیج مستضعفین افزود: در جنگ‌های دوم و سوم تحمیلی، دشمن با شناسایی دانشمندان و استادان دانشگاه، تلاش کرد با حذف سرمایه‌های انسانی کشور، مسیر دستیابی ایران به دانش هسته‌ای را متوقف کند؛ این اقدامات حتی به دانش‌آموزان نیز کشیده شد و نشان داد که هدف دشمن صرفا مقابله با یک فناوری خاص نیست، بلکه جلوگیری از پیشرفت علمی و استقلال کشور است. طائب با اشاره به تحولات منطقه و اظهارات رئیس جمهور آمریکا درباره نابودی توان دریایی ایران، تصریح کرد: آمریکایی‌ها در حالی از نابودی نیروی دریایی ایران سخن می‌گویند و مدعی عبور دادن حجم مشخصی از نفت از تنگه هرمز هستند که همچنان در مدیریت بازار انرژی و کاهش قیمت نفت با مشکل مواجه‌اند. اگر ادعای آنان درباره کنترل شرایط درست است، چرا برای اثرگذاری بر قیمت نفت به طرح موضوع مذاکرات متوسل می‌شوند؟ واقعیت این است که تنگه هرمز امروز به یکی از مؤلفه‌های اثرگذار در تغییر موازنه قدرت تبدیل شده است.

وی گفت: فشارها و محاصره اقتصادی علیه ملت ایران نیز از آن رو ادامه دارد که مردم این سرزمین بر استقلال و حقوق خود پافشاری می‌کنند. ملت ایران زندگی خوب و پیشرفت را می‌خواهد، اما حاضر نیست برای دستیابی به آن، عزت و استقلال خود را معامله کند یا زیر بار ظلم برود.

خطای محاسباتی کاخ سفید و فروریختن نهایی کارت‌های بازی ترامپ
معماواره اردک لنگ و جنگ ایران



علی ودایع
کارشناس مسائل سیاست خارجی

دیپلماسی بین تهران و واشنگتن با اضطراب میانجی‌گران در ساعت صفر ادامه دارد. همه ذهن‌ها معطوف به احتمالات «سه‌شنبه بزرگ» و امکان شکست سنگین جمهوری‌خواهان شده است. در قلب واشنگتن، گفته می‌شود که هزینه‌های جنگ ایران جرقه در انبار باروت نارضایتی‌ها در افکار عمومی آمریکا از ترامپ محسوب می‌شود.

رئیس جمهور آمریکا گمان می‌کرد که الگوریتم ونزوئلا در پرونده ایران هم نتیجه خواهد داد اما جنگ در ۴۰ روز نه تنها به نقطه مطلوب نرسید که یک گره کور در تنگه هرمز ایجاد شد. صورت‌حساب ۵۶ میلیارد دلاری جنگ در کنار تبعات افزایش قیمت بنزین و گازوئیل، خوراک برای توپخانه اردوگاه دموکرات‌ها را فراهم کرد. منتقدان رئیس جمهور آمریکا کاهش خدمات اجتماعی در کنار تصاعد هزینه‌های زندگی را برای تحریک افکار عمومی مورد استفاده قرار داده‌اند.

بر اساس برخی شایعات، دونالد ترامپ به دنبال پیدا کردن یک مقصر در پرونده جنگ ایران است. گفته می‌شود که پیت هگست و فرمانده ستاد مشترک متهمین ردیف اول هستند. در عین حال ترامپ نگران پرستیژ «مرد دیوانه» است؛ تهران بی‌محابا در «بازی جوجه ترسو» واشنگتن را به دوئل دعوت می‌کند. سیگنال‌های ایران به وضوح نشان می‌دهد که آماده ورود به مرحله آخر تنش مبتنی بر چارچوب تحلیلی «هرمان کان» شده‌اند.

نشت تعمدی گزارش‌های جنگ

شکی نیست که هیچ‌گاه مرز میان «دیپلماسی» و «جنگ تمام عیار» در خاورمیانه تا این اندازه شکننده و فریبنده نبوده است. در شرایطی که کاروان دیپلمات‌ها میان تهران، دوحه، اسلام‌آباد، مسقط یا حتی پکن در تردد هستند و رسانه‌های غربی از «تمایل به گفت‌وگو» سخن می‌گویند، نگاهی به کالبدشکافی اندیشکده‌های معتبر آمریکایی پرده از یک احتمال جدی برمی‌دارد؛ آرامش نسبی در خاورمیانه نه یک صلح پایدار، بلکه یک «آتش‌بس تاکتیکی و انتخاباتی» است.

نشت گزارش‌های محرمانه وال‌استریت ژورنال و سی‌ان‌ان نشان می‌دهد که پنتاگون به پایتخت‌های عربی حوزه خلیج فارس هشدار داده است که ماشین جنگی ایالات متحده صرفا تا سه شنبه سوم نوامبر (انتخابات میان دوره‌ای کنگره) متوقف شده است. مبتنی بر این گزارش‌ها، پس از بسته شدن صندوق‌های رای، خطر از سرگیری یک کارزار نظامی کوتاه، اما فوق‌العاده شدید به بالاترین حد خود می‌رسد. ترامپ مدام از کلیدواژه «ضربه سخت، سریع و محکم» استفاده می‌کند. او اگرچه در عین حال تمایل ظاهری به دیپلماسی را حفظ می‌کند اما نه جنگ قطعی است و نه صلح ممکن به نظر می‌رسد.

هشدارهای محرمانه پنتاگون به پایتخت‌های عربی حوزه خلیج فارس، برخلاف محاسبات واشنگتن، موجی از هراس عریان را در ریاض، ابوظبی و دوحه ایجاد کرده است. دیپلمات‌های غربی و عربی به خوبی می‌دانند که این بار برخلاف دهه‌های گذشته، ایران متکی بر دکترین «بازدارندگی فعال»، هیچ‌گونه تجاوزی را بدون پاسخ نمی‌گذارد. پایتخت‌های عربی که هنوز خاطره تلخ آسیب‌پذیری زیرساخت‌های انرژی‌شان را فراموش نکرده‌اند، با استرس نظاره‌گر بازی خطرناک ترامپ هستند؛ آنها به وضوح به واشنگتن سیگنال داده‌اند که تمایلی به تبدیل شدن به خاکریز اول جنگی ندارند که ترامپ برای نجات پوست سیاسی خود به راه انداخته است.

سناریوهای سخت برای جمهوری‌خواهان

مبتنی بر گزارش ان‌بی‌سی نیوز، شکست جمهوری‌خواهان در مجلس نمایندگان قطعی به نظر می‌رسد. رقابت میلی‌متری در مجلس سنا همچنان ادامه دارد. اگر دموکرات‌ها بتوانند کنترل مجلس نمایندگان یا سنا را به دست بگیرند (با توجه به پیشتازی‌های انتخاباتی اخیر)، ابزارهای نظارتی، بودجه‌ای کمیته‌های تحقیق به دست رقیب می‌افتد. بر اساس تحلیل موسسه دیپلماسی صلح، ترامپ که در داخل با کنگره‌ای متخاصم و پایگاه حزبی دلسرد روبه‌رو شود، ممکن است برای جبران شکست سیاسی و اثبات اقتدار، به گزینه‌های تهاجمی‌تر و حملات شتاب‌زده در خاورمیانه پناه بیاورد. اگر جمهوری‌خواهان به طریقی کنترل کنگره یا سنا را حفظ کنند؛ تیم ترامپ این پیروزی را به عنوان چک سفیدامضا برای اجرای بی‌قید‌وشرط دکترین فشار حداکثری و عملیاتی کردن تهدیدات نظامی پس از سوم نوامبر تعبیر خواهد کرد. فارغ از احتمالات، یک معادله بزرگ و پیچیده ذهن اردوگاه فیل‌ها را درگیر کرده است. جمهوری‌خواهان که انتخابات الکترال ۲۰۲۸ را پیش رو می‌بینند؛ تا کجا قرار است شریک هزینه‌های قمارگران ترامپ باشند؟ آیا جمهوری‌خواهان یکپارچه از جنگ علیه ایران حمایت خواهند کرد؟

قمار بی‌نتیجه

ترامپ که با شعار «پایان دادن به جنگ‌های فرسایشی» و تمرکز بر اقتصاد ملی قدرت را به دست گرفت، امروز تقابل با ایران را به عنوان گران‌ترین و پرهزینه‌ترین قمار سیاسی خود تجربه می‌کند. مبتنی بر گزارش شورای آتلانتیک، اردوگاه جمهوری‌خواهان در سایه جنگ ایران با شکست وعده‌های اقتصادی مواجه شدند. بر اساس این تحلیل، جنگ با ایران نه تنها ثبات به ارمغان نیاورد؛ بلکه با جهش قیمت سوخت و تورم انتظاری، سفره شهروندان آمریکایی را هدف گرفته است.

می‌توان گفت که کاخ سفید به شدت نیازمند جلوگیری از شوک قیمتی بنزین در آستانه رای‌گیری بود. از هر چهار آمریکایی، یک نفر می‌گوید که از افزایش قیمت بنزین ناراضی است. ترامپ فراموش کرده است که اقتدار روسای جمهوری ایالات متحده نه از جنگ‌های خارجی که از باک خودروها و باک تراکتورهای کشاورزان آمریکایی تامین می‌شود. جی‌دی ونس در ماه‌های منتهی به انتخابات میان‌دوره‌ای، بارها به شکلی بی‌سابقه از جنگ با ایران و فشارهای لابی‌های خارجی انتقاد کرده و صراحتا به رای‌دهندگان منتقد گفته است که «حتی اگر با سیاست‌های خاورمیانه‌ای دولت مخالف هستید، جمهوری‌خواهان را رها نکنید.» او جنگ فرسایشی با ایران را انحراف از رسالت اقتصادی ترامپ می‌داند. در قلب اردوگاه «ماگا» هزینه‌های جنگ ایران و شخص ترامپ مقصر پیروزی دموکرات‌ها محسوب می‌شوند.

گفته می‌شود که در صورت پیروزی دموکرات‌ها در مجلس نمایندگان، رهبران حزب رقیب بلافاصله روند کلید زدن کمیته‌های تحقیق پیرامون هزینه‌کرد پنهان جنگ، ابهام در اهداف نظامی و پیامدهای تورمی آن بر زندگی شهروندان را آغاز خواهند کرد. اگر ترامپ بخواهد بدون مصوبه کنگره و با توسل به اختیارات اجرایی خود، وارد یک جنگ گسترده و تمام‌عیار با ایران شود، دموکرات‌ها تهدید کرده‌اند که پرونده نقض «قانون اختیارات جنگی» را به عنوان مبنایی برای استیضاح به جریان خواهند انداخت. با این حال، کارشناسان حقوقی معتقدند هرچند احتمال رای آوردن استیضاح در سنا (به دلیل ساختارآرا) دشوار است، اما همین فرآیند می‌تواند دولت ترامپ را به شدت فلج کرده و عملا به پروژه سیاسی او پایان دهد. در رمزگشایی از ادبیات «مرد دیوانه» تاکید بر عنصر زمان کوتاه نشان می‌دهد که «شاهین‌های جنگ‌طلب» در پیرامون ترامپ روی جنگ جنون‌انگیز حساب باز کرده‌اند. سه‌شنبه بزرگ در ایالات متحده، پایان تقابل نخواهد بود؛ بلکه نقطه عطف و زنگ خطری است که نشان می‌دهد ماشین جنگی واشنگتن پس از فراغت از صندوق‌های رای، ممکن است وارد فاز خطرناک‌تری شود. با این حال، در شطرنجی که تهران با عنصر زمان و بازدارندگی فعال ترسیم کرده، هرگونه خطای محاسباتی کاخ سفید می‌تواند به قیمت فروریختن نهایی کارت‌های بازی ترامپ تمام شود.





محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی:
پاسخ آمریکا به مطالبات ایران، قانع‌کننده نبود

چهارشنبه/ ۱۳ آبان ۱۴۰۵/ شماره ۶۸۱

وقتی توسعه‌طلبی تل‌آویو دیگر قابل انکار نیست
اعتراف دیرهنگام پادشاه اردن به تهدید رژیم اسرائیل

عبدالله دوم پس از سال‌ها همراهی با معادلات امنیتی غرب و مماشات در برابر رژیم صهیونیستی، اکنون توسعه‌طلبی اسرائیل را بزرگ‌ترین تهدید امنیت منطقه می‌خواند؛ اعترافی که از تغییر موازنه تهدیدها در غرب آسیا و آشکارتر شدن پیامدهای سیاست‌های تل‌آویو حکایت دارد.

به گزارش «آگاه» اظهارات اخیر عبدالله دوم، پادشاه اردن، درباره اینکه توسعه‌طلبی‌های رژیم صهیونیستی بزرگ‌ترین تهدید برای امنیت منطقه و ملت‌های آن است، واجد اهمیتی فراتر از یک موضع‌گیری دیپلماتیک معمولی است. این سخنان در شرایطی بیان می‌شود که رژیم صهیونیستی با تداوم جنگ در غزه، نقض مکرر حقوق فلسطینیان، سیاست‌های اشغالگرانه در کرانه باختری و طرح‌های توسعه‌طلبانه، عملا امنیت کشورهای منطقه را نیز تحت تاثیر قرار داده است. اهمیت این موضع‌گیری زمانی بیشتر می‌شود که بدانیم اردن یکی از کشورهایی است که طی دهه‌های گذشته روابط سیاسی و امنیتی نزدیکی با آمریکا و غرب داشته و از جمله کشورهای عربی است که با رژیم صهیونیستی پیمان صلح امضا کرده است. اکنون پرسش اینجاست که چرا حتی پادشاه اردن نیز ناچار شده است به تهدیدی اعتراف کند که سال‌ها تلاش می‌شد در سایه عادی‌سازی روابط و مناسبات امنیتی پنهان بماند؟

اعترافی فراتر از یک موضع‌گیری سیاسی

عبدالله دوم در تازه‌ترین اظهارات خود، ضمن تاکید بر اینکه اردن در برابر تروریسم تسلیم نخواهد شد، تصریح کرده است که «هیچ راهی برای دستیابی به امنیت و ثبات در منطقه وجود ندارد، مگر آنکه حق ملت فلسطین برای برخورداری از سرزمین خود تامین شود.» او همچنین توسعه‌طلبی‌های رژیم صهیونیستی را بزرگ‌ترین تهدید برای امنیت منطقه و ملت‌های آن دانسته و با اشاره به تداوم فاجعه انسانی در نوار غزه، بر ضرورت توقف اقدامات تجاوزکارانه تل‌آویو تاکید کرده است. این اظهارات را نمی‌توان صرفا در چارچوب حمایت لفظی از آرمان فلسطین ارزیابی کرد. وقتی پادشاه کشوری که از سال ۱۹۹۴ با رژیم صهیونیستی پیمان صلح دارد، صراحتا سیاست‌های توسعه‌طلبانه این رژیم را تهدیدی علیه امنیت منطقه معرفی می‌کند، باید آن را نشانه‌ای از افزایش نگرانی در میان دولت‌های عربی نسبت به پیامدهای واقعی سیاست‌های تل‌آویو دانست. اردن طی سال‌های گذشته تلاش کرده است میان تعهدات ناشی از پیمان صلح و روابط راهبردی خود با آمریکا از یک سو و ضرورت حفظ جایگاه منطقه‌ای و افکار عمومی داخلی از سوی دیگر توازن برقرار کند. با این حال، تحولات فلسطین و به‌ویژه جنگ غزه، هزینه سیاسی و اجتماعی این سیاست را افزایش داده است. در واقع، مسئله فلسطین برای اردن صرفا یک موضوع همبستگی عربی یا اسلامی نیست؛ بلکه با امنیت ملی، ساختار جمعیتی، ثبات سیاسی و تمامیت ارضی این کشور ارتباط مستقیم دارد. هرگونه تلاش برای کوچ اجباری فلسطینیان از سرزمین‌های اشغالی، به‌ویژه کرانه باختری، می‌تواند مستقیما امنیت و ثبات اردن را با مخاطره مواجه کند.

از پیمان صلح و عادی‌سازی تا نگرانی از توسعه‌طلبی رژیم اسرائیل

یکی از مهم‌ترین ابعاد سخنان عبدالله دوم، تناقض آشکاری است که میان واقعیت‌های میدانی و تجربه چند دهه سیاست عادی‌سازی با رژیم صهیونیستی وجود دارد. اردن در سال ۱۹۹۴ با امضای پیمان وادی عربه به دومین کشور عربی تبدیل شد که به‌صورت رسمی با رژیم صهیونیستی پیمان صلح امضا می‌کند. این توافق در آن زمان با وعده‌هایی درباره کاهش تنش، همکاری اقتصادی، ثبات مرزی و ایجاد زمینه برای حل‌وفصل مناقشه فلسطین همراه بود. با این حال، گذشت بیش از سه دهه نشان داده است که برقراری روابط رسمی با تل‌آویو لزوما به معنای کاهش تهدیدهای ناشی از سیاست‌های این رژیم نیست. رژیم صهیونیستی نه‌تنها به اشغالگری پایان نداده، بلکه با گسترش شهرک‌سازی، تضعیف تشکیلات خودگردان فلسطین، محدود کردن حقوق فلسطینیان و طرح ایده‌های مرتبط با کوچاندن اجباری آنان، نگرانی‌های امنیتی کشورهای همسایه را افزایش داده است. در چنین شرایطی، این پرسش جدی مطرح می‌شود که دستاورد امنیتی پیمان‌های صلح برای کشورهای عربی چه بوده است، وقتی طرف مقابل همچنان سیاست‌هایی را دنبال می‌کند که می‌تواند امنیت و حاکمیت ملی همان کشورها را تهدید کند؟ به نظر می‌رسد تجربه اردن، بار دیگر این واقعیت را آشکار کرده است که مسئله اصلی در غرب آسیا صرفا نبود روابط دیپلماتیک میان دولت‌ها نیست، بلکه ماهیت اشغالگرانه و توسعه‌طلبانه رژیم صهیونیستی و نپذیرفتن حقوق ملت فلسطین است.

اردن؛ نگران سناریوی انتقال اجباری فلسطینیان

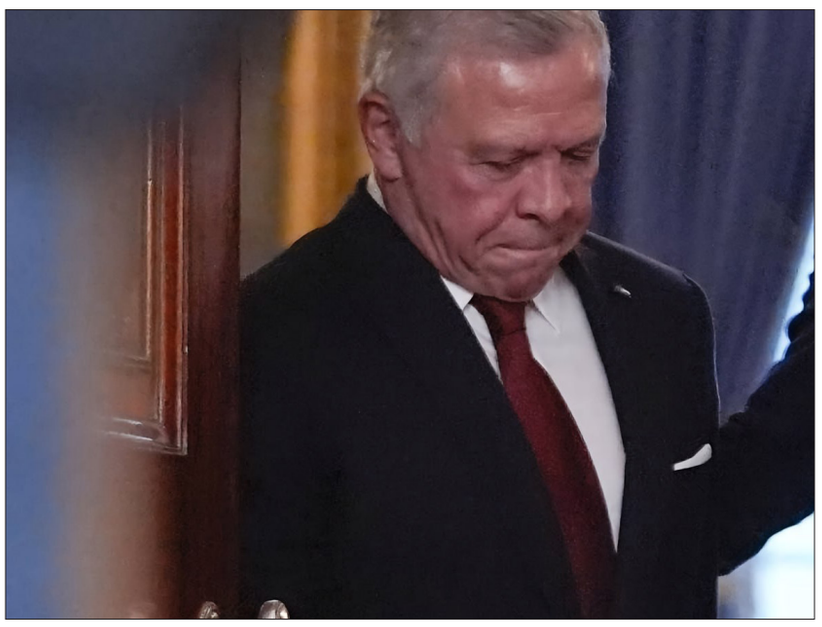
برای درک حساسیت مواضع پادشاه اردن باید به جایگاه جغرافیایی و سیاسی این کشور توجه کرد. اردن با کرانه باختری رود اردن مرز مشترک دارد و بخش قابل‌توجهی از جمعیت آن را فلسطینی‌تبارها تشکیل می‌دهند. از این‌رو، هرگونه تلاش برای انتقال اجباری فلسطینیان از سرزمین‌های اشغالی به کشورهای همسایه، مستقیما امنیت ملی امان را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

طرح‌های مطرح‌شده در محافل سیاسی رژیم صهیونیستی درباره کوچاندن فلسطینیان، به‌ویژه پس از آغاز جنگ غزه، نگرانی‌های جدی در اردن ایجاد کرده است. امان بارها اعلام کرده که با هرگونه کوچ اجباری فلسطینیان از غزه یا کرانه باختری مخالف است و چنین اقدامی را تهدیدی علیه امنیت و حاکمیت ملی خود می‌داند. از این منظر، تاکید عبدالله دوم بر اینکه حق ملت فلسطین برای برخورداری از سرزمین خود باید تامین شود، تنها یک موضع اخلاقی یا سیاسی نیست؛ بلکه بازتاب نگرانی عمیق اردن از پیامدهای پروژه‌های توسعه‌طلبانه رژیم صهیونیستی است. به بیان دیگر، آنچه امروز در فلسطین اشغالی جریان دارد، دیگر صرفا مناقشه‌ای میان فلسطینیان و رژیم صهیونیستی نیست؛ بلکه به مسئله‌ای مرتبط با امنیت جمعی کشورهای منطقه تبدیل شده است.

خوش‌بینی به عادی‌سازی؛ واقعیتی که تل‌آویو زیر سوال برد

یکی از نکات قابل تأمل در این تحولات، فاصله گرفتن تدریجی برخی دولت‌های عربی از خوش‌بینی اولیه نسبت به سیاست عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی است. طی سال‌های گذشته، برخی دولت‌های منطقه با این تصور که برقراری روابط اقتصادی و امنیتی با تل‌آویو می‌تواند به کاهش تنش‌ها و ایجاد ثبات کمک کند، به سمت عادی‌سازی حرکت کردند. اما تحولات غزه و تداوم سیاست‌های اشغالگرانه نشان داد که این محاسبات با واقعیت‌های رفتاری رژیم صهیونیستی همخوانی ندارد. در این میان، مواضع اردن اهمیت ویژه‌ای دارد؛ چراکه این کشور نه‌تنها با رژیم صهیونیستی رابطه رسمی دارد، بلکه از نظر جغرافیایی و امنیتی نیز بیش از بسیاری از کشورهای عربی در معرض پیامدهای سیاست‌های توسعه‌طلبانه تل‌آویو قرار گرفته است.

البته نباید از نظر دور داشت که عبدالله دوم همچنان در چارچوب مناسبات راهبردی اردن با آمریکا و غرب حرکت می‌کند و سخنان اخیر او به معنای تغییر کامل رویکرد امان در قبال تل‌آویو نیست. اما همین موضع‌گیری صریح نشان می‌دهد که حتی متحدان سنتی غرب نیز نمی‌توانند در برابر پیامدهای سیاست‌های رژیم صهیونیستی سکوت کنند. در حقیقت، اگر تا دیروز برخی دولت‌های عربی تصور می‌کردند با حفظ روابط سیاسی و امنیتی با تل‌آویو می‌توانند از پیامدهای بحران فلسطین دور بمانند، امروز تحولات منطقه نشان داده است که توسعه‌طلبی اسرائیل مرزهای جغرافیایی و محاسبات دیپلماتیک را به رسمیت نمی‌شناسد.



تروریسم و امنیت منطقه؛ دو روی یک واقعیت

عبدالله دوم در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به حمله الکرک و تاکید بر اینکه تروریست‌ها هیچ جایگاهی در جامعه اردن ندارند، بر ضرورت حفظ وحدت ملی و مقابله با جریان‌های تروریستی تاکید کرده است. این بخش از اظهارات پادشاه اردن نیز در شرایط منطقه‌ای کنونی قابل توجه است. تجربه سال‌های گذشته نشان داده که ناامنی، مداخلات خارجی، جنگ‌های نیابتی و گسترش گروه‌های تروریستی چگونه می‌تواند ساختار سیاسی و اجتماعی کشورهای منطقه را تحت فشار قرار دهد. با این حال، مقابله با تروریسم زمانی می‌تواند به ثبات پایدار منجر شود که ریشه‌های سیاسی و امنیتی بحران نیز مورد توجه قرار گیرد. نمی‌توان از امنیت منطقه سخن گفت، اما نسبت به اشغال سرزمین‌های فلسطینی، کشتار غیرنظامیان، تخریب زیرساخت‌های حیاتی و تداوم سیاست‌های تجاوزکارانه سکوت کرد. امنیت در غرب آسیا مفهومی به‌هم‌پیوسته دارد و هیچ کشوری نمی‌تواند خود را از پیامدهای بی‌ثباتی در سرزمین‌های همسایه مصون بداند. از همین رو، تاکید پادشاه اردن بر پیوند میان احقاق حقوق فلسطینیان و تحقق ثبات منطقه‌ای، بیانگر واقعیتی است که طی دهه‌ها در محاسبات امنیتی برخی دولت‌ها نادیده گرفته شده است.

آزمون صداقت برای دولت‌های عربی

اکنون مهم‌ترین پرسش این است که آیا موضع‌گیری صریح عبدالله دوم به اقدامات عملی در سطح منطقه‌ای منجر خواهد شد یا در حد اظهارات سیاسی باقی می‌ماند؟ اگر توسعه‌طلبی رژیم صهیونیستی واقعا بزرگ‌ترین تهدید برای امنیت منطقه است، مقابله با آن نمی‌تواند صرفا به صدور بیانیه و ابراز نگرانی محدود شود. توقف همکاری‌هایی که به تقویت سیاست‌های اشغالگرانه کمک می‌کند، استفاده از ظرفیت‌های دیپلماتیک و حقوقی بین‌المللی، حمایت عملی از حقوق ملت فلسطین و مخالفت جدی با هرگونه کوچ اجباری، از جمله اقداماتی است که می‌تواند به مواضع اعلام‌شده معنا و اعتبار ببخشد. در این میان، کشورهای عربی با یک آزمون مهم مواجه هستند: آیا حاضرند منافع و امنیت جمعی خود را بر ملاحظات سیاسی و روابط ویژه با قدرت‌های فرامنطقه‌ای مقدم بدانند یا همچنان سیاست‌های دوگانه را ادامه خواهند داد؟ برای جمهوری اسلامی ایران، این تحولات بار دیگر بر درستی این ارزیابی تاکید می‌کند که رژیم صهیونیستی صرفا تهدیدی علیه ملت فلسطین نیست، بلکه با دنبال کردن سیاست‌های اشغالگرانه و توسعه‌طلبانه، امنیت و استقلال کشورهای منطقه را نیز هدف قرار داده است.

پایان توهم امنیت در سایه رژیم اسرائیل

اظهارات اخیر پادشاه اردن را باید در چارچوب تحولات عمیق غرب آسیا و آشکار شدن پیامدهای سیاست‌های رژیم صهیونیستی تحلیل کرد. این سخنان اگرچه به معنای گسست اردن از پیمان صلح با تل‌آویو نیست، اما حامل یک پیام روشن است؛ حتی دولت‌هایی که سال‌ها تلاش کرده‌اند با حفظ مناسبات رسمی و امنیتی با رژیم صهیونیستی، از تنش‌های منطقه‌ای فاصله بگیرند، اکنون با واقعیتی مواجه شده‌اند که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. توسعه‌طلبی اسرائیل نه‌تنها امنیت فلسطینیان را از بین برده، بلکه نگرانی از گسترش بحران به کشورهای همسایه را نیز افزایش داده است. در چنین شرایطی، اعتراف پادشاه اردن به ماهیت تهدیدآمیز سیاست‌های تل‌آویو، صرف‌نظر از انگیزه‌های سیاسی و ملاحظات داخلی آن، نشانه‌ای مهم از فرسایش توهم امنیت در سایه عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی است. واقعیت آن است که امنیت پایدار در غرب آسیا از مسیر توافق‌های پشت درهای بسته با رژیمی که همچنان بر اشغالگری و توسعه‌طلبی اصرار دارد، به دست نمی‌آید. تا زمانی که حقوق ملت فلسطین به رسمیت شناخته نشود و اشغالگری پایان نیابد، هیچ پیمان صلحی به‌تنهایی قادر نخواهد بود منطقه را از چرخه بحران و ناامنی خارج کند. امروز عبدالله دوم نیز به زبانی دیگر همین واقعیت را بیان می‌کند؛ واقعیتی که جمهوری اسلامی ایران طی دهه‌های گذشته بر آن تاکید داشته است: مسئله فلسطین، مسئله امنیت تمام منطقه است و نمی‌توان با نادیده گرفتن حقوق یک ملت، برای دیگر ملت‌ها امنیت پایدار ساخت.

اختلاف در کاخ سفید بر سر ایران
ترامپ میان جنگ، فشار اقتصادی و توافق
روایت آکسیوس از سه رویکرد متفاوت در دولت آمریکا

گزارش پایگاه خبری آکسیوس از اختلاف نظر جدی در دولت دونالد ترامپ درباره نحوه مواجهه با جمهوری اسلامی ایران، نشان می‌دهد واشنگتن همچنان در انتخاب مسیر آینده خود سردرگم است؛ اختلافی که سه گزینه متفاوت، یعنی از سرگیری حملات نظامی، تداوم فشار اقتصادی و حرکت به سمت توافق دیپلماتیک را پیش روی رئیس جمهور آمریکا قرار داده است.

پایگاه خبری آکسیوس در گزارشی به نقل از منابع آگاه در کاخ سفید، از شکاف میان مقام‌های دولت ترامپ درباره چگونگی پایان دادن به تقابل با ایران خبر داده است؛ شکافی که بیش از هر چیز، بیانگر دشواری تصمیم‌گیری واشنگتن درباره هزینه‌ها و پیامدهای هریک از گزینه‌های پیش رو است. بر اساس این گزارش، جی دی ونس، معاون رئیس جمهور آمریکا و استیو ویتکاف، فرستاده ویژه کاخ سفید، از طرفداران توافق با ایران هستند و معتقدند از سرگیری جنگ می‌تواند شرایط را پیچیده‌تر کند. همچنین شماری از کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز با انتقال نگرانی‌های خود به ترامپ، از مسیر دیپلماسی حمایت کرده‌اند. در مقابل، بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی و پیت هگست، وزیر جنگ آمریکا، خواهان بازگشت به گزینه نظامی هستند و تصور می‌کنند تشدید حملات می‌تواند تهران را به پذیرش خواسته‌های واشنگتن وادار کند. جریان سوم نیز به دنبال حفظ وضعیت «نه جنگ، نه توافق» و ادامه فشار حداکثری اقتصادی است. اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری، جان رتکلیف، رئیس سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا و مارکو روبیو، وزیر امور خارجه، از این رویکرد حمایت می‌کنند. بنا بر روایت آکسیوس، این گروه معتقد است تداوم فشار اقتصادی می‌تواند ایران را به ارائه امتیازات بیشتر وادار کند یا زمینه بی‌ثباتی داخلی را فراهم آورد. این سه‌گانگی در تصمیم‌گیری، نشان می‌دهد دولت آمریکا هنوز به ارزیابی مشترکی از میزان اثربخشی ابزارهای فشار علیه ایران نرسیده است. در واقع، واشنگتن از یک سو به دنبال حفظ اهرم‌های تهدید و فشار است و از سوی دیگر، نسبت به هزینه‌های ورود مجدد به یک تقابل نظامی گسترده نگرانی دارد.

اظهارات اخیر جی دی ونس درباره احتمال دستیابی به توافق با ایران نیز در همین چارچوب قابل ارزیابی است. او روز دوشنبه اعلام کرد که نسبت به پیشرفت مذاکرات احساس مثبتی دارد و هنوز مهلتی برای از سرگیری حملات تعیین نشده است. با این حال، ونس همچنان بر ضرورت ارائه تعهدات قابل راستی‌آزمایی از سوی ایران درباره برنامه هسته‌ای تاکید کرده است. این موضع در حالی مطرح می‌شود که تجربه تقابل نظامی با جمهوری اسلامی ایران نشان داده است هرگونه تجاوز مجدد، لزوما به یک عملیات محدود و قابل‌کنترل منتهی نخواهد شد. موقعیت راهبردی ایران، ظرفیت‌های دفاعی و اهمیت تنگه هرمز برای امنیت انرژی جهان، از جمله عواملی هستند که محاسبات نظامی واشنگتن را پیچیده می‌کنند. از همین رو، حمایت برخی کشورهای منطقه از توافق را می‌توان نشانه نگرانی آنها از گسترش دامنه درگیری و تبعات امنیتی و اقتصادی آن دانست؛ کشورهایی که به‌خوبی می‌دانند شعله‌ور شدن دوباره جنگ، محدود به مرزهای ایران و سرزمین‌های اشغالی باقی نخواهد ماند.

در سوی دیگر، عباس عراقچی، وزیر امور خارجه کشورمان، از فشرده‌تر شدن تبادل‌های دیپلماتیک خبر داده و با اشاره به نقش فعال قطر و پاکستان در میانجیگری تاکید کرده است که تهران پیشنهادها و شروط خود را ارائه کرده و تصمیم نهایی به عقلانیت سیاسی واشنگتن بستگی دارد. موضع جمهوری اسلامی ایران روشن است؛ تهران از دیپلماسی واقعی و مبتنی بر احترام متقابل استقبال می‌کند، اما مذاکره را پوششی برای فریبکاری یا آماده‌سازی تجاوز نظامی مجدد نمی‌پذیرد. عراقچی همچنین تاکید کرده است که پذیرش شروط ایران درباره تنگه هرمز می‌تواند زمینه از سرگیری مذاکرات را فراهم کند. همزمان، تحرکات دیپلماتیک روسیه و چین نیز ابعاد بین‌المللی این تحولات را برجسته کرده است. گفت‌وگوی تلفنی ولادیمیر پوتین با سرلشکر محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی و سفر علی باقری‌کنی به پکن و دیدار با وزیر امور خارجه چین، از تداوم رایزنی‌ها برای دستیابی به راه‌حل سیاسی حکایت دارد. در این میان، تاکید مقام‌های کشورمان بر آمادگی برای پاسخ فوری، موثر و بدون محدودیت جغرافیایی به هرگونه تجاوز، نشان می‌دهد تهران دیپلماسی را از موضع انفعال دنبال نمی‌کند. همچنین هشدار به کشورهای منطقه درباره پیامدهای همراهی با اقدامات نظامی آمریکا، بخشی از تلاش ایران برای جلوگیری از گسترش دامنه درگیری است. در مجموع، روایت آکسیوس از اختلافات داخلی کاخ سفید نشان می‌دهد دولت ترامپ با وجود تمام تهدیدها، هنوز درباره مسیر خروج از بحران به جمع‌بندی نرسیده است. واشنگتن باید میان توافق واقعی و تداوم سیاست فشار و تهدید انتخاب کند؛ چراکه نمی‌توان همزمان از مذاکره سخن گفت، گزینه نظامی را روی میز نگه داشت و انتظار داشت تهران بدون دریافت تضمین‌های معتبر، به خواسته‌های یک‌جانبه تن بدهد. اکنون مسئله اصلی برای کاخ سفید نه چگونگی افزایش فشار بر ایران، بلکه پذیرش این واقعیت است که ادامه تقابل و تهدید، الزاما به معنای دستیابی به نتیجه مطلوب آمریکا نخواهد بود.

توافق احزاب مخالف برای کنار زدن نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، نشانه‌ای تازه از تشدید شکاف‌های سیاسی در تل‌آویو است
بحران سیاسی در سرزمین‌های اشغالی

در شرایطی که رژیم صهیونیستی با مجموعه‌ای از بحران‌های امنیتی، سیاسی و اجتماعی دست‌وپنجه نرم می‌کند، توافق احزاب مخالف برای تسریع روند برکناری بنیامین نتانیاهو و تشکیل دولتی اضطراری به ریاست گادی آیزنکوت، رئیس پیشین ستاد ارتش این رژیم، از ورود رقابت‌های سیاسی در سرزمین‌های اشغالی به مرحله‌ای تازه حکایت دارد؛ تحولی که علاوه بر تضعیف موقعیت سیاسی نتانیاهو، می‌تواند نشانه‌ای از تلاش ساختار سیاسی و نظامی این رژیم برای عبور از بحران مشروعیت و بازسازی قدرت اجرایی باشد. توافق احزاب مخالف رژیم صهیونیستی برای کنار زدن بنیامین نتانیاهو و معرفی گادی آیزنکوت به عنوان گزینه تشکیل دولت آینده، صرفا یک جابه‌جایی احتمالی در رأس کابینه نیست؛ بلکه باید آن را در چارچوب بحران عمیق‌تری تحلیل کرد که طی ماه‌های اخیر ارکان سیاسی و امنیتی این رژیم را تحت تاثیر قرار داده است. اختلاف بر سر مدیریت جنگ، ناکامی در تحقق اهداف نظامی، افزایش فشارهای داخلی و شکاف میان جریان‌های سیاسی و نظامی، شرایطی ایجاد کرده که حتی ادامه حضور نتانیاهو در قدرت نیز به موضوعی مناقشه‌برانگیز تبدیل شده است. بر اساس گزارش منتشرشده، رهبران احزاب مخالف پس از نشستی در هرتزلیا توافق کرده‌اند گادی آیزنکوت را برای تشکیل دولت آینده معرفی کنند و مذاکرات ائتلافی را بدون تاخیر آغاز کنند. یائیر لاپید، رهبر این جریان سیاسی، نیز با تاکید بر ضرورت تشکیل کابینه‌ای جایگزین، اعلام کرده است که مخالفان برای خارج کردن نتانیاهو و همراهانش از دفتر نخست‌وزیری تلاش خواهند کرد. این موضع‌گیری نشان می‌دهد مخالفان دیگر صرفا به انتقاد از عملکرد کابینه اکتفا نمی‌کنند، بلکه درصدد تبدیل نارضایتی سیاسی به یک طرح عملی برای انتقال قدرت هستند. در این میان، انتخاب آیزنکوت به عنوان محور ائتلاف مخالفان نیز معنادار است؛ فردی که سابقه فرماندهی ارتش رژیم صهیونیستی را در کارنامه دارد و می‌تواند برای بخشی از جامعه اسرائیل، به‌ویژه جریان‌های امنیتی و نظامی، چهره‌ای قابل اتکا معرفی شود.

آیزنکوت؛ چهره نظامی برای عبور از بحران سیاسی

یکی از مهم‌ترین ابعاد این تحولات، برجسته شدن نقش یک فرمانده سابق ارتش در معادلات سیاسی رژیم صهیونیستی است. آیزنکوت در شرایطی به عنوان گزینه جایگزین نتانیاهو معرفی می‌شود که اعتبار نهادهای امنیتی و نظامی این رژیم تحت تاثیر تحولات و بحران‌های اخیر با پرسش‌های جدی مواجه شده است. مخالفان نتانیاهو احتمالا با انتخاب آیزنکوت به دنبال ایجاد نوعی پیوند میان مدیریت سیاسی و اعتبار نظامی هستند؛ راهبردی که بتواند بخشی از افکار عمومی ناراضی را با وعده بازسازی ساختار تصمیم‌گیری همراه کند. با این حال، سابقه نظامی به‌تنهایی تضمین‌کننده توانایی مدیریت بحران‌های پیچیده سیاسی، اقتصادی و امنیتی نیست. آیزنکوت نیز با اعلام اینکه حتی در صورت درخواست دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، حاضر به پیوستن به کابینه‌ای به ریاست نتانیاهو نخواهد شد، تلاش کرده مرز سیاسی خود را با نخست‌وزیر کنونی روشن کند. این موضع از یک سو نشان‌دهنده جدیت اختلافات در اردوگاه مخالفان نتانیاهو و از سوی دیگر بیانگر حساسیت بالای موضوع تشکیل دولت آینده است.

بحران مشروعیت؛ مسئله‌ای فراتر از اختلاف احزاب

اظهارات یائیر لاپید درباره تلاش برای لغو نتایج انتخابات و انتقاد از چنین اقدامی نیز یکی دیگر از نشانه‌های عمق اختلافات داخلی در سرزمین‌های اشغالی است. لاپید با اشاره به اطلاعات ارائه‌شده از سوی رئیس شاباک و کمیته مرکزی انتخابات، مدعی شده است که انتخابات سالم برگزار شده و دلیلی برای لغو نتایج آن وجود ندارد. طرح چنین موضوعی در فضای سیاسی رژیم صهیونیستی نشان می‌دهد اختلافات از رقابت معمول میان احزاب فراتر رفته و به مناقشه بر سر قواعد و سازوکارهای انتقال قدرت رسیده است. وقتی جریان‌های سیاسی یکدیگر را به نپذیرفتن شکست یا تلاش برای تغییر نتایج انتخاباتی متهم می‌کنند، اعتماد عمومی به نهادهای سیاسی نیز بیش از گذشته آسیب می‌بیند. در واقع، مسئله اصلی تنها ماندن یا رفتن نتانیاهو نیست؛ بلکه این پرسش مطرح است که آیا ساختار سیاسی رژیم صهیونیستی توانایی تولید یک توافق پایدار برای اداره بحران‌های داخلی و خارجی خود را دارد یا خیر؟

حمایت نفتالی بنت و معادله دشوار تشکیل ائتلاف

اعلام حمایت نفتالی بنت و حزب «باهم» از تلاش‌های آیزنکوت برای تشکیل کابینه نیز می‌تواند به تقویت موقعیت مخالفان کمک کند. با این حال، حمایت سیاسی به‌تنهایی به معنای شکل‌گیری یک ائتلاف منسجم و برخوردار از اکثریت پارلمانی نیست. احزاب مخالف نتانیاهو، با وجود اشتراک نظر درباره ضرورت پایان دادن به نخست‌وزیری او، در بسیاری از مسائل سیاسی و راهبردی اختلاف نظر دارند. از این رو، تشکیل دولت اضطراری می‌تواند با چالش‌هایی جدی مواجه شود؛ به‌ویژه آنکه هرگونه توافق میان احزاب باید بتواند درباره موضوعاتی همچون مدیریت جنگ، آینده نوار غزه، روابط با آمریکا، مسئله اسرا و نحوه مواجهه با جبهه مقاومت به یک موضع مشترک برسد. نکته مهم دیگر آن است که تغییر نخست‌وزیر لزوما به معنای تغییر ماهیت سیاست‌های راهبردی رژیم صهیونیستی نیست. تجربه سیاسی این رژیم نشان داده است که اختلاف میان احزاب و چهره‌های سیاسی، در بسیاری از موارد بر سر شیوه اداره بحران‌ها و تقسیم قدرت است، نه لزوما بر سر اصول توسعه‌طلبانه و اشغالگرانه آن.



تغییر چهره‌ها، بدون تغییر راهبردها

از منظر منطقه‌ای، تحولات اخیر را باید در چارچوب فشارهای فزاینده بر رژیم صهیونیستی ارزیابی کرد. این رژیم در سال‌های اخیر تلاش کرده با اتکا به برتری نظامی و حمایت همه‌جانبه آمریکا، معادلات منطقه را به سود خود تغییر دهد؛ اما تداوم بحران‌های امنیتی و ناتوانی در ایجاد ثبات پایدار، هزینه‌های سیاسی و اجتماعی سنگینی بر ساختار حاکمیتی آن تحمیل کرده است. در چنین شرایطی، کنار رفتن نتانیاهو و روی کار آمدن چهره‌ای مانند آیزنکوت ممکن است در کوتاه‌مدت به کاهش بخشی از تنش‌های سیاسی داخلی و بازآرایی قدرت در تل‌آویو منجر شود؛ اما نمی‌توان آن را به منزله پایان بحران‌های بنیادین این رژیم دانست.

در مجموع، توافق احزاب مخالف برای معرفی آیزنکوت، بیش از آنکه نشانه عبور رژیم صهیونیستی از بحران باشد، بیانگر شدت گرفتن رقابت بر سر مدیریت همین بحران است. نتانیاهو ممکن است در نتیجه این تحولات با یکی از جدی‌ترین چالش‌های دوران سیاسی خود مواجه شود، اما مسئله اساسی همچنان پابرجاست: تغییر نخست‌وزیر تا چه اندازه می‌تواند واقعیت‌های امنیتی و سیاسی سرزمین‌های اشغالی را دگرگون کند؟

پاسخ این پرسش را نه صرفا در جابه‌جایی افراد در رأس کابینه، بلکه در توانایی یا ناتوانی ساختار سیاسی رژیم صهیونیستی برای مواجهه با پیامدهای سیاست‌های توسعه‌طلبانه، جنگ‌افروزی و بحران‌های انباشته داخلی باید جست‌وجو کرد. از این منظر، دولت احتمالی آیزنکوت نیز پیش از هر چیز با آزمون دشوار بازسازی اعتماد عمومی و مدیریت شکاف‌های عمیق در جامعه و ساختار قدرت این رژیم روبه‌رو خواهد بود.



حمید جهانی، نویسنده:
روایت تاریخ برای نوجوانان نباید به سخنرانی آموزشی تبدیل شود

قطعه ۲۴

نقل چهارشنبه‌ها از آنها که ستون خیمه‌ها شدند
پرواز از میدان قدس تا بهشت

مرضیه کیان، خبرنگار گروه فرهنگ: روایت بیست‌وچهارم، نقل مردی از تبار نان حلال و بازوان زحمتکش است که بی‌سپر، میان سنگ‌فرش‌های پایتخت آسمانی شد؛ فضل‌الله فرجی. پیرغلام ۶۰ ساله و کابینت‌سازی که کارگاهش در جاجرود بود، سال‌ها بوی چوب و عرق جبین را با شرافت آمیخته بود. جانباز گمنام سال‌های دور که یک‌شنبه بیست‌وپنجم خرداد ۱۴۰۴، در آتش موشک صهیونیست‌ها در میدان قدس تجریش، مسافر قطعه ۴۲ بهشت زهرا (س) شد تا سندی بر مظلومیت عابران بی‌گناه این آب و خاک باشد.

تصدقت گردم تهران جانم! احوال شما چطور است؟ ای شهر صبور، ای کهنسال شهر هزار رقصه، تلخم این روزها؛ تلخ، مثل تفاله های ته کاسه توتون، مثل کام تب‌دار بیماری که شربت شفابخش نیافته است. جهان را گویی خواب برده و چشم انصاف خلق بسته مانده است. آن علف هرز بی‌آبرو و دمل چرکین روزگار، این اسرائیل سفاک، دست تطاول گشوده و هر دم سقف خانه‌ای یا گوشه میدانی از شما را به کام آتش می‌برد. این روزها آن قدر داغ پیاپی بر دل می‌نشیند که فرصت سوگواری سوا و علی حده برای هر کدامشان باقی نمی‌ماند؛ آدم مات می‌ماند مشکی پوش کدام ماتم باشد!

تهران! یادم آمد آن کلام نغز که می‌گفتند اگر بارو بر صد ساله می‌خواهید، باید انسان بپرورید و روح را صیقل دهید. حال شما بفرمایید، در کجای این افلاک، انسان نجیب‌تر و زلال‌تر از مردمان کوچه و بازار این دیار پیدا می‌شود؟ اینها که نه در پی نام بودند و نه در سودای تریبون و منال؛ همان‌ها که سحرگاه به طلب یک لقمه نان حلال شال و کلاه می‌کردند و شامگاه، با پیشانی عرق‌کرده و دست‌های پینه‌بسته، خنده به روی اهل و عیال می‌زدند. حکایت، قصه فضل‌الله‌خان فرجی است؛ همان مرد ۶۰ساله نیاوران‌نشینی که در کارگاه‌های جاجرود، تخته‌های ام‌دی‌اف و چوب را با سرپنجه هنر به هم پیوند می‌زد تا کابینتی آبرومند برای مطبخ خلق خدا سامان دهد.

مشتری‌های جاجرود هنوز نام او را به خوش‌قولی و امانت می‌برند؛ مردی که بدقولی در مرامش نبود و نان شبهه‌ناک از گلویش پایین نمی‌رفت. در خانه هم همانطور بود؛ آرام، سربه‌زیر و خوش خلق. فریده خانم، شریک ۴۰ سال زندگی او، می‌گوید در اوج تنگی و تلخی معیشت، لبخند از کنج لب فضل‌الله محو نشد. هیچ دلی را نشکست و به مورچه‌ای طعنه نزد. هاناخانم، دخترش، گوشه خانه می‌نشیند و های‌های می‌گرید که با با هر روز صبح قبل از خروج و هر غروب وقت ورود، پیشانی ما را می‌بوسید و می‌گفت: «دخترگلم». حالا طنین همان صدا توی اتاق‌ها پیچیده و خانه را در حسرت فرو برده.

اما فقط این نبود تهران! این مرد ساده، در سینه خود گنجینه‌ای از رشادت نهان داشت که هرگز به رخ احدالناسی نکشید. دهه ۶۰، وقتی دشمن بعثی چنگ و دندان نشان داد، سه سال تمام در خطوط مقدم سینه سپر کرد. ترکش‌ها تنش را گزید و گوش‌هایش سنگین شد؛ اما یک برگ کاغذ یا کارت جانبازی نگرفت. پیش خلق دم برنیاورد و می‌گفت: «کاری برای کشور نکردم؛ اگر دوباره خاکی در خطر باشد، همین فردا پوتین به پا می‌کنم.» دل او اما از جنس دیگری بود؛ سال‌ها خاک پای عزاداران بود و در خیابان دلاوران، بانی هیات قمر بنی‌هاشم(ع). محرم که نزدیک می‌شد، خواب از چشمش رخت برمی‌بست تا تکیه قمر بنی‌هاشم(ع) برپا باشد. همین چند روز پیش از شهادتش، وقتی رفیق همراهش در هیات پرکشید، سر بر دیوار گذاشت و گفت: «بی او چگونه خیمه محرم را برپا کنیم؟» غافل از آنکه تقدیر، بانی را پیش از محرم به بارگاه ساقی کربلا می‌برد.

بیست‌وپنجم خرداد، وقتی برای انجام کارهای روزمره از در خانه بیرون زد، پا به میدان قدس تجریش گذاشت. چه می‌دانست گرگ‌های پلید صهیونیست، نه جنگاور میدان، که عابران پیاده و خریداران نان و ماست را نشان گرفته‌اند؟ صهیونیست‌ها گمان می‌کنند با کشتن این عابران بی‌پناه، پای این ملت سست می‌شود؛ غافل از اینکه این مردم، ریشه در تاریخ و شرافت دارند و با این زخم‌ها از پا نمی‌افتند. آوار فرود آمد و گرد و غبار، آسمان تجریش را بلعید. پیرمردی که سلاحی جز تسبیح و کلید خانه نداشت، در خون پاک خود غلتید تا ماهیت شوم آن اژدهای کودک‌کش بر همه نمایان شود.

حالا پیکر فضل‌الله‌خان در دل خاک شما، در این قطعه آرام گرفته است؛ همان قطعه‌ای که دخترش می‌گوید شبیه قبرستان نیست، تکه‌ای از بهشت برین است که بوی گلاب و عطر غیرت از آن بلند می‌شود و دل‌های شکسته بازماندگان را آرام می‌کند. آنجا کنار رفقای شهیدش خفته است، بی‌نیاز از هر عنوان و نشانی.

تهران جان! ای پایتخت داغ‌دیدگان، چرا حرف نمی‌زنید؟ نگاهتان کنم؛ خاکم به سر، چشمان زلال شما بارانی شد؟ برای فضل‌الله گریه می‌کنید؟ برای دست‌های اره‌کشیده و خاک‌اره نشسته او؟ برای دختران چشم‌انتظارش اشک می‌ریزید؟ ای لال بمیرم من که پای صحبتم نشستید و باز نمک بر جراحت سینه شما پاشیدم! اشک نریزید؛ این سروها اگر بر خاک بیفتند، ریشه‌شان در عمق این دیار استوارتر می‌ماند. فضل‌الله رفت، اما نام او در کتیبه هیات و در آبروی این کهن‌بوم حک شد. دشمن کور بداند، با زدن عابر پیاده و کاسب خوشنام، جزلعنت ابدی چیزی درو نخواهد کرد و پرچم این دیار، به برکت همین نان‌های حلال تا ابد برافراشته خواهد ماند. سایه شما پایدار و روح فضل‌الله فرجی در جوار اربابش قرین آرامش باد. زیاده عرضی نیست.



تاملی بر تسخیر لانه جاسوسی برای نسل امروز
دیوار نامرئی سفارت

برای نوجوانی که جهانش در قاب چند اینچی گوشی جا شده و معناها را با ضرب‌آهنگ شتاب‌زده کلیپ‌ها می‌فهمد، سیزدهم آبان ۱۳۵۸ دقیقا چیست؟ صادقانه بگوییم: سهم این نسل از یکی از پیچ‌های سرنوشت‌ساز تاریخ معاصر، چند حلقه تصویر تکراری بوده است؛ زنگ مدرسه، دانش‌آموزانی که از در حیاط بیرون می‌ریزند، مشتی دست نوشته روی مقوا، پرچمی که آتش می‌گیرد و نرده‌هایی که از رویشان می‌پرند. همه ماجرا در همین دایره بسته خلاصه شده و پرسش واقعی نوجوان امروز هرگز شنیده نشده است: چرا سفارت؟ چرا آن روز؟ چه چیزی در خطر بود؟ این یادداشت دنبال جواب دادن به همین سه پرسش است؛ اول کوتاه از کم‌کاری خودمان در روایت می‌گوییم، بعد از لزوم آن تصمیم تاریخی و بعد از خود ماجرا، همان‌طور که در اسناد و خاطره‌ها ثبت شده است. روایتی که فقط شعور را به حرکت درآورد و عقل را معطل بگذارد، در برابر نسل پرسشگر امروز شکست خورده است.


نمایی از تسخیر سفارت آمریکا در ۱۳ آبان ۱۳۵۸

از پیامدهای همین کوتاهی در تبیین است که خاطره سیزدهم آبان برای نسل امروز به چند کلیپ تقلیل یافته است؛ تولیدات تصویری ما بیشتر از آنکه توضیح بدهند، آیین برگزار می‌کنند. دوربین، لحظه بیرون ریختن دانش‌آموزان از مدرسه را ثبت می‌کند و همان‌جا می‌ایستد. برای نوجوان امروز اما پرسش تازه شروع می‌شود: مگر خون روی زمین ریخته شد که سفارتی اینگونه تصرف شود؟ چرا راه‌های دیپلماتیک جواب نداد؟ هزینه این کار چه بود و چه نفعی داشت؟ روایت‌های کم‌مایه، این پرسش‌ها را مسکوت می‌گذارند و در نتیجه، واقعه از یک کنش راهبردی به یک هیجان زودگذر تبدیل می‌شود که در حافظه نوجوان جای نمی‌گیرد.

کم‌کاری فقط در تصویر نبوده، در زبان هم بوده است. فهم اسناد به دست آمده از سفارت، سواد تخصصی می‌خواهد؛ اسناد دیپلماتیک و اسناد امنیتی هرکدام زبان خودشان را دارند و مهم‌ترین حرفشان اغلب میان سطرها پنهان است. به گفته محسن غنی‌یاری، پژوهشگر اسناد لانه جاسوسی، این اسناد ماده خام هستند و نه محصول و در تبیین آنها کوتاهی شده است؛ تا جایی که بخشی از همین اسناد در نظر مخاطب عام، مهجور و کم‌معنا مانده است. وقتی سند رمزگشایی نشود، خلاصه‌اش می‌شود چند قاب کم‌فروغ و کم‌روایت. نتیجه این است که دانش‌آموز ما از واقعه، نه نامی به یاد دارد و نه دلیلی. این کم‌کاری بی‌هزینه نبوده است. نسلی که دستش از استدلال خالی بماند، به سمت روایت‌هایی می‌رود که راحت‌تر و رنگارنگ‌ترند؛ روایت‌هایی که همان چند قاب را برمی‌دارند و از آن، تصویری تحقیرآمیز یا بی‌معنا می‌سازند. جای خالی تبیین را همیشه کسی دیگر پر می‌کند؛ کسی که نه انگیزه دارد واقعیت را بازگو کند و نه در این ماجرا سرمایه‌ای جز تحریف دارد.

چرا آن روز، همان سفارت؟

در پاییز ۱۳۵۸، مسئله ایران یک گزینه دیپلماتیک میان گزینه‌های دیگر نبود؛ نزدیک شدن به نقطه بی‌بازگشت بود. رد پای زخم اصلی در مرداد ۱۳۳۲ بود؛ کودتایی که از همین راهروها طراحی و از همین سفارتخانه هدایت شد و دولت ملی مصدق را ساقط کرد. برای نسلی که آن را دیده بود، پذیرش محمدرضا پهلوی در آمریکا در سی‌ام مهر ۱۳۵۸ یک هشدار روشن بود؛ تکرار همان سناریو، این بار علیه انقلاب نوپا.

نشانه‌ها هم تک‌تک روی هم سوار می‌شدند. در گوشه و کنار کشور، از کردستان و سیستان‌وبلوچستان تا گرگان، زمزمه تجزیه‌طلبی بلند بود؛ دولت موقت در اداره کشور و حفظ وحدت ملی ناتوان مانده بود؛ ارتش سازمان‌یافته‌ای در اختیار انقلاب نبود و نهاد امنیتی منسجمی شکل نگرفته بود. چند روز پیش از تسخیر، خبر دیدار ابراهیم یزدی با مشاور امنیت ملی آمریکا در الجزایر منتشر شد و التهاب را بیشتر کرد.

اما دلیل اصلی، چیزی بود که بعدها از دل اسناد بیرون آمد: آن سفارت، صرفا یک نمایندگی دیپلماتیک نبود. کارکرد اطلاعاتی داشتن میان همه سفارتخانه‌ها رایج است، اما اینجا پایگاه عملیاتی و تصمیم‌سازی شده بود؛ پرونده شخصیت‌های انقلاب و سازمان‌های سیاسی جمع‌آوری می‌شد، پول برای راه انداختن جریان‌های خیابانی می‌رفت و تلاش می‌شد تصمیم‌های نظام تازه‌تاسیس به سمت منافع بیگانه هدایت شود. بی‌توجهی به این واقعیت هم سابقه داشت. تنها سه روز پس از پیروزی انقلاب و در بیست‌وپنجم بهمن ۱۳۵۷، گروهی به سفارت یورش برده و پس از ساعتی عقب نشسته بودند؛ اما شرایط آبان ۱۳۵۸ هم در ترکیب کنشگران و هم در وضعیت کشور جنس متفاوتی داشت. پژوهشگر علوم سیاسی به نام فرانسیس بویل، همان اقدام دانشجویان را بر پایه ماده ۵۱ منشور ملل متحد، حق مشروع دفاع ایران در برابر تهدید دانسته و آن را جلوگیری از کودتای دیگر خوانده است. امام خمینی (ره) نیز دو روز پیش از واقعه از دانشجویان، دانش‌آموزان و طلاب خواسته بود به میدان بیایند و پس از تسخیر، این کار را «انقلاب بزرگ‌تر از انقلاب اول» نامید.

باران پاییزی و دو روزی که ۴۴۴ روز شد

آن روز اما نه از جنس بیانیه‌های خشک بود و نه از جنس فیلم‌های کلیشه‌ای. سیزدهم آبان ۱۳۵۸، همزمان سالگرد تبعید امام خمینی (ره) و سالگرد کشتار دانش‌آموزان در سال ۱۳۵۷ بود؛ راهپیمایی از خیابان طالقانی به سمت دانشگاه تهران تدارک دیده شده بود و برنامه تسخیر، درست یک روز قبل در دانشگاه تهران طراحی شد. شرکت‌کنندگان بی‌سلاح بودند و نشانه‌شان عکس امام روی سینه بود؛ حدود ۲۰۰ دانشجو، بی‌جلب توجه در میان راهپیمایان حرکت کردند تا به سفارت آمریکا برسند.

برنامه از پیش، دو روز بود نه ۴۴۴ روز. تدارکات برای اعلام اعتراض، قرائت بیانیه و بازگشت چیده شده بود؛ خواسته اصلی هم روشن بود: استرداد و محاکمه شاه. در واقع اگر حمایت مردم و تایید امام خمینی (ره) پس از دو روز اول نمی‌آمد، ماجرا همان‌جا تمام می‌شد.

قلب ماجرا اما در اتاقی بتنی در انتهای محوطه می‌تپید؛ بخش محرمانه سفارت. کارکنان اطلاعات و امنیت، در را از داخل قفل کرده و دستگاه‌های خردکن و پودرکننده را به راه انداخته بودند. دانشجویان با شکستن درها به هزاران رشته کاغذ رسیدند و بعد، هفته‌ها روی زمین این ساختمان نشستند تا رشته‌ها را کنار هم بچینند و از دل آنها، شبکه ارتباطات و مهره‌ها بیرون بیفتد. حاصل این کار، مجموعه اسنادی بود که نخست در ۷۷ جزوه منتشر شد و بعدها در هفت جلد قطور تدوین و در سال‌های اخیر به ۱۱ جلد رسید. نکته‌ای که کمتر گفته می‌شود این است که بخش بزرگی از اسناد پیشتر با جعبه‌های چوبی از ایران خارج شده بود و آنچه به دست آمد، ته‌مانده پرونده یک قرارگاه منطقه‌ای بود. پایان ماجرا هم از جنس همان دو روز اول نبود. از ۶۶ دیپلمات و کارمند سفارت، گروهی از زنان و کارمندان سیاه‌پوست در همان روزهای نخست آزاد شدند و ۵۲ نفر ماندند. در سال ۱۳۵۹، عملیات نظامی آمریکا در طبس با شکست روبه‌رو شد و پرونده‌ای که قرار بود چند روزه بسته شود، ۴۴۴ روز کشید و در سی‌ام دی ۱۳۵۹ با پذیرش قرارداد الجزایر و تصویب مجلس پایان یافت. جای آن سفارت امروز نه یک ساختمان خالی، بلکه یک پرسش باز است که تا وقتی خودمان پاسخش را ندهیم، کسی آن را به نام ما نمی‌بندد.

تبیین یعنی پاسخ دادن، نه تکرار کردن

اگر امروز فاصله میان نوجوان ما و این واقعه زیاد شده، بخش زیادی از آن به گردن ادبیاتی است که به‌کار برده‌ایم، نه به گردن خود او. نسل امروز با موعظه یک‌طرفه همراه نمی‌شود؛ او سند، استدلال و روایت جزئی می‌خواهد. تبیین درست یعنی همین: نشان دادن اینکه آن سفارت چه می‌کرد، آن تصمیم چه چیزی را از کشور دور کرد و آن دو روز، چگونه به ۴۴۴ روز مقاومت تبدیل شد.

قدم عملی هم پیچیده نیست: زبان اسناد را برای مخاطب نوجوان رمزگشایی کنیم؛ همان کاری که پژوهشگران این حوزه سال‌هاست خواستار انجامش هستند. اسناد لانه جاسوسی نباید در قفسه بماند یا به چند تابلو پوستر بسنده شود؛ باید به متن زنده درس و روایت تبدیل شود، همان مسیری که وزارت آموزش‌وپرورش با استفاده از این اسناد در کتاب‌های درسی آغاز کرده است.

اگر این کار را نکنیم، روایت را واگذار کرده‌ایم. آنگاه جای متجاوز و مدافع عوض می‌شود، انگیزه‌ها تحریف می‌شود و کنش دفاعی ملتی که نمی‌خواست استقلالش دوباره زیر چرخ بیگانه برود، به نمایش چند ثانیه‌ای در قالب کلیپ تبدیل می‌شود. اما اگر به‌درستی بازگو شود، سیزدهم آبان برای دانش‌آموز امروز دیگر یک تاریخ حفظی نیست؛ درسی زنده درباره این است که استقلال، هدیه‌ای نیست که کسی به ملتی بدهد.

مهلت ارسال آثار به جایزه کتاب سال دفاع مقدس و مقاومت تمدید شد

جواد کامور بخشایش، دبیر علمی بیست‌وچهارمین دوره انتخاب بهترین کتاب سال دفاع مقدس و مقاومت، از تمدید مهلت ارسال آثار به دبیرخانه این رویداد ادبی تا ۱۵ آبان ۱۴۰۵ خبر داد و اظهار کرد: ناشران و نویسندگانی که تاکنون آثار خود را به دبیرخانه ارسال نکرده‌اند، می‌توانند برای حضور در این دوره، دو نسخه از کتاب‌های خود را به دبیرخانه دائمی جایزه ارسال کنند.

وی با بیان اینکه در این دوره کتاب‌های حوزه دفاع مقدس و مقاومت که برای نخستین بار در سال ۱۴۰۴ منتشر شده‌اند، مورد ارزیابی قرار می‌گیرند، افزود: تلاش کرده‌ایم در بیست‌وچهارمین دوره، علاوه بر حفظ ساختار اصلی جایزه، زمینه حضور گسترده‌تر نویسندگان، پژوهشگران و ناشران را فراهم کنیم و با طراحی بخش‌های جدید، ظرفیت‌های بیشتری از ادبیات پایداری را مورد توجه قرار دهیم.

تفکیک بخش‌های بین‌الملل و ترجمه در دوره جدید

کامور بخشایش درباره تغییرات ساختاری این دوره گفت: یکی از تفاوت‌های مهم امسال، تفکیک بخش‌های بین‌الملل و ترجمه است. در دوره‌های گذشته این دو حوزه در یک بخش ارزیابی می‌شدند، اما امسال هرکدام به صورت مستقل مورد توجه قرار خواهند گرفت تا امکان بررسی تخصصی‌تر آثار فراهم شود.

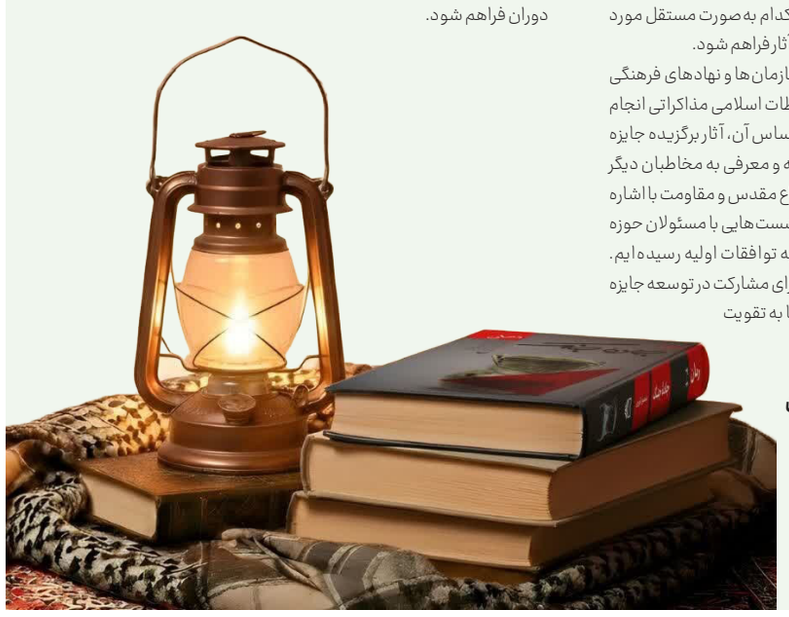
وی ادامه داد: در همین راستا، تعاملات خود را با سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی گسترش داده‌ایم. از جمله با سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی مذاکراتی انجام شده و در حال پیگیری تفاهم‌نامه‌ای هستیم که براساس آن، آثار برگزیده جایزه پس از بررسی کارشناسی این سازمان، امکان ترجمه و معرفی به مخاطبان دیگر کشورها را پیدا کنند. دبیر علمی جایزه کتاب سال دفاع مقدس و مقاومت با اشاره به مذاکرات انجام‌شده با حوزه هنری نیز بیان کرد: نشست‌هایی با مسئولان حوزه هنری برگزار کرده‌ایم و درباره زمینه‌های همکاری به توافقات اولیه رسیده‌ایم. همچنین تعدادی از ناشران و موسسات خصوصی برای مشارکت در توسعه جایزه اعلام آمادگی کرده‌اند که امیدواریم این همکاری‌ها به تقویت جایگاه و دامنه اثرگذاری رویداد منجر شود.

جنگ ۱۲ روزه و جنگ ۴۰ روزه در کانون توجه جایزه امسال

وی مهم‌ترین ویژگی بیست‌وچهارمین دوره را توجه ویژه به ادبیات شکل‌گرفته پیرامون جنگ ۱۲ روزه و جنگ ۴۰ روزه عنوان کرد و گفت: یکی از محورهای اصلی برنامه‌ریزی ما در این دوره، پرداختن به ادبیات پایداری در جنگ‌های اخیر است. تلاش می‌کنیم این موضوع هم در نشست‌های تخصصی و هم در بخش‌های ویژه جایزه مورد توجه قرار گیرد. کامور بخشایش ادامه داد: برای برگزاری نشست‌های متعدد درباره جنگ ۱۲ روزه و جنگ ۴۰ روزه برنامه‌ریزی کرده‌ایم و آثار مرتبط با این موضوعات نیز در قالب بخش ویژه مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

وی درباره شیوه داوری آثار این حوزه توضیح داد: دو راهکار برای ارزیابی این کتاب‌ها مطرح است. نخست اینکه هر اثر در گروه تخصصی خود، اعم از داستان، مستندنگاری، کودک و نوجوان و دیگر قالب‌های ادبی داوری شود. راهکار دوم نیز این است که آثار پس از ارزیابی در بخش‌های اصلی، در یک گروه مستقل و ویژه بار دیگر مورد بررسی قرار گیرند تا امکان انتخاب و تقدیر از آثار شاخص این حوزه فراهم شود.

دبیر جایزه افزود: تجربه مشابهی در دوره گذشته در حوزه ادبیات بین‌الملل داشتیم و اکنون در حال بررسی هستیم که کدام شیوه می‌تواند به دیده شدن بهتر آثار مرتبط با جنگ ۱۲ روزه کمک کند. وی تاکید کرد: توجه به ادبیات جنگ‌های اخیر را می‌توان یکی از شاخص‌ترین ویژگی‌های این دوره دانست و امیدواریم با طراحی برنامه‌های متنوع، زمینه ثبت و بازتاب گسترده‌تر روایت‌ها و تجربه‌های این دوران فراهم شود.



انتصاب دبیر علمی همایش ملی «ایثار و شهادت در آینه هنرهای نمایشی»

با صدور حکمی از سوی محمد کرم‌اللهی، مدیرکل امور هنری بنیاد شهید و امور ایثارگران، محمد نجاری به عنوان دبیر علمی دومین همایش ملی «ایثار و شهادت در آینه هنرهای نمایشی» منصوب شد.

نخستین دوره این همایش علمی در سال ۱۳۸۴ در حوزه هنرهای نمایشی برگزار شده بود و اکنون پس از گذشت ۲۱ سال، دومین دوره آن با رویکردی میان‌رشته‌ای و با تکیه بر میراث نظری نخستین همایش برگزار خواهد شد.

در حکم انتصاب محمد نجاری، با عنایت به تعهد، تخصص و سوابق ارزشمند علمی و پژوهشی وی در حوزه ادبیات نمایشی، تئاتر مقاومت و مطالعات میان‌رشته‌ای، اهداف و وظایف دبیر علمی در هشت محور تبیین شده است: تدوین محورهای علمی همایش با رویکرد میان‌رشته‌ای و فرارشته‌ای، تشکیل کمیته علمی و دعوت از استادان و پژوهشگران برجسته کشوری، مدیریت فرآیند داوری مقالات و نظارت بر کیفیت علمی مجموعه مقالات، هماهنگی با دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی و انجمن‌های علمی، نظارت بر انتشار و مستندسازی علمی مجموعه مقالات، برنامه‌ریزی برای برگزاری نشست‌های تخصصی و کارگاه‌های آموزشی و پنل‌های علمی، ایجاد پیوند میان یافته‌های نظری همایش با تولیدات نمایشی و ارائه گزارش سیاستگذاری فرهنگی علمی نهایی به دبیرخانه همایش.



محمد نجاری (متولد ۲۲ اسفند ۱۳۵۹ در همدان)، دانش‌آموخته سینما و دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه فردوسی مشهد است. دومین همایش ملی «ایثار و شهادت در آینه هنرهای نمایشی» با رویکردی میان‌رشته‌ای و با هدف پیوند پژوهش‌های نظری با تولیدات نمایشی در حوزه فرهنگ ایثار و شهادت، از سوی بنیاد شهید و امور ایثارگران برگزار می‌شود.



محمود بصیری، بازیگر سریال‌های «آرایشگاه زیبا» و «کتاب‌فروشی هدهد»:

پیشنهاد کارکم نیست اما قبول نمی‌کنم؛ چون برای پول بازی نمی‌کنم

نگاهی به چهار سریال تازه شبکه نمایش خانگی

قصه‌های تازه؛ گرفتاری‌های قدیمی



شبکه نمایش خانگی در هفته‌های اخیر میزبان چند سریال تازه بوده که هرکدام با داستان و فضایی متفاوت برای جلب توجه مخاطبان تلاش می‌کنند. از عاشقانه‌ای تاریخی در دوره قاجار تا معمای قتل در روستایی دورافتاده و از اختلافات پیچیده خانوادگی تا روایت‌های کوتاه مسافران تاکسی، مجموعه‌های «سرخ و سیاه»، «یل»، «استخوان‌سوز» و «تاکسی» تصویری به‌نسبت متنوع از تولیدات تازه نمایش خانگی ارائه می‌دهند. با این حال، تنوع موضوعی لزوما به معنای تازگی در روایت و محتوا نیست.

قسمت‌های ابتدایی این آثار نشان می‌دهد که در کنار تلاش برای قصه‌گویی و جذب مخاطب، برخی مشکلات آشنای سریال‌سازی همچنان پابرجاست. از تاکید بر موقعیت‌های جنجالی و روابط پرتنش گرفته تا شخصیت‌پردازی‌های کم‌عمق و استفاده از موضوعات حساس اجتماعی برای ایجاد تعلیق. در این میان، بعضی مجموعه‌ها بیش از آنکه با داستان‌شان مورد توجه قرار بگیرند، با صحنه‌هایی بحث‌برانگیز خبرساز شده‌اند. مسئله‌ای که این پرسش را مطرح می‌کند که آیا چنین انتخاب‌هایی ضرورتی در روایت دارند یا به راهی برای جلب توجه تبدیل شده‌اند؟

«سرخ و سیاه»؛ عاشقانه‌ای که با حاشیه آغاز شد

آیدا پناهنده پس از تجربه موفق «در انتهای شب»، با «سرخ و سیاه» به سراغ درامی تاریخی رفته است. داستان در دوره قاجار می‌گذرد و برزندگی نوروز، نقاش و خوشنویسی جوان با بازی علی شادمان، متمرکز است که دلبستگی‌اش به فانوس، دختری از میان کولی‌ها با بازی ندا جبرئیلی، او را در برابر مناسبات قدرت و محدودیت‌های اجتماعی قرار می‌دهد. در سوی دیگر ماجرا، حاکم با بازی پارسا پیروزفر قرار دارد که حضورش به تدریج ابعاد سیاسی و طبقاتی داستان را گسترش می‌دهد. سریال از همان قسمت نخست با چند صحنه بحث‌برانگیز روبه‌رو شد. یکی از مهم‌ترین آنها سکانس طولانی رقص و معرکه‌گیری فانوس در جمع است؛ صحنه‌ای که بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی داشت. رقص در این موقعیت می‌تواند برای معرفی شخصیت، نشان دادن شیوه زندگی یک گروه اجتماعی و شکل‌گیری دلبستگی نوروز کارکرد داشته باشد، اما مسئله به چگونگی پرداخت آن بازمی‌گردد. تاکید طولانی بر جلوه‌های بصری این صحنه، این پرسش را ایجاد می‌کند که آیا سازندگان در پی معرفی جهان شخصیت‌ها بوده‌اند یا بیش از اندازه به جذابیت نمایشی و حاشیه‌ساز آن دل بسته‌اند؟

در کنار این صحنه، بار اروتیک برخی موقعیت‌های عاشقانه و نحوه نمایش کشش میان نوروز و فانوس نیز محل انتقاد است. البته وجود روابط پرکشش در یک درام عاشقانه، به‌خودی‌خود ایراد محسوب نمی‌شود؛ مسئله زمانی آغاز می‌شود که این عناصر بدون پرداخت کافی به شخصیت‌ها، جای شکل‌گیری تدریجی رابطه را بگیرند. «سرخ و سیاه» در آغاز بیش از آنکه فرصت شناخت عمیق فانوس و نوروز را فراهم کند، بر جاذبه میان آنها تاکید می‌کند. نتیجه آن است که برخی لحظات عاشقانه، به جای آنکه حاصل شناخت مخاطب از شخصیت‌ها باشند، بیشتر بر تاثیرگذاری فوری صحنه متکی می‌شوند.

دیالوگ‌ها و شوخی‌های صریح نیز از دیگر موارد بحث‌برانگیز مجموعه بوده‌اند. گفت‌وگوی نوروز با زن فالگیر درباره فرزندآوری و برخی عبارت‌های رد و بدل‌شده میان او و برادرش، نمونه‌هایی هستند که واکنش‌های انتقادی به همراه داشته‌اند. چنین صراحتی ممکن است با هدف بازنمایی زبان شخصیت‌ها انتخاب شده باشد، اما در مواردی بیش از آنکه به شناخت مناسبات اجتماعی کمک کند، توجه مخاطب را به خود جلب می‌کند. واقع‌گرایی در یک اثر تاریخی به معنای استفاده بی‌حساب از شوخی‌ها و کنایه‌های جنسی نیست و سازندگان باید بتوانند ضرورت این انتخاب‌ها را در متن داستان نشان دهند.

تاریخ، بهانه‌ای برای هرانتخابی نیست

انتقاد مهم‌تر به «سرخ و سیاه» به نوع بازنمایی فرهنگ و روابط اجتماعی دوره قاجار مربوط است. سریال از یک سو با طراحی صحنه و لباس، فضایی تاریخی می‌سازد و از سوی دیگر در نمایش روابط عاطفی و رفتار شخصیت‌ها، گاه چنان بر جنبه‌های نامتعارف تاکید می‌کند که تصویر ارائه‌شده از جامعه آن روزگار نیازمند تامل است. البته نمی‌توان انتظار داشت یک درام تاریخی فقط رفتارهای منطبق با عرف و اخلاق رایج را نمایش دهد. تاریخ نیز سرشار از روابط پنهانی، خشونت و نابرابری بوده است. اما مسئله این است که آیا سریال این رفتارها را در بستر اجتماعی‌شان توضیح می‌دهد یا فقط نمونه‌های پرحاشیه را انتخاب می‌کند و به مرکز روایت می‌آورد؟ به‌ویژه در رابطه نوروز و فانوس، که با وجود تعهد پیشین فانوس به فردی دیگر شکل می‌گیرد، جای پرداخت جدی‌تر به پیامدهای اخلاقی انتخاب‌های شخصیت‌ها احساس می‌شود. از سوی دیگر، «سرخ و سیاه» ظرفیت قابل توجهی برای پرداختن به نسبت عشق، قدرت و نابرابری طبقاتی دارد. با این حال، خطر آن وجود دارد که خشونت و مناسبات مستبدانه تنها به پس‌زمینه‌ای جذاب برای یک عاشقانه پرحادثه تبدیل شوند. نمایش ستم لزوما به معنای نقد آن نیست؛ سریال باید نشان دهد چنین مناسباتی چگونه بر زندگی و انتخاب‌های انسان‌ها اثر می‌گذارند. با وجود این انتقادها، نمی‌توان کیفیت بصری مجموعه، بازی قابل توجه علی شادمان و حضور مقتدرانه پارسا پیروزفر را نادیده گرفت. «سرخ و سیاه» از نظر تولید، اثری چشمگیر است؛ اما همین توانایی فنی توقع از محتوای آن را افزایش می‌دهد. سریالی با چنین امکاناتی نباید برای دیده شدن بیش از اندازه، به صحنه‌های جنجالی وابسته باشد.

«یل»؛ قتل و خشونت، دوباره در مرکز قصه

«یل» به کارگردانی جمشید محمودی، داستانی جنایی و معمایی را در روستایی در دهه ۱۳۵۰ روایت می‌کند. مجموعه با ماجرای قتل و رازهای پنهان میان اهالی، تلاش دارد مخاطب را درگیر کشف حقیقت کند. تجربه موفق برادران محمودی در «پوست شیر» نیز طبیعتا انتظارات از این اثر را افزایش داده است.

با این حال، مهم‌ترین مسئله «یل» شباهت آن به الگویی است که پیشتر بارها در نمایش خانگی مورد استفاده قرار گرفته؛ روایتی که بر قتل، خشونت، رازهای خانوادگی و روابط تیره استوار است. این موضوعات به‌خودی‌خود تکراری نیستند، اما زمانی که شخصیت‌ها بیشتر برای پیشبرد معما طراحی شده باشند تا بازنمایی انسان‌هایی باورپذیر، داستان در سطح مجموعه‌ای از اتفاقات تلخ باقی می‌ماند. سریال همچنین با نمایش مصرف الکل در قسمت آغازین حاشیه‌سازشد. مسئله مهم در اینجا صرف نمایش چنین رفتاری نیست، بلکه چگونگی استفاده از آن در داستان است. اگر قرار باشد رفتارهای آسیب‌زا تنها با هدف افزایش جذابیت یا شکستن تابوها نمایش داده شوند، بدون آنکه جایگاهی روشن در شخصیت‌پردازی داشته باشند، نتیجه بیشتر به نمایش عناصر جنجالی شباهت پیدا می‌کند تا نقد اجتماعی.

از سوی دیگر، انتخاب روستایی در دهه ۵۰ توقع ایجاد فضایی تاریخی و فرهنگی مشخص را به وجود می‌آورد، اما طراحی صحنه و پوشش شخصیت‌ها در بخش‌هایی نتوانسته‌اند هویت بومی و تاریخی روشنی بسازند. برخی نقدها نیز به شباهت فضای اثر با الگوهای سینمای جنایی غربی اشاره کرده‌اند. «یل» در ایجاد تعلیق توانایی دارد، اما هنوز نتوانسته به روشنی نشان دهد که چه چیزی فراتر از یک معمای قتل برای گفتن دارد.

«استخوان‌سوز»؛ رنج خانوادگی یا انباشت بحران؟

«استخوان‌سوز» ساخته مجید اسماعیلی، برخلاف دو مجموعه پیشین، روایت خود را از دل روابط خانوادگی و موقعیت‌های اخلاقی آغاز می‌کند. شخصیت‌هایی که هرکدام با مشکلاتی در زندگی شخصی روبه‌رو هستند، به‌تدریج وارد مجموعه‌ای از تصمیم‌ها و اتفاقات می‌شوند که زندگی آنها را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

یکی از محورهای قابل توجه داستان، تقابل مسئولیت اجتماعی و منافع شخصی است. صابر در ابتدا شخصیتی قانون‌مدار و خانواده‌دوست معرفی می‌شود، اما قرار گرفتن در موقعیتی بحرانی، تصویری متفاوت از او آشکار می‌کند. این تضاد، ظرفیت خوبی برای طرح پرسش‌های اخلاقی دارد؛ اینکه انسان تا چه اندازه به اصولی که از آنها دفاع می‌کند وفادار می‌ماند و در شرایط دشوار چه نسبتی میان حفظ موقعیت خود و پذیرش مسئولیت برقرار می‌کند.

با این حال، «استخوان سوز» در آغاز با خطر انباشت بحران‌های خانوادگی روبه‌روست. اختلافات زناشویی، مشکلات شخصی و رازهای متعدد، اگر فقط برای افزایش التهاب داستان کنار یکدیگر قرار بگیرند، ممکن است به تصویری اغراق شده از زندگی خانوادگی منجر شوند. در چنین شرایطی، شخصیت‌ها به‌جای آنکه فرصت تجربه احساسات و تصمیم‌های پیچیده داشته باشند، دائم از بحرانی به بحران دیگر منتقل می‌شوند. امتیاز مجموعه در توجه به موقعیت‌های اخلاقی روزمره است، اما موفقیتش به این بستگی دارد که بتواند از سطح نمایش رنج و اختلاف فراتر برود. تعدد شخصیت‌ها نیز اگر با پرداخت دقیق همراه نشود، به پراکندگی روایت می‌انجامد. «استخوان‌سوز» برای تاثیرگذاری نیازی به تلخ‌ترکردن مداوم داستان ندارد؛ گاهی بررسی پیامد یک تصمیم، از نمایش چند حادثه تازه موثرتر است.

«تاکسی»؛ قصه‌های کوچک با فرصت‌های از دست‌رفته

«تاکسی» به کارگردانی حسن نوری و بر اساس نوشته‌های سروش صحت، در میان این چهار مجموعه، ساختاری متفاوت دارد. داستان‌های کوتاه و مستقل مسافران، فرصتی برای پرداختن به روابط روزمره و دغدغه‌های آدم‌های معمولی فراهم می‌کنند. با این حال، بعضی قسمت‌های ابتدایی به‌جای استفاده از این ظرفیت، به شوخی‌ها و اتفاقات اغراق‌آمیز متکی شده‌اند.

خراب شدن‌های تکراری خودرو، تعقیب و گریزهای طولانی و موقعیت‌های عاشقانه کلیشه‌ای، گاهی داستان را از مشاهده دقیق زندگی واقعی دور می‌کنند. در مقابل، قسمت سوم با محوریت شخصیتی که به دنبال جلب توجه و همدلی دیگران است، نشان می‌دهد مجموعه می‌تواند به مسائل انسانی عمیق‌تری نزدیک شود. چالش «تاکسی» آن است که میان سرگرمی گذرا و داستانی ماندگار تعادل برقرار کند. کوتاه بودن قسمت‌ها امتیاز محسوب می‌شود، اما نباید بهانه‌ای برای کم‌عمق ماندن شخصیت‌ها باشد.

نمایش خانگی به کدام سمت می‌رود؟

نگاهی به این چهار مجموعه نشان می‌دهد که نمایش خانگی همچنان در جلب توجه اولیه مخاطب توانایی دارد، اما در برخی آثار، استفاده از صحنه‌های جنجالی، موقعیت‌های تلخ و تعلیق‌های پی‌درپی بر عمق داستان پیشی گرفته است. این مسئله به معنای ضرورت حذف خشونت، روابط عاطفی یا موضوعات حساس از آثار نمایشی نیست؛ بلکه پرسش اصلی درباره ضرورت و کیفیت پرداخت آنهاست. سریال موفق قرار نیست تنها مخاطب را شگفت‌زده کند، بلکه باید برای اتفاقاتش دلیل داشته باشد و شخصیت‌هایی بسازد که تصمیم‌های‌شان باورپذیر باشد. اگر صحنه‌ای بحث‌برانگیز بیش از خود داستان در ذهن مخاطب باقی بماند، شاید لازم باشد درباره نسبت میان جذابیت نمایشی و کیفیت قصه‌گویی دوباره فکر کنیم. آنچه نمایش خانگی امروز بیش از حاشیه و جنجال به آن نیاز دارد، داستان‌هایی است که پس از پایان تب‌وتاب نخستین قسمت‌ها نیز ارزش دنبال کردن داشته باشند.

کتابخانه سیار «یادمان شهدای مدرسه شجره طیبه» به میناب اعزام شد

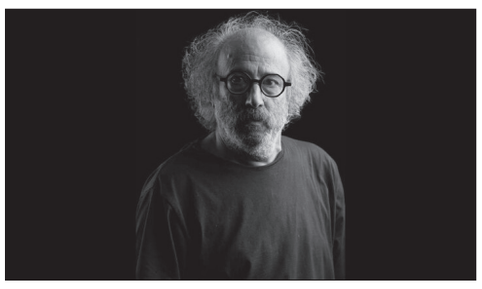


کتابخانه عمومی سیار «یادمان شهدای مدرسه شجره طیبه» با هدف گرامیداشت یاد و نام دانش‌آموزان شهید میناب و ارائه خدمات کتابخانه‌ای و فرهنگی به مناطق فاقد کتابخانه، به این شهر اعزام شد.

به گزارش «مهر» کتابخانه سیار «یادمان شهدای مدرسه شجره طیبه» به همت نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور راه‌اندازی شده و فعالیت خود را در شهر میناب آغاز خواهد کرد. نامگذاری این کتابخانه به یاد دانش‌آموزان شهید مدرسه شجره طیبه صورت گرفته است تا یاد و خاطره این شهدای دانش‌آموز در کنار فعالیت‌های فرهنگی و ترویجی کتابخانه زنده نگه داشته شود. این کتابخانه سیار قرار است با حضور در مناطق فاقد کتابخانه شهر میناب، امکان دسترسی ساکنان این مناطق به منابع مطالعاتی و خدمات کتابخانه‌ای را فراهم کند و با اجرای برنامه‌های فرهنگی، در خدمت کودکان، نوجوانان و دیگر علاقه‌مندان به کتاب و کتابخوانی باشد.

آیین افتتاح کتابخانه سیار «یادمان شهدای مدرسه شجره طیبه»، صبح امروز (چهارشنبه) در جوار گلزار شهدای دانش‌آموز میناب و با حضور جمعی از مسئولان کشوری و مهمانان آیین گرامیداشت ۱۳ آبان و شهدای دانش‌آموز میناب، برگزار خواهد شد.

سیامک صفری به صحنه بازمی‌گردد



سیامک صفری پس از ۱۵ سال دوری از اجرای مونولوگ، با نمایش «ای آی» به نویسندگی و کارگردانی خود، از ۱۹ آبان ۱۴۰۵ روی صحنه می‌رود.

به گزارش «ایسنا» سیامک صفری با نمایش «ای آی» بار دیگر به عرصه اجرای مونولوگ بازمی‌گردد. این بازیگر، نویسنده و کارگردان تئاتر، در تازه‌ترین تجربه صحنه‌ای خود، علاوه بر نویسندگی و کارگردانی، اجرای این اثر را نیز بر عهده دارد. آخرین تجربه اجرای مونولوگ سیامک صفری به سال ۱۳۹۰ بازمی‌گردد؛ زمانی که او با متنی از سجاد افشاریان و به کارگردانی حسن جودکی، در کافه‌تریای تئاتر شهر روی صحنه رفت. اکنون پس از گذشت ۱۵ سال، صفری بار دیگر با اجرایی تک‌نفره و اثری به قلم و کارگردانی خود، این تجربه را تکرار می‌کند. در این نمایش، سارا پارسایی با نوازندگی زنده فلوت، در کنار سیامک صفری حضور دارد.

نمایش «ای آی» از ۱۹ آبان ۱۴۰۵ در سالن شماره سه پردیس تئاتر شهرزاد میزبان مخاطبان خواهد بود. عوامل نمایش «ای آی» عبارت‌اند از: نویسنده و کارگردان: سیامک صفری، تهیه‌کننده: سیدعماد عامری، صدای غایب: بهناز جعفری، نوازنده فلوت: سارا پارسایی، مدیر تولید: علیرضا عالی‌مقدم، دستیار کارگردان: نیما صفری، طراح نور: فرشاد نصیری، طراح لباس: سوری یزدان‌جو، طراح صدا: پارسا اسعدی، طراح گرافیک: آرش وکیل‌زاده، مسئول ساخت دکور: محمد پناهی، تبلیغات و ساخت تیزر: استودیو لوگ، مدیر تبلیغات و روابط عمومی: ختن تهرانی و مشاور رسانه‌ای: فاطمه آبروش.

رئیس کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

دیجیتال‌سازی منابع، انحصارشکنی کتابخانه‌هاست

رئیس کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران با تاکید بر ضرورت دیجیتال سازی میراث مکتوب و نسخ خطی کشور تاکید کرد که کتابخانه‌ها و مراکز اسنادی باید، زمینه دسترسی عمومی و پژوهشی به منابع ارزشمند و نسخ خطی را فراهم کنند.

رسول جعفریان در گفت‌وگو با خبرنگار «ایبنا» با اشاره به اهمیت منابع مکتوب و ظرفیت‌های کتابخانه‌ای کشور اظهار کرد: امروزه اگر فردی یک هارد اکسترنال ۱۰ ترابایتی، حاوی ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار کتاب، در اختیار داشته باشد، از نظر سرمایه و موجودی کتاب، ممکن است، از ۹۵ درصد کتابخانه‌های کشور، بیشتر باشد. این امکان، نشان می‌دهد، دسترسی دیجیتال به منابع علمی و فرهنگی چه اهمیت بزرگی پیدا کرده است. وی افزود: با توجه به حجم و ارزش منابعی که در اختیار داریم، تا حد زیادی به مرحله موزه‌داری رسیده‌ایم؛ بنابراین تلاش می‌کنیم، میراث ارزشمند و گاه منحصربه‌فرد موجود را دیجیتال‌سازی کنیم و در اختیار مراکز و مجموعه‌هایی قرار دهیم که توانایی ایجاد تحول علمی و پژوهشی دارند.

جعفریان، با اشاره به محدودیت‌های مالی دانشگاه‌ها برای توسعه سامانه‌های هوش مصنوعی، گفت: دانشگاه‌ها، با وجود برخورداری از استادان این حوزه، به لحاظ مالی توان کافی برای ایجاد و طراحی سامانه‌های پیشرفته هوش مصنوعی ندارند؛ بنابراین تلاش می‌کنیم منابع خود را در اختیار مراکزی قرار دهیم که در این زمینه سرمایه‌گذاری کرده‌اند و می‌توانند با استفاده از فناوری‌های جدید، جهشی علمی ایجاد می‌کنند. وی با اشاره به ایجاد امکان دسترسی به کتابخانه دیجیتال مرکز اسناد، بیان کرد: نخستین بار امکان استفاده از حساب کاربری کتابخانه دیجیتال مرکز اسناد شده است. در این مجموعه، تصویر نشریات دوره پهلوی دیجیتال‌سازی شده و قابلیت جست‌وجو دارد. این امکان برای پژوهشگران بسیار مهم است؛ زیرا اکنون می‌توان در متن تصویری روزنامه‌ها و نشریات جست‌وجو کرد.

جعفریان، با اشاره به اهمیت توسعه منابع دیجیتال در مراکز مختلف، اظهار کرد: علاوه بر نشریات، مصاحبه‌های صوتی و منابع تایپ شده نیز در برخی سامانه‌ها قابل استفاده هستند. همچنین یک موسسه دیگر، روزنامه‌های قدیمی را برخط در دسترس قرار داده است. روزنامه اطلاعات که اکنون به سابقه صدساله خود رسیده، از جمله منابعی است که در این زمینه اهمیت زیادی دارد.

ضرورت خروج منابع کتابخانه‌ای از انحصار

وی با انتقاد از محدودیت دسترسی به منابع برخی کتابخانه‌ها و مراکز اسنادی گفت: یکی از مشکلات جدی، این است که برخی کتابخانه‌ها و مجموعه‌هایی که منابع ارزشمند را گردآوری کرده‌اند، اجازه نمی‌دهند این منابع حتی با هزینه متقاضیان و از سوی مراکز تخصصی دیجیتال‌سازی شوند؛ در حالی که این آثار متعلق به میراث فرهنگی کشور هستند و باید امکان استفاده عمومی و پژوهشی از آنها فراهم شود.

جعفریان، افزود: حدود ۲۰ سال پیش گزارشی درباره اقدام گوگل برای اسکن کتاب‌های کتابخانه‌های اسرائیل مشاهده کردم. این نوع همکاری نشان می‌دهد که چگونه می‌توان با استفاده از ظرفیت‌های بیرونی، منابع کتابخانه‌ای را دیجیتال‌سازی و در دسترس قرار داد. متاسفانه در کشور، برخی مراکز حتی حاضر نیستند، اطلاعات کتاب‌شناختی و فراداده‌های منابع خود را در اختیار دیگران بگذارند. وی با اشاره به درخواست از کتابخانه ملی برای ارائه اطلاعات کتاب‌شناختی منابع خود گفت: ما حتی متن کتاب‌ها را درخواست نکردیم و صرفا خواستار دریافت عنوان کتاب‌ها و اطلاعات کتاب‌شناختی شدیم تا بتوانیم این اطلاعات را در یک صفحه و سامانه مشترک به نمایش بگذاریم، اما با این درخواست نیز موافقت نشد. شنیدیم که در جلسه‌ای تصمیم گرفته شده اطلاعات در اختیار ما قرار نگیرد.

جعفریان ادامه داد: از نهاد عمومی کتابخانه‌ها نیز درخواست کردیم اطلاعات مربوط به مجموعه کتاب‌های خود را ارائه کند. این مجموعه نزدیک به ۴۰ میلیون کتاب دارد که طبیعتا بخشی از آنها تکراری است و شاید تعداد قابل توجهی از آنها منابع منحصربه‌فرد باشند. با این حال، تاکنون پاسخ روشنی به درخواست ما داده نشده است؛ در حالی که تاکید ما صرفا بر دریافت فراداده‌ها و اطلاعات کتاب‌شناختی است، نه متن کتاب‌ها. وی با بیان اینکه مشکلات مشابهی در زمینه نسخ خطی نیز وجود دارد، گفت: در گذشته وب‌سایتی برای معرفی نسخ خطی داشتیم، اما این وب‌سایت هک شد. با توجه به محدودیت‌های امنیتی و فنی، تصمیم گرفتیم منابع خطی خود را در اختیار مرکز نور قرار دهیم تا از زیرساخت‌های تخصصی آن استفاده شود. امیدواریم وب‌سایت نسخ خطی کتابخانه، به‌زودی در مرکز نور ایجاد شود و علاقه‌مندان بتوانند تصویر یک صفحه، چند صفحه یا تمام نسخه مورد نظر خود را مشاهده کنند.

میراث خطی؛ سرمایه‌ای متعلق به همه ایرانیان

جعفریان، با انتقاد از محدودیت دسترسی به نسخ خطی در برخی مجموعه‌های بزرگ کشور اظهار کرد: برخی مراکز دولتی و کتابخانه‌های مهم، از جمله آستان قدس رضوی، در زمینه دسترسی عمومی به منابع خود با محدودیت‌هایی روبه‌رو هستند.

برای مثال، کتابخانه ملک، حدود ۶ هزار نسخه خطی دارد که بخشی از میراث فرهنگی و تاریخی این کشور محسوب می‌شود. انتظار این است که چنین مجموعه‌هایی به شکل عمومی در دسترس قرار گیرند. وی افزود: پیوند کتابخانه‌ها و مراکزی که منابع خود را آزاد و عمومی منتشر می‌کنند، به‌طور مرتب، برای دیگر مجموعه‌ها ارسال می‌کنیم تا از این تجربه‌ها استفاده کنند. واقعیت این است که منابع خطی و کتاب‌های تاریخی فقط متعلق به یک موسسه یا سازمان نیستند، بلکه بخشی از میراث فرهنگی ایران به شمار می‌روند.

جعفریان با اشاره به همکاری مرکز نور در دیجیتال سازی منابع کتابخانه‌ای گفت: یکی از بزرگ‌ترین بخش‌های فعال در این زمینه، «مرکز نور» است که کتاب‌ها را اسکن می‌کند؛ یک نسخه از تصاویر را در اختیار کتابخانه صاحب اثر قرار می‌دهد و نسخه دیگر را برای فعالیت‌های اداری و تمرکز بر وظایف آموزشی است. دانشگاه‌ها بخش عمده‌ای از توان خود را صرف آموزش و تربیت دانشجو می‌کنند؛ در نتیجه فرصت و منابع کافی برای تمرکز بر فعالیت‌های پژوهشی و دیجیتال‌سازی گسترده ندارند. اگر امکان تامین مالی و ایجاد زیرساخت‌های هوش مصنوعی فراهم شود، می‌توان از ظرفیت‌های موجود استفاده بسیار بیشتری کرد.

حمایت از خرید و گردآوری نسخ خطی



جعفریان، در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به وضعیت کتابخانه و موزه مجموعه اظهار کرد: موزه، حدود پنج تا ۶ سال است، ایجاد شده و دانشگاه نیز از آن حمایت می‌کند. تلاش کرده‌ایم فضایی فراهم کنیم تا دانشجویان با میراث مکتوب، تاریخ چاپ و آثار فرهنگی آشنا شوند. وی افزود: این مجموعه اگرچه در مقایسه با برخی مراکز بزرگ، کتابخانه وسیعی نیست، اما تلاش می‌کنیم با امکانات محدود موجود، منابع ارزشمند را گردآوری و حفظ کنیم. از همه افرادی که امکان کمک دارند، درخواست می‌کنیم در زمینه اهدای کتاب، اشیای موزه‌ای و حمایت از خرید نسخ خطی کمک کنند.

جعفریان، با اشاره به حمایت برخی شخصیت‌ها و نهادها از خرید نسخ خطی، گفت: تاکنون ۱۴۵ نسخه خطی با حمایت مالی دفتر آیت‌الله سیستانی در نجف خریداری شده است. همچنین آقای سیمایی صراف، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، هزینه خرید ۱۰۰ نسخه خطی را تامین کردند و این منابع خریداری شد. امیدواریم حمایت‌ها ادامه پیدا کند تا بتوانیم مجموعه نسخ خطی را گسترش دهیم، از آنها تصویر تهیه کنیم و در دسترس پژوهشگران قرار دهیم.



محمدصادق عظیمی‌فر، مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی:

رشد مصرف بنزین کل کشور در آبان ۱۴۰۵ منفی شد

راه ادویه؛ مسیر تازه همکاری ایران و هند



ابتکار احیای مسیر تاریخی و تجاری «راه ادویه» میان ایران و هند با محوریت استان کرمان وارد مرحله تازه‌ای از پیگیری‌های دیپلماتیک و اجرایی شده است. در نشست مسئولان اتاق بازرگانی کرمان با نماینده سفارت هند در ایران، پیشنهاد برگزاری نشست مشترک در کرمان، حضور مقامات هندی در هجدهمین جشنواره موسیقی نواحی و خواهرخواندگی شهرماهان با شهر بی‌در در هند مطرح شد؛ پیشنهادهایی که با استقبال طرف هندی همراه بود.



محمد جهانشاهی، ایده‌پرداز مسیر گردشگری «راه ادویه»، در گفت‌وگو با خبرنگار روزنامه «آگاه» با اشاره به برگزاری نشست مشترک با حضور راجش پوناپا، دبیر دوم سفارت هند (بازرگانی و فرهنگی) در ایران اظهار کرد: این نشست با هدف پیشبرد ابتکار راه ادویه و بررسی ظرفیت‌های مشترک ایران و هند برای شکل‌گیری همکاری‌های جدید در حوزه‌های تاریخی، فرهنگی، گردشگری و اقتصادی برگزار شد. وی با اشاره به فعالیت‌های انجام‌شده در سال‌های گذشته، به‌ویژه در دوره اخیر، گفت: ظرفیت تاریخی و تجاری مسیر راه ادویه بسیار فراتر از یک مسیر تاریخی است و می‌تواند به ابتکاری نوین در روابط میان ایران و هند تبدیل شود.

جهانشاهی با بیان اینکه تجربه‌های جهانی نشان می‌دهد کریدورها و مسیرهای تاریخی می‌توانند بستری برای توسعه روابط و تعاملات میان کشورها باشند، افزود: بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها امکان شکل‌گیری همکاری‌های گسترده در حوزه‌های مختلف را فراهم می‌کند و راه ادویه نیز می‌تواند چنین نقشی در روابط دو کشور ایفا کند. ایده‌پرداز مسیر گردشگری راه ادویه با اشاره به پیشینه چند هزار ساله ارتباطات میان تمدن‌های ایران و هند تصریح کرد: سابقه روابط دو کشور دست‌کم به پنج هزار سال می‌رسد و آثار و شواهد تاریخی متعددی از دوران باستان تا امروز، گویای پویایی ارتباطات و تعاملات میان این دو تمدن است. همین پیشینه تاریخی، ضرورت توجه بیشتر به مسیرهای مشترک تجاری و فرهنگی را نشان می‌دهد. وی یکی از ظرفیت‌های مهم استان کرمان برای پیگیری این ابتکار را وجود آثار تاریخی مرتبط با روابط ایران و هند دانست و گفت: کاروانسرای هندوها در بازار تاریخی شهر کرمان از جمله این آثار است که وجود آن نشان‌دهنده بخشی از میراث مشترک دو کشور و ظرفیتی ارزشمند برای بازخوانی مسیر تاریخی راه ادویه به شمار می‌رود.

جهانشاهی با اشاره به اقدامات انجام‌شده برای عملیاتی کردن این ایده بیان کرد: راه‌اندازی دبیرخانه ملی راه ادویه در اتاق بازرگانی کرمان، برگزاری رویدادهای مختلف از جمله رالی‌های گردشگری میان کرمان و هند و جشنواره‌های گردشگری خوراک با عنوان راه ادویه از جمله اقداماتی بوده که در این مسیر انجام شده است. وی ادامه داد: همچنین موضوع راه ادویه از سوی استان کرمان در وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی مطرح شده و این ابتکار در نشست بریکس در جیپور هند به اعضای این مجموعه و کشور هند معرفی شده است. مجموعه این فعالیت‌ها را باید پیش‌زمینه‌ای برای شکل‌گیری همکاری‌های بزرگ‌تر در مسیر راه ادویه دانست.

این فعال حوزه گردشگری با اشاره به مذاکرات انجام‌شده در نشست اخیر گفت: در این جلسه درخواست برگزاری نشست مشترک میان مقامات سفارت هند و مسئولان استان کرمان مطرح شد که مورد استقبال طرف هندی قرار گرفت. امیدواریم با برگزاری این نشست، زمینه‌های اجرایی و عملیاتی همکاری‌ها با جدیت بیشتری دنبال شود.

پیشنهاد راه‌اندازی کنسولگری هند

جهانشاهی همچنین با اشاره به حضور سیدمهدی طبیب‌زاده، رئیس اتاق بازرگانی استان کرمان در این نشست اظهار کرد: رئیس اتاق بازرگانی ضمن دعوت از مقامات سفارت هند برای سفر به کرمان، ظرفیت‌های اقتصادی و تجاری استان در حوزه‌های مختلف را تشریح کرد و آمادگی کرمان برای گسترش روابط میان دو کشور و استفاده از ظرفیت‌های تاریخی و فرهنگی، به‌ویژه پیگیری ابتکار راه ادویه را اعلام کرد. وی افزود: در این نشست همچنین پیشنهاد راه‌اندازی کنسولگری هند در کرمان مطرح و پیشنهاد شد این کنسولگری به‌صورت نمادین در کاروانسرای هندوهای کرمان مستقر شود تا این بنای تاریخی به نمادی از پیوندهای فرهنگی و تاریخی دو کشور تبدیل شود.

وی با اشاره به حضور پیروز ارجمند، دبیر هجدهمین جشنواره موسیقی نواحی ایران در این نشست گفت: با توجه به اینکه راه ادویه یکی از محورهای اصلی هجدهمین دوره جشنواره موسیقی نواحی است، موضوع حضور کشورهای مختلف در این رویداد نیز مورد توجه قرار گرفت. وی ادامه داد: در این دوره از جشنواره از ۶ کشور خارجی برای حضور و مشارکت دعوت شده است و پیروز ارجمند به‌صورت رسمی از مقامات سفارت هند دعوت کرد تا در این رویداد فرهنگی و موسیقایی حضور داشته باشند.

خواهرخواندگی ماهان و شهر بی‌در هند

جهانشاهی یکی دیگر از موضوعات مطرح‌شده در این نشست را پیشنهاد خواهرخواندگی شهرماهان در استان کرمان با شهر بی‌در در ایالت کارناتاکا هند عنوان کرد و گفت: در این جلسه پیشنهادهایی درباره برقراری این ارتباط و توسعه همکاری‌های میان دو شهر مطرح شد. وی با بیان اینکه خواهرخواندگی شهرها می‌تواند زمینه‌ساز توسعه ارتباطات فرهنگی، گردشگری و اقتصادی باشد، افزود: این پیشنهاد نیز در چارچوب ابتکار راه ادویه و با هدف گسترش روابط میان دو کشور دنبال می‌شود.

حضور مقامات سفارت هند در کرمان در آذر

جهانشاهی با اشاره به برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده برای سفر مقامات سفارت هند به استان کرمان اظهار کرد: پیش‌بینی می‌شود روزهای چهاردهم و پانزدهم آذر میزبان نمایندگان سفارت هند در استان کرمان باشیم. وی افزود: این سفر با دو محور اصلی دنبال خواهد شد.

نخست حضور در هجدهمین جشنواره موسیقی نواحی ایران و دوم برگزاری نشست مشترک یک‌روزه راه ادویه به میزبانی اتاق بازرگانی کرمان و با حضور مقامات اجرایی استان. امیدواریم این دیدارها بتواند زمینه عبور ابتکار راه ادویه از مرحله طرح و گفت‌وگو به سمت برنامه‌های اجرایی و همکاری‌های عملی میان دو کشور را فراهم کند.



آموزش رایگان بافت گلیم و قالی به زنان سرپرست خانوار

از دار تا درآمد

فاطیما کریمی، خبرنگار گروه جامعه: در گوشه‌ای از خیابان به‌آفرین، نزدیک میدان ولیعصر تهران، کارگاهی کوچک، میزبان هنرهایی است که ریشه در فرهنگ و زندگی ایرانیان دارند، از قالی و گلیم و تابلوفرش گرفته تا نمد و زیلو و دیگر دست‌بافته‌ها که وزارت میراث فرهنگی آنها را در دسته بافته‌های داری و غیرداری قرارداده است.

اینجا قرار نیست هنرجویان فقط چند گره بزنند یا نقشه‌خوانی یاد بگیرند قرار است بافتن را از صفر تا صد بیاموزند و بتوانند روزی محصولی را که خودشان خلق کرده‌اند، به فروش برسانند.



مریم جمشیدی، بانویی که ۳۳ سال از عمرش را صرف آموزش صنایع دستی کرده، در کنار آموزش به علاقه‌مندان، به زنان سرپرست خانوار نیز بافته‌های داری را رایگان آموزش می‌دهد و می‌گوید تا زمانی که هنرجویانش بتوانند به‌طور مستقل قالی یا گلیم ببافند، پشتیبان آنها خواهد بود. پشت دارهای قالیبافی، نخ‌های رنگارنگ و نقش‌هایی که آرام‌آرام روی تار و پودها جان می‌گیرند، داستان زنانی قرار دارد که می‌خواهند هنری یاد بگیرند، هنری که شاید روزی به منبع درآمدشان تبدیل شود.

در این کارگاه کوچک، صدای رفت‌وآمد و گفت‌وگو با صدای برخورد ابزار بافت درهم آمیخته می‌شود. گوشه‌ای چند تابلوفرش و گلیم به نمایش درآمده و در بخش دیگری نمدها، زیلوها، سفال‌ها و صنایع دستی مختلف دیده می‌شود. هرکدام از این آثار داستان یک هنرجو را با خود دارند کسانی که در کنار یادگیری، فرصتی برای عرضه و فروش دست‌ساخته‌های‌شان نیز پیدا کرده‌اند. کارگاه صنایع دستی مریم جمشیدی در شهر تهران، یکی از تازه‌ترین فضاهایی است که او از دو ماه پیش برای آموزش صنایع دستی راه‌اندازی کرده است.

او پیش از این نیز در پاکدشت و پردیس کارگاه‌هایی برای آموزش هنرهای سنتی ایجاد کرد و حالا در تهران فضایی فراهم آورده تا زنان و دختران علاقه‌مند بتوانند با هنرهای دستی آشنا شوند.

فعالیت او تنها آموزش صنایع دستی نیست او سرآزمون فنی و حرفه‌ای نیز هست و برای دوره‌هایی که آموزش می‌دهد گواهی و مجوز دارد.

جمشیدی در طول سال‌ها فعالیتش تلاش کرده هنرجویانش را از نخستین مراحل کار و شناخت ابزار و مواد اولیه تا اجرای نقشه و بافت کامل یک اثر همراهی کند. دوره آموزشی او در ۱۲ جلسه طراحی شده است اما به گفته خودش، پایان این جلسات به معنای پایان مسئولیتش در قبال هنرجو نیست. او پس از دوره نیز در کنار هنرجویان باقی می‌ماند و تا زمانی که بتوانند به‌صورت مستقل یک قالی یا گلیم را تولید کنند، از آنها حمایت می‌کند. حتی این حمایت تا آنجا پیش می‌رود که به زنان یاد می‌دهد چطور اثرشان را بفروشند.

از کودکی پشت دار قالی نشستم

جمشیدی درباره آغاز فعالیتش در حوزه صنایع دستی می‌گوید: من از کودکی نزد مادرم قالیبافی را یاد گرفتم. از همان سال‌ها به این هنر علاقه داشتم و دوست داشتم بیشتر یاد بگیرم و در این زمینه فعالیت کنم. البته آن زمان خیلی‌ها معتقد بودند قالیبافی کار من نیست و بهتر است به دنبال حرفه دیگری بروم، اما علاقه‌ام به این هنر باعث شد مسیرم را ادامه و به آنچه دوست داشتم، بال و پر بدهم. او ادامه می‌دهد: سال‌ها از آن روزها گذشته است و امروز همان افرادی که زمانی با فعالیت من در این حوزه موافق نبودند، می‌گویند باعث افتخارشان هستم. در طول ۳۳ سال گذشته توانسته‌ام به بیش از هزار نفر آموزش بدهم. تعدادی از این افراد پس از یادگیری، کسب و کار خودشان را راه‌اندازی کرده‌اند و توانسته‌اند از طریق این هنر به درآمد برسند.

این فعال صنایع دستی معتقد است آموزش یک هنر سنتی زمانی ارزشمند است که هنرجو بتواند پس از یادگیری، آن را در زندگی خود به کار بگیرد و حتی از طریق آن به استقلال اقتصادی برسد. به همین دلیل، در کارگاه او تلاش می‌شود آموزش‌ها به‌گونه‌ای باشد که هنرجو تنها به یادگیری مقدمات بسنده نکند، بلکه توانایی تولید یک اثر کامل را به دست آورد. یکی از بخش‌های مهم فعالیت جمشیدی، آموزش رایگان بافته‌های داری به زنان سرپرست خانوار است. او معتقد است یادگیری صنایع دستی می‌تواند برای زنانی که مسئولیت تامین هزینه‌های زندگی خانواده را بر عهده دارند، فرصتی برای کسب مهارت و ایجاد درآمد فراهم کند.

جمشیدی در این باره به خبرنگار روزنامه «آگاه» می‌گوید: من به بانوان خودسرپرست به صورت رایگان آموزش می‌دهم. به نظرم این زنان باید فرصت داشته باشند هنری یاد بگیرند که بتوانند با استفاده از آن برای خودشان کاری ایجاد کنند. تلاش می‌کنم آنچه را خودم در طول سال‌ها آموخته‌ام، بدون کم‌وکاست در اختیار دیگران قرار بدهم. او با تاکید بر اینکه رابطه‌اش با هنرجویان را به زمان برگزاری کلاس‌ها محدود نمی‌کند، می‌افزاید: تلاشم این است که هنرجویانم مانند دوستانم باشند. برای همین، دوره‌های آموزشی برای من فقط به یک دوره مشخص و چند جلسه کلاس محدود نمی‌شود. در بسیاری از مراکز ممکن است فقط نقشه‌خوانی یا گره زدن آموزش داده شود، اما من می‌خواهم هنرجو بتواند یک رشته هنری را به‌طور کامل یاد بگیرد و خودش از ابتدا تا انتهای کار را انجام دهد. به همین دلیل، هرچند دوره اصلی آموزش در ۱۲ جلسه برگزار می‌شود، اما حمایت و همراهی با هنرجویان پس از این دوره نیز ادامه دارد.

کارگاهی که فروشگاه هم هست

در کارگاه جمشیدی، تعدادی از آثار هنرجویان برای نمایش و آشنایی با هنرهای سنتی در معرض دید قرار گرفته‌اند. برخی از تابلوفرش‌ها، قالی‌ها، گلیم‌ها، نمدها، زیلوها و دیگر صنایع دستی موجود در این فضا، متعلق به هنرجویانی هستند که آنها را تولید کرده‌اند و می‌توانند برای فروش نیز عرضه شوند. در کنار این دست‌بافته‌ها، آثاری از هنر سفالگری و دیگر رشته‌های صنایع دستی هم دیده می‌شود. به این ترتیب، کارگاه جمشیدی علاوه بر فضای آموزشی، محلی برای معرفی و فروش آثار هنرجویان نیز به شمار می‌رود. هنرجویی که زمانی برای یادگیری وارد این فضا شده، می‌تواند پس از کسب مهارت، محصول خود را در همان محیط عرضه کند و با مشتریان احتمالی ارتباط بگیرد.

این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که یکی از مشکلات همیشگی فعالان صنایع دستی، پیدا کردن بازار فروش و دسترسی به مشتری است. بسیاری از افرادی که در خانه یا کارگاه‌های کوچک به تولید صنایع دستی مشغولند، پس از صرف زمان و هزینه برای تولید یک اثر، با این پرسش روبه‌رو می‌شوند که محصول خود را کجا و چگونه عرضه کنند. فراهم کردن فضایی برای نمایش و فروش آثار هنرجویان می‌تواند بخشی از این مشکل را کاهش دهد و انگیزه آنها را برای ادامه فعالیت بیشتر کند.

گرانی مواد اولیه و کاهش قدرت خرید مردم

با وجود تمام تلاش‌هایی که برای آموزش و گسترش فعالیت‌های صنایع دستی انجام می‌شود، فعالان این حوزه همچنان با مشکلاتی روبه‌رو هستند. گرانی مواد اولیه، دشواری تهیه مواد مرغوب و کاهش قدرت خرید مردم از جمله مسائلی است که بر تولید و فروش صنایع دستی تاثیر گذاشته است. جمشیدی نیز با اشاره به دشواری تهیه مواد اولیه می‌گوید: تهیه مواد اولیه صنایع دستی برای من بسیار سخت شده است. هم قیمت آنها افزایش پیدا کرده و هم مواد اولیه مرغوب، به‌ویژه نخ‌هایی که با رنگ طبیعی تولید می‌شوند، کمتر در دسترس هستند. وقتی مواد اولیه با کیفیت به سختی پیدا می‌شود، طبیعتا نمی‌توان آن طور که باید یک تابلوفرش یا آویز با متریال مناسب تولید کرد. او با بیان اینکه افزایش قیمت مواد اولیه در نهایت بر قیمت تمام‌شده محصولات تاثیر می‌گذارد، ادامه می‌دهد: از طرف دیگر، صنایع دستی گران شده و متقاضی هم برای خرید آن کمتر پیدا می‌شود. وقتی قیمت مواد اولیه بالا می‌رود، تولیدکننده ناچار است محصول نهایی را با قیمت بیشتری عرضه کند، اما از سوی دیگر قدرت خرید مردم هم کاهش پیدا کرده است. این شرایط کار را برای کسانی که در این حوزه فعالیت می‌کنند، دشوارتر کرده است.

این فعال صنایع دستی با وجود مشکلات موجود، همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دهد و معتقد است هنوز هم علاقه‌مندان زیادی برای خرید محصولات دست‌ساز ایرانی وجود دارند. او می‌گوید: با همه این مشکلات، هنوز افراد زیادی هستند که به تابلوفرش، گلیم و قالی علاقه دارند و خواهان خرید این آثار هستند. من هیچ‌وقت امیدم را از دست ندادم و به کارم ادامه داده‌ام چه آن زمانی که مردم قدرت خرید بیشتری برای صنایع دستی داشتند و چه امروز که این قدرت خرید از آنها گرفته شده است.

وزیر راه و شهرسازی:

واردات از مرزهای شمالی، ۷۶ درصد افزایش یافت

وزیر راه و شهرسازی گفت: با وجود تغییر موازنه تجاری کشور و تحولات ایجادشده در بنادر جنوبی، تردد کالا حتی یک ساعت متوقف نشد و واردات از مرزهای شمالی ۷۶ درصد افزایش یافت.

به گزارش «آگاه» فرزانه صادق، وزیر راه و شهرسازی، صحن علنی مجلس شورای اسلامی با اشاره به تغییر موازنه تجاری کشور و تحولات ایجادشده در بنادر جنوبی اظهار کرد: شریان‌های تجارت خارجی کشور تغییر پارادایم دادند و با برنامه‌ریزی انجام‌شده برای مرزهای دیگر، حتی به مدت یک ساعت نیز تردد کالا متوقف نشد. وی افزود: چالش‌های موجود در پایانه‌های مرزی ریلی و جاده‌ای، محدود به ۱۰ یا ۲۰ سال گذشته نیست؛ از این رو، ستاد ملی گذر مطابق با تکالیف پیش‌بینی‌شده در برنامه هفتم تشکیل شد.

وزیر راه و شهرسازی با اشاره به اقدامات نظارتی در مرزهای کشور گفت: با بازدیدهای مکرر نمایندگان مجلس و وزارت راه و شهرسازی، نهادهای نظارتی و امنیتی و همچنین همراهی بخش خصوصی، نظارت مستمری بر گذرگاه‌های مرزی کلیدی صورت گرفت. صادق ادامه داد: در تمامی جلسات، موضوعات مرتبط با گذرگاه‌های مرزی به‌صورت مستمر مطرح و بررسی شده است و با وجود تمام مشکلات در بنادر، افزایش ۷۶ درصدی واردات از مرزهای شمالی کشور رقم خورد.

صادرات ریلی کشور ۵۳ درصد افزایش یافت

وی با اشاره به آمار تجارت خارجی کشور یادآور شد: شاهد رشد ۱۰ درصدی از بنادر شمالی و افزایش ۵۳ درصدی صادرات از خطوط ریلی هستیم. پیش از این، ۸۵ درصد ورود و خروج کالا از طریق بنادر جنوبی انجام می‌شد، اما در شرایط فعلی یکی از مهم‌ترین چالش‌های موجود، پذیرش ناوگان در آن سوی مرز است که با محدودیت‌هایی مواجه است.

عضو کابینه دولت چهاردهم بیان کرد: وزارت امور خارجه از طریق رایزنی‌های مستمر، پیگیری حل این مشکل را در دستور کار دارد و در حال حاضر تمامی مرزهای ریلی و جاده‌ای کشور فعال هستند. وی با اشاره به چالش‌های داخلی در حوزه مدیریت مرزها تصریح کرد: در بخش داخلی، یکی از مشکلات بزرگ، تداخل الگوی حکمرانی مرزی است. در همین راستا، پنج جلسه ستاد ملی گذر به ریاست معاون اول رئیس جمهور و ۱۰ جلسه کمیته روان‌سازی ترانزیت و توسعه لجستیک بین‌الملل برگزار کردیم. صادق، سند برنامه ملی ترانزیت را یکی از مهم‌ترین مصوبات ستاد ملی گذر دانست و گفت: اعضای کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی در جریان این موضوع قرار دارند. وزیر راه و شهرسازی با اشاره به دیگر مصوبات این جلسات یادآور شد: یکی از مهم‌ترین مصوبات، تسهیل نامه فرآیندهای گمرکی است که آثار و نتایج آن نیز نمایان شده است.

وی با تاکید بر ضرورت یکپارچه‌سازی مدیریت پایانه‌های مرزی تصریح کرد: پایانه‌ها، بازارچه‌ها و مناطق آزاد باید دارای یک داشبورد مدیریتی داشته باشند تا در یکجا ثبت شود. صادق با اشاره به ضرورت کاهش زمان توقف ناوگان در مرزها ادامه داد: معطلی نباید در خود مرز انجام شود و باید با استفاده از پیامک و هوشمندسازی، صف‌های انتظار را از بین ببریم.



معطلی کامیون‌ها در مرزها با نوبت‌دهی پیامکی حذف می‌شود

عضو کابینه دولت چهاردهم نوبت‌دهی به کامیون‌داران را دومین مصوبه اخیر ستاد ملی گذر عنوان کرد و گفت: با همکاری سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای و از طریق سامانه پیامکی، امکان مدیریت و تنظیم صف کامیون‌ها پیش از رسیدن به مرز فراهم شده است تا از معطلی رانندگان در مرزها و پشت مرزها جلوگیری شود، مجوز اجرای این طرح نیز هفته گذشته اخذ شد.

وی با تاکید بر ضرورت اصلاح فرآیندها در ستاد ملی گذر اظهار کرد: باید فرآیندها اصلاح و زیرساخت‌های پایانه‌های مرزی ارتقا یابد. صادق با اشاره به طرح‌های جامع و بازنگری پایانه‌های مرزی، به‌ویژه در مناطق شمالی، شمال‌غربی و جنوبی کشور، افزود: بهسازی مسیرهای تردد و جاده‌های منتهی به این پایانه‌ها در دستور کار قرار دارد. همچنین عملیات بهسازی محور منتهی به پایانه مرزی ریمدان به طول ۴۰ کیلومتر، در جریان جنگ در حال انجام بود. وی با اشاره به توسعه زیرساخت‌های ریلی کشور گفت: ریل‌گذاری مسیر زاهدان – تفتان در میانه جنگ ۴۰ روزه انجام شد. وزیر راه و شهرسازی ادامه داد: در آخرین جلسه شورای اقتصاد، اتصال خط ریلی مرند به چشمه‌ثریا به تصویب رسید و با دیپلماسی انجام‌شده با ترکیه، برقراری این اتصال در حال پیگیری است. وی تصریح کرد: با وجود محاصره، دیپلماسی حمل‌ونقل به صورت مستمر در جریان است و در کمیسیون‌های مشترک نیز گفت‌وگوهای مرتبط با این حوزه انجام می‌شود. صادق یادآور شد: بازگشایی مسیرهای حمل‌ونقل جاده‌ای، توسعه کریدورهای حمل‌ونقل ترکیبی و ارتقای همکاری‌های ترانزیتی نیز در حال انجام است، همچنین در جنگ ۱۲ روزه، جنگ ۴۰ روزه و محاصره دریایی، رکورد ورود و خروج کالا را به ثبت رساندیم که این دستاورد حاصل مصوبه مقررات‌زدایی بود.



سعید توکلی، مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران:

ازورود بخش خصوصی به حوزه مصرف و کمک به پایداری تامین گاز، حمایت می‌کنیم

چهارشنبـه/ ۱۳ آبان ۱۴۰۵/ شماره ۶۸۱

گزارشی از مقابله با ناترازی برق تا درآمدزایی برای آموزش

خورشید بر بام مدارس



درسال‌هایی که ناترازی برق به یکی از چالش‌های جدی کشور تبدیل شده و تامین برق پایدار در فصل‌های گرم سال با دشواری همراه است، استفاده از ظرفیت انرژی‌های تجدیدپذیر بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته است. در این میان، پشت بام مدارس به عنوان ظرفیتی قابل استفاده برای تولید برق، در کانون یکی از برنامه‌های وزارت نیرو و سازمان نوسازی مدارس قرار گرفته است؛ طرحی که هدف آن تنها کاهش مصرف برق مدارس نیست، بلکه مشارکت دادن مراکز آموزشی در تولید برق و ایجاد منابع درآمدی جدید برای آنهاست.

به گزارش «آگاه» توسعه انرژی خورشیدی در ایران سابقه‌ای چندساله دارد. تاسیس سازمان انرژی‌های نو ایران در سال ۱۳۷۵، تدوین برنامه‌های توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر در برنامه‌های توسعه کشور و شکل‌گیری سازوکار خرید تضمینی برق در سال ۱۳۹۰، از نخستین گام‌های سیاست‌گذاری در این حوزه بود. در سال ۱۳۹۵ نیز با ادغام سازمان‌های مرتبط، سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی برق (ساتبا) تشکیل شد. همچنین از سال ۱۳۹۵، الزام دستگاه‌های دولتی به تامین بخشی از برق مصرفی ساختمان‌های خود از منابع تجدیدپذیر، به‌عنوان یکی از سیاست‌های توسعه این انرژی دنبال شد.

پشت بام مدارس؛ ظرفیت مغفول تولید انرژی

ورود مدارس به این برنامه نیز در ابتدا با اجرای نیروگاه‌های کوچک خورشیدی روی پشت بام برخی واحدهای آموزشی آغاز شد. با افزایش نگرانی‌ها درباره ناترازی برق، این رویکرد به طرحی گسترده‌تر تبدیل شد. براساس آمار اعلام‌شده در خرداد ۱۴۰۵، حدود ۱۳۰۰ مدرسه در کشور به نیروگاه خورشیدی مجهز شده بودند و مجموع ظرفیت تولید آنها به هفت مگاوات می‌رسید. در تهران نیز طرح تجهیز ۱۲۰۰ مدرسه به نیروگاه‌های خورشیدی با ظرفیت پنج کیلووات برای هر مدرسه اجرا شد که در مجموع حدود ۶ مگاوات ظرفیت تولید برق ایجاد می‌کند. در این طرح، تجهیزات اصلی با همکاری ساتبا تامین و هزینه‌های نصب با حمایت استانداری و سازمان مدیریت و برنامه ریزی فراهم شد. البته نصب تجهیزات به‌تنهایی به معنای بهره‌برداری نیست و اتصال به شبکه، ثبت اطلاعات و تکمیل مراحل اداری نیز باید انجام شود.

گام بعدی، توسعه این برنامه در مقیاس ملی است. بر اساس اعلام مسئولان ساتبا در آبان ۱۴۰۵، از مجموع حدود ۱۲۰ هزار مدرسه کشور، نزدیک به ۹۰ هزار مدرسه از نظر فنی ظرفیت مشارکت در تولید برق خورشیدی را دارند. برای تجهیز ۱۲ هزار مدرسه تا پایان سال نیز اعتبار ۲.۵ همتی پیش‌بینی شده است. در این برنامه، علاوه بر افزایش ظرفیت تولید پراکنده برق، استفاده از فضاهای بلااستفاده مدارس و مشارکت مراکز آموزشی در تامین انرژی پاک دنبال می‌شود.

مدارس فقط مصرف‌کننده برق نیستند

اما این طرح چه دستاوردهایی دارد؟ نخستین مزیت آن، تولید برق در نزدیکی محل مصرف است. پراکندگی نیروگاه‌های کوچک خورشیدی می‌تواند بخشی از فشار وارد شده بر شبکه سراسری را کاهش دهد و در ساعات آفتابی، به تامین برق کمک کند. از سوی دیگر، مدارس می‌توانند به محیطی عملی برای آموزش مفاهیم انرژی‌های تجدیدپذیر تبدیل شوند و دانش‌آموزان به‌جای آشنایی صرفا نظری با انرژی پاک، فرآیند تولید برق را از نزدیک مشاهده کنند.

درآمدزایی نیز یکی دیگر از اهداف این برنامه است. برق تولیدی می‌تواند از طریق سازوکار خرید تضمینی به فروش برسد و در مراحل بعد، با تجمیع ظرفیت نیروگاه‌ها، امکان عرضه آن در بورس انرژی فراهم شود. البته نحوه تخصیص درآمد به مدرسه به شیوه تامین سرمایه بستگی دارد. طبق توضیحات مسئولان سازمان نوسازی مدارس، اگر هزینه نصب از اعتبارات دولتی تامین شده باشد، درآمد فروش برق لزوما به مدرسه اختصاص پیدا نمی‌کند؛ در حالی که در برخی مدارس خیرساز، امکان سرمایه‌گذاری غیردولتی و اختصاص درآمد به مدرسه وجود دارد.

با این حال، اجرای طرح بدون هزینه و ملاحظات فنی نیست. برآوردهای اعلام‌شده در آذر ۱۴۰۴، هزینه احداث یک نیروگاه پنج‌کیلوواتی را حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ میلیون تومان اعلام می‌کرد؛ رقمی که با توجه به تغییر قیمت تجهیزات و شرایط بازار باید به‌روزرسانی شود. علاوه بر هزینه اولیه، نگهداری، شست‌وشوی پنل‌ها، تعمیر اینورتر و تعویض تجهیزات در بلندمدت نیز باید در محاسبات اقتصادی لحاظ شود. همچنین همه مدارس شرایط نصب ندارند و استحکام پشت‌بام، میزان سایه‌اندازی، وزن تجهیزات و ایمنی سازه از عوامل تعیین‌کننده هستند. نکته دیگر اینکه نیروگاه متصل به شبکه، بدون تجهیزات ذخیره‌ساز و سامانه مناسب، هنگام قطع برق الزاما قادر به تامین برق مدرسه نخواهد بود.

پنل‌های خورشیدی؛ راهکار ناترازی یا گامی آموزشی؟

در نهایت، نصب پنل‌های خورشیدی در مدارس را باید فرصتی برای پیوند دادن آموزش، اقتصاد و مدیریت انرژی دانست؛ اما موفقیت آن صرفا با تعداد پنل‌های نصب شده سنجیده نمی‌شود. میزان برق تولیدی، تعداد نیروگاه‌های واقعا متصل به شبکه، هزینه نگهداری، درآمد حاصل و نحوه هزینه‌کرد آن باید به‌صورت شفاف اعلام شود. اگر این طرح با تامین اعتبار پایدار، نظارت فنی و سازوکار مشخص درآمدزایی همراه شود، مدارس می‌توانند علاوه بر محل آموزش نسل آینده، به بخشی از راه‌حل بحران انرژی کشور نیز تبدیل شوند.

روزانه ۱۹ هزار تن نخاله ساختمانی در تهران تولید می‌شود



مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند شهرداری تهران، از تولید روزانه بیش از ۱۹ هزار تن نخاله ساختمانی در پایتخت خبر داد.

به گزارش «آگاه» محمدعلی الفت‌پور، با اشاره به حجم روزانه تولید پسماندهای ساختمانی و عمرانی در پایتخت، گفت: روزانه بیش از ۱۹ هزار تن خاک و نخاله ساختمانی در شهر تهران تولید می‌شود که از این میزان، ۱۵ هزار و ۳۳۶ تن به مجتمع پردازش و دفع آبعلی منتقل می‌شود. وی با تشریح عملکرد این مرکز در نیمه نخست سال ۱۴۰۵ افزود: طی این مدت، یک‌هزار و ۲۷۸ سرویس حمل پسماندهای ساختمانی و عمرانی به مجتمع آبعلی ثبت شده است و به طور متوسط روزانه ۴۸ تن از این پسماندها جداسازی و دو هزار و ۴۱۲ تن نیز فرآوری و بازیافت می‌شود.

الفت‌پور با تاکید بر ضرورت کاهش دفن پسماندها و افزایش بازگشت مواد به چرخه مصرف، اظهار کرد: استحصال شن و ماسه و تولید آسفالت و بلوک‌های سیمانی از جمله ظرفیت‌های صنعتی مستقر در این مجتمع است که با فرآوری نخاله‌های ساختمانی، زمینه تبدیل بخشی از این مواد به محصولات قابل استفاده در پروژه‌های عمرانی را فراهم می‌کند؛ البته به دلیل ضرورت اخذ مجوزهای قانونی و بهره‌برداری، در حال حاضر امکان عرضه و فروش برخی از محصولات تولیدی وجود ندارد.

مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند شهرداری تهران با اشاره به برنامه‌های توسعه‌ای این مجموعه تصریح کرد: فاز پنجم توسعه مجتمع آبعلی با هدف افزایش ظرفیت و سطح فعالیت کارخانه‌های مستقر و ارتقای توان پردازش و بازیافت پسماندهای ساختمانی و عمرانی در دستور کار قرار دارد و مراحل اخذ مجوزهای جدید از مراجع ذی‌صلاح برای اجرای آن در حال پیگیری است؛ لذا این فاز هنوز وارد مرحله اجرا نشده است.

قیمت‌ها در بازار خودرو می‌تازند



در شرایطی که بازار خودرو هر روز با موج تازه‌ای از افزایش قیمت‌ها و فاصله بیشتر نرخ کارخانه و بازار مواجه می‌شود، سازوکارهای قانونی نظارت بر این بازار همچنان در پیچ‌وخم مسئولیت‌های میان شورای رقابت، وزارت صمت و سازمان حمایت معطل مانده؛ دستورالعملی که با هدف ساماندهی بازار و مهار انحصارتدوین شد، اما خبری از نظارت موثر بر قیمت‌سازی و رفتار فروشندگان نیست. به گزارش «ایسنا» در روزهایی که تب تورم در بازار خودرو بالا گرفته و جهش‌های قیمتی معیشت شهروندان را تحت فشار قرار داده با نگاهی به متن «دستورالعمل تنظیم بازار خودروی سواری» به عنوان مصوبه ۵۴۳ شورای رقابت در پی پاسخ این پرسش هستیم که مرزهای قانونی برای نظارت بر بازار خودرو و تنظیم گری آن چگونه است.

دستورالعمل تنظیم بازار خودروی سواری سندی که قرار بود با استناد به ماده ۲ و ماده ۵ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴، انحصار بازار را بشکند و با فرمول‌های دقیق ترازیابی و نظارت بر عرضه، دست دلالان را کوتاه کند، در بهمن سال ۱۴۰۱ تصویب شد و تا شهریور امسال در حال به روزرسانی و اصلاح برای اجرای بهتر بود اما اکنون در هزارتوهای اداری و وظایف میان شورای رقابت، وزارت صنعت، معدن و تجارت و سازمان حمایت گرفتار شده است. بر اساس ماده ۲ این دستورالعمل، بازار خودروهای سواری تولیدی و مونتاژی رسما انحصاری اعلام شده و تنها خودروهای سواری برقی از شمول آن مستثنی هستند. اما سازوکار اصلی کنترل قیمت در بند ۳-۱ بر پایه ضوابط هیات تعیین و تثبیت قیمت‌ها بنا شده است؛ جایی که عرضه‌کنندگان موظف‌اند قیمت‌های محاسباتی خود را به سازمان حمایت اعلام کنند.

فرمول پیش‌بینی‌شده در بند ۳-۲ برای محاسبه «شاخص رقابت‌پذیری» (CI) از طریق مقایسه با قیمت حداقل سه خودروی رقیب خارجی هم‌رده، به همراه رتبه‌بندی‌های شش‌گانه از A تا F، سازوکاری پیشرفته اما کاملا معطل‌مانده است.

طبق تبصره ۴ ماده ۳، اگر وزارت صمت ظرف مدت یک ماه خودروهای رقیب خارجی را اعلام نکند، اعمال این شاخص در آن دوره لازم‌الاجرا نخواهد بود و از سوی دیگر هنوز به طور رسمی و در هیچ جایی اطلاعاتی درباره مشخص بودن رقبای خارجی هر خودرو داخلی به مردم برای تعیین قیمت گذاری ارائه نشده و به نظر می‌رسد که تبصره ۱ ماده ۳ نیز که خودروهای رتبه F را از دریافت قیمت جدید منع می‌کند، کارایی خود را از دست می‌دهد.

در سوی دیگر، ماده ۵ دستورالعمل تکالیف روشنی را برای طرف عرضه از جمله اینکه عرضه‌کنندگان باید برنامه تولید ماهانه خود را به شورای رقابت اعلام کنند و در صورت فزونی تقاضا، عرضه را از طریق سامانه و قرعه‌کشی انجام دهند، تعیین کرده است. با این حال، حذف شدن برخی شروط سخت‌گیرانه در اصلاحات بعدی از جمله حذف الزام به داشتن گواهینامه، حذف ممنوعیت پلاک فعال در برخی مقاطع و برداشتن مانع ثبت‌نام اشخاص حقوقی، عملا جریان تقاضای کاذب و سوداگرانه را مهار نکرده است.

ماده ۶ دستورالعمل نیز به وزارت صمت اجازه داده تا با تعیین کف مقدار عرضه، پیشنهاد خروج برخی خودروها را از ضابطه قیمت‌گذاری به شورا ارائه دهد؛ ابزاری که گاه به جای تنظیم بازار، بهانه‌ای برای رهاسازی قیمت‌ها در حاشیه بازار تبدیل می‌شود. اما ضعف اصلی در وضعیت فعلی بازار، فقدان یا نبود دستورالعمل نیست، بلکه جای خالی موضوع نظارت بر بازار و قیمت سازی در بخش بازار آزاد خودرو است که یا به تورم بیشتر و التهاب قیمتی منجر شده یا به بهانه‌ای برای افزایش قیمت توسط تولیدکننده تبدیل می‌شود به طوری که افزایش شدید قیمت خودرو در بازار و نبود مقررات مشخص درباره نحوه مدیریت بازار خودرو به شکاف بیش از حد بین قیمت کارخانه تا بازار منجر می‌شود و همین موضوع به افزایش قیمت توسط تولیدکنندگان، دامن می‌زند.

از ۱۶ آذر ۳۲ تا ۱۳ آبان ۵۷

زنجیره خون و بیداری

پروین قائمی، آگاه مسائل اجتماعی: تاریخ، هرگز اتفاقات را به صورت تکه تکه و بی‌ربط پیش نمی‌برد؛ تاریخ مانند رودخانه‌ای است که هر قطره خون در هر پیچش، جریان آینده را تغییر می‌دهد. برای درک حقیقت ۱۳ آبان ۵۸، نباید تنها به دیوارهای بتنی یک سفارت نگریست، بلکه باید به عقب‌تر بازگشت؛ به روزهایی که مفهوم «استقلال ملی» برای ایرانیان، نه یک واژه در کتاب‌های درسی، بلکه زخمی تازه و خونین بر پیکر تاریخ بود.

داستان ما از سال ۱۳۳۲ آغاز می‌شود؛ سالی که ایران در تلاشی سخت برای بازیابی استقلال خود از چنگال مداخلات خارجی بود. ۱۶ آذر ۱۳۳۲، روزی بود که آسمان تهران شاهد صحنه‌ای بود که هرگز از حافظه جمعی ملت پاک نشد. چهار دانشجوی جوان، با قلوب لرزان، اما اراده‌ای پولادین، در برابر حضور ریچارد نیکسون ایستادند. آنها نمی‌خواستند تنها اعتراض کنند؛ آنها می‌خواستند به جهانیان بفهمانند که خاک ایران، جای پایی برای استبداد تحت حمایت خارجی نیست.

تیرهایی که در آن روز به سینه این چهار جوان نشست، تنها چهار زندگی را پایان نداد، بلکه اولین «ترک عمیق» را در دیوار توهم شکست‌ناپذیری آمریکا در ایران ایجاد کرد. آن چهارشهید، در واقع اولین معمارانِ روانی اتفاقی بودند که سال‌ها بعد در سال ۵۸ به اوج رسید. آنها به نسل‌های بعدی آموختند که ابرقدرت‌ها، هر قدر هم که با بمب و دلار مسلح باشند، در برابر اراده‌ای که مرگ را به بردگی ترجیح می‌دهد، ناتوان‌اند.

اما این رودخانه خون، در سال‌های بعد آرام نگرفت. سال ۵۷، سال تلاطم و بیداری بود. ۱۳ آبان سال ۵۷، مقابل دانشگاه تهران، بار دیگر تاریخ تکرار شد. این بار نه چهار نفر، بلکه خیل عظیمی از دانش‌آموزان و جوانان بودند که با فریادهای‌شان، لرزه بر اندام رژیمی انداختند که پشتش به حمایت‌های بی‌قید و شرط واشنگتن گرم بود. کشتار دانش‌آموزان در ۱۳ آبان ۵۷، آخرین هشدار به کسانی بود که گمان می‌کردند می‌توانند با تکیه بر قدرت نظامی خارجی، صدای یک ملت را خفه کنند.

خون‌های ریخته شده در سال ۵۷، در واقع «پل ارتباطی» بین شجاعت سال ۳۲ و طوفان سال ۵۸ بود. ملت در این فاصله یاد گرفته بود که آمریکا در ایران، نه یک سفیر صلح، بلکه مهندسی برای بقای استبداد است. وقتی در سال ۵۸، خبر پذیرش شاه توسط آمریکا در ایالات متحده پیچید، برای دانشجویان و مردم ایران، این خبر یک اتفاق سیاسی ساده نبود؛ بلکه تکرار همان سناریویی بود که در سال ۳۲ و ۵۷ منجر به خونریزی شده بود.

آنها می دانستند که اگر امروز سکوت کنند، تاریخ دوباره آنها را محکوم می کند. ۱۳ آبان ۵۸، در واقع نقطه اوج یک «خشم انباشته شده» و «بیداری سازمان‌یافته» بود. دانشجویان سال ۵۸، در واقع میراث‌داران همان چهار دانشجوی سال ۳۲ و دانش‌آموزان سال ۵۷ بودند. آنها با تسخیر سفارت، در واقع به تمام جهان اعلام کردند که دوران «ترس از ابرقدرت» به پایان رسیده است و حالا نوبت ایران است تا به دنیا یاد بدهد چگونه می‌توان نقاب از چهره استکبار برداشت.

لحظه حقیقت؛ فروریختن تصور «شکست‌ناپذیری»

زمانی که خشم سال‌های ۳۲ و ۵۷ به نقطه جوش رسید و خبر پذیرش شاه توسط دولت کارتر در آمریکا منتشر شد، دیگر هیچ جایی برای تردید باقی نماند. ۱۳ آبان سال ۵۸، روزی بود که تاریخ، یکی از جسورانه‌ترین «شبیخون‌های روانی» قرن بیستم را ثبت کرد. اما برای درک عظمت این اتفاق، باید ابتدا بدانیم که در آن روز، دانشجویان با چه چیزی می جنگیدند. آنها با دیوارهای بتنی یک سفارت نمی جنگیدند؛ آنها با «هیمنه» و «تصور شکست‌ناپذیری» آمریکا می جنگیدند.

تا پیش از آن روز، ایالات متحده در ذهن ملت‌های جهان، شبیه به یک «خدای مدرن و شکست‌ناپذیر» بود. ابرقدرتی که هر جا اراده می‌کرد، با یک تلفن یا یک دستور، دولت‌ها را تغییر می‌داد و هر کسی که در برابرش می‌ایستاد، در تاریخ گم می‌شد. این «هیمنه»، «ترس» و در واقع بزرگ‌ترین سلاح آمریکا بود. آمریکا لزوما با بمب حکومت نمی‌کرد، بلکه با ایجاد این توهم که «مقاومت در برابر من بی فایده است»، جهان را در مدار فرمان‌برداری خود نگه داشته بود.

اما در صبح ۱۳ آبان، اتفاقی افتاد که تمام این محاسبات را به هم زد. گروهی از جوانان با تکیه بر ایمان و اراده‌ای که از تمام تجهیزات نظامی پیشرفته قوی‌تر بود، دیوارهای امنیتی یکی از حساس‌ترین مراکز آمریکا در جهان را دور زدند. دانشجویان با ایستادن روی دیوارهای سفارت، در واقع روی «پرستیژ» و «غرور کاذب» یک ابرقدرت ایستادند. این واقعه، یک «شوک جهانی» بود. جهان با بهت و حیرت دید آمریکایی که خود را پاسدار نظم جهانی و شکست‌ناپذیر می‌نامید، در برابر اراده چند جوان ایرانی، عاجز و درمانده شده است. در آن لحظه بود که «ترس از کدخدا» در روح ملت‌های مستضعف جهان ترک عمیقی برداشت. گویی صدایی در گوش تمام ملت‌های تحت سلطه طنین انداز شد که می‌گفت: «ببینید! این غول خفته، آن قدرها هم که تصور می‌کرد و تصور می‌کنید، شکست‌ناپذیر نیست. او هم می‌لرزد، او هم می‌بازد و او هم می‌تواند در خانه خودش، در برابر ایمان و اراده، به زانو درآید.»

تسخیر سفارت، در واقع عملیاتی بود برای «دی‌کد کردن» یا رمزگشایی از قدرت آمریکا. دانشجویان به جهان ثابت کردند که هیمنه آمریکا، بیش از آنکه واقعی باشد، یک «ساختار توهمی» است که بر پایه ترس بنا شده است. وقتی این ترس در دل مردم ایران شکست، دیگر هیچ تهدیدی نتوانست آنها را به عقب براند.

باید دانست که شکستن این هیمنه، برای ملت ایران، به معنای بازگشت «عزت انسانی» بود. ما یاد گرفتیم که استقلال، چیزی نیست که بر سر میزهای مذاکره طلب کنیم یا با التماس به دست آوریم؛ استقلال چیزی است که باید با شجاعت گرفت و با پایداری حفظ کرد. ۱۳ آبان، روزی بود که ایران به تمام جهان آموخت که اراده یک ملت، از هر بمبی قوی‌تر و از هر دیواری بلندتر است. از آن روز به بعد، دیگر هیچ‌کس در ایران، همان طور که پیش از سال ۵۸ بود، با نام «آمریکا» برخود نلرزید. ترس، ترک خورده بود و شکاف این ترک، هرگز بسته نشد؛ بلکه تبدیل به دریچه‌ای شد برای ورود به عصر استقلال ملی.

مستندات در برابر روایت‌ها؛ سفارت یا لانه جاسوسی؟

آیا تسخیر سفارت، یک اقدام هیجانی بود یا یک ضرورت راهبردی؟ طبق اسناد و مدارک روشن و محکم، در آن دوران، سفارت ایالات متحده در تهران، صرفا مکانی برای تبادل پیام‌های دیپلماتیک و ملاقات با مقامات کشوری نبود. آنچه در واقعیت رخ می‌داد، بسیار فراتر از پروتکل‌های بین‌المللی بود. اسناد افشا شده و تحلیل‌های مستند تاریخی نشان می‌دهند که این ساختمان، در واقع به یک «مرکز عملیاتی» یا همان «لانه جاسوسی» تبدیل شده بود؛ مکانی که در آن، با استفاده از شنودهای گسترده و تحلیل‌های اطلاعاتی، نقشه‌هایی برای جهت‌دهی به سیاست‌های داخلی ایران و حتی طراحی سناریوهای مشابه کودتای ۲۸ مرداد، در جریان بود.

بسیاری از منتقدان می‌گویند که این اقدام، به رابطه ایران با جهان به شدت آسیب زد؛ اما وقتی یک قدرت خارجی، از طریق یک ساختمان در قلب پایتخت یک کشور، به دنبال مدیریت پنهانی امور داخلی و ضربه زدن به استقلال آن کشور است، آن ساختمان دیگر یک «نماد دیپلماتیک» نیست، بلکه یک «تهدید امنیتی» است. تسخیر این مرکز، در واقع پاسخی بود به این واقعیت که: «ما می‌دانیم در اینجا چه می‌گذرد.» برخی منتقدان و تحلیل‌گران با نگاهی ساده‌انگارانه ادعا می‌کنند که «اگر دانشجویان آن روز آن اقدام را نمی‌کردند، شاید ایران امروز در وضعیت بسیار متفاوتی از روابط با غرب بود و با تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی مواجه نمی‌شد.» اما این دیدگاه، دچار خطای فاحش «علت معکوس» است. این نگاه نمی‌تواند تفاوت میان «ایجاد یک اتفاق» و «آشکار شدن یک واقعیت» را درک کند.

تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی علیه ایران، برخلاف آنچه برخی تصور می‌کنند، یک اتفاق ناگهانی پس از ۱۳ آبان نبود. ابزار فشار و تحریم، از مدت‌ها قبل و حتی پیش از وقوع حوادث سال ۵۸، در دستور کار قدرت‌های بزرگ قرار داشت. دشمنی راهبردی آمریکا با حاکمیت ملی ایران، ریشه در ماهیت «تغییر رژیم» داشت که همواره مدنظر آمریکا بوده است.

جنگ ایران و عراق در سال ۶۰ آغاز شد، اما نقشه‌هایی که برای تضعیف ایران و درگیر کردن آن در جنگ‌های فرسایشی طراحی شده بود، بسیار زودتر و از سال‌های قبل از وقوع حوادث سال ۵۷ و ۵۸ شکل گرفته بود. بنابراین، تحریم‌ها و فشارهای نظامی، «نتیجه» ۱۳ آبان نبودند، بلکه «ابزارهای از پیش آماده‌شده‌ای» بودند که با وقوع آن واقعه، تنها سرعت و شدت خود را افزایش دادند.

از سال ۵۸ تاکنون؛ پایداری در برابر فشار و میراث شکست‌ناپذیری

با مشاهده فشار تحریم‌های سخت، جنگ‌های نیابتی و تلاش‌های بی‌پایان برای تضعیف اراده ملی نباید احساس کنیم در بن بست گرفتار شده‌ایم. این فشارها، در واقع «پژواک» همان شکست سال ۵۸ است. تحریم‌های امروز، چیزی نیستند جز تلاش‌های مذبوحانه برای احیای ساختارهایی که سال‌ها پیش، به دست چند جوان ایرانی درهم شکستند. آنها هنوز هم همان «ترک ترس» را می‌بینند و چون نمی‌توانند آن را بپوشانند، سعی می‌کنند با فشار اقتصادی و سیاسی، ما را به دوران «فرمان‌برداری» بازگردانند؛ در حالی که: «ملتی که طعم شکست دادن توهم ترس و بندگی را چشیده باشد، دیگر هرگز به بردگی بازنمی‌گردد». پایداری امروز مردم ایران در برابر تحریم‌ها، در واقع ادامه همان مسیر شجاعانه سال‌های ۳۲، ۵۷ و ۵۸ است. استقلال، بهای سنگینی دارد، اما قیمت بردگی، بسیار سنگین‌تر است. ۱۳ آبان به ما آموخت که قدرت واقعی، نه در داشتن بمب‌های هسته‌ای و ناوهای جنگی است و نه در داشتن دلارهای بی‌شمار. قدرت واقعی در «اراده‌ای» است که نمی‌ترسد، در «آگاهی‌ای» است که حقیقت را از دروغ تشخیص می‌دهد و در «ایمانی» است که می‌داند حق، هرچند دیر، اما پیروز است. ما وارثان جوانانی هستیم که بلد بودند تن ابرقدرت‌ها را نه با سلاح، که با «عزت» و «غیرت» بلرزانند. و همین عزت است که ما را در برابر هر طوفانی، استوار و سربلند نگه می‌دارد.

روزنامه گروه رسانه‌ای مهر
آگاه
روزنامه ۶۸۱

آگاه/ روزنامه گروه رسانه‌ای مهر
مدیرمسئول: محمدمهدی رحمتی
سردبیر: امیر اسماعیلی
دبیر تحریریه: رضا ظریفی
مدیر داخلی: عماد خورشیدطلب
دبیران گروه‌ها: هادی رضایی سیاست | سید مرتضی مفیدنژاد پرونده‌های ویژه
مجتبی مشهدی محمد فرهنگ

خیابان رازی، خیابان هاشمی فر، ساختمان ابن سینا
۹۲۰۰۴۷۱۶ - ۰۲۱ کد پستی: ۱۱۳۳۸۳۵۵۱۳
www.Agaah.ir m@agaah.ir agaah_ir

چهارشنبه

۱۳ آبان ماه ۱۴۰۵

۲۴ جمادی الاول ۱۴۴۸ | ۴ نوامبر ۲۰۲۶

اذان صبح	۰۵:۰۳
اذان ظهر	۱۱:۴۸
اذان مغرب	۱۷:۲۶
نیمه‌شب‌شرعی	۲۳:۰۵

کاغذی

روزی ۲۵۰۰ کتاب؛ از ویرایش تا فروش

سامانه «اینسایت» با استفاده از محتوای کتاب ها و قواعد اختصاصی هر ناشر، کارهای مختلف نشر را انجام می دهد؛ از نمونه خوانی براساس شیوه نامه انتشارات و ترجمه کتاب تا نمایه‌سازی، آماده‌سازی آثار قدیمی برای بازنشر و پیدا کردن کتاب مناسب هر مشتری از میان صدها عنوان.
این سامانه حتی می‌تواند برای کتاب‌ها معرفی و محتوای تبلیغاتی تهیه کند و آثار قدیمی مرتبط با موضوعات داغ روز را برای فروش پیشنهاد دهد. استفاده از این سامانه امسال افزایش چشمگیری یافته است. بیش از ۸۰ ناشر از ۱۷ کشور جهان مشتری آن هستند و حجم پردازش سامانه به معادل متن بیش از ۵۰ هزار کتاب در ماه رسیده است.

راه طلایی مدیریت موبایل فرزندان

خستگی کار وقتی کلافه کننده تر می شود که هر تذکری برای مدیریت موبایل فرزندان به بحث ختم می شود، اما یک تغییر، آرامش را به جمع شما برمی‌گرداند. هیچ پدر و مادری دوست ندارد آخر شب نقش یک مامور عبوس را بازی کند، اما گاهی درکوران خستگی به نظر می‌رسد برای مدیریت موبایل فرزندان چاره‌ای جز قطع کردن اینترنت یا توقیف گوشی نیست. با این حال، در منش و رفتار شما به‌عنوان بزرگ‌تر خانواده، تدبیری نهفته است که می‌تواند به جای ورود به این جنگ فرسایشی، میدان را طوری اداره کند که فرزندتان خودش با میل و رغبت قوانین خانه را بپذیرد.

چرا روش‌های دستوری در مدیریت موبایل فرزندان شکست می‌خورد؟

تجربه نشان می دهد که قوانین یک طرفه و پادگانی، تنها به پنهان کاری نوجوان و بردن گوشی به زیرپتو در نیمه‌شب منجر می‌شود. در روایتی از امام صادق (ع) نقشه راه دقیقی برای تعامل با فرزندان ترسیم شده است؛ بر این اساس، وقتی فرزند از دوران کودکی عبور می‌کند و به سن نوجوانی می‌رسد، والدین باید هفت سال با او مانند یک مشاور و شریک قابل اعتماد رفتار کنند و او را در تصمیم‌گیری‌ها سهیم سازند. توماس گوردون، روان‌شناس برجسته، در کتاب «والدین اثرگذار» نشان می دهد که وقتی والدین و فرزندان پای میز مذاکره می‌نشینند و با توافق دوطرفه قانون‌گذاری می‌کنند، نوجوان برای حفظ اعتبار قول خود، به اجرای آن متعهد می‌ماند؛ به شرطی که والدین نیز در عمل، پیش‌قدم رعایت آن باشند.

گام اول؛ تعیین مناطق بدون گوشی پای میز مذاکره

یک شب که همه آرام و سرحال هستند، کنار چای و میوه از فرزندتان نظر بخواهید که چطور می توانید وقت بیشتری با هم بگذرانید. با توافق دوطرفه، موقعیت‌هایی مثل «سر سفره شام»، «یک ساعت پیش از خواب» و «در مهمانی‌های خانوادگی» را به عنوان زمان استراحت گوشی‌ها تعیین کنید و یک سبد کوچک در گوشه پذیرایی برای گذاشتن تلفن‌های همه اعضا در این ساعات در نظر بگیرید.

گام دوم؛ پیش‌قدم شدن والدین در رعایت توافق

موفقیت این طرح به رفتار خود شما بستگی دارد. در همان جلسه اعلام کنید که خودتان هم هنگام صحبت کردن با اعضای خانواده یا در دورهمی‌ها، گوشی را کاملا کنار می گذارید. وقتی نوجوان ببیند پدر و مادر هنگام گفت‌وگو با او پیام‌های کاری و کانال‌های خبری را چک نمی‌کنند، این توافق را نه یک محدودیت یک‌طرفه، بلکه یک احترام متقابل می‌بیند.

گام سوم؛ نصب پیمان‌نامه رسانه‌ای روی دریخچال

توافق‌های خود را روی یک برگه رنگی و با طراحی جذاب بنویسید تا شکل یک «پیمان‌نامه رسانه‌ای خانواده» را بگیرد. پس از اینکه همه اعضا پای آن را امضا کردند، برگه را روی دریخچال نصب کنید. از این پس، اگر کسی سر سفره دستش به سمت گوشی رفت، به‌جای تذکر زبانی و سرزنش، فقط با لبخند به برگه روی یخچال اشاره کنید و حتی به فرزندتان حق بدهید که خطای شما را هم با اشاره به همین میثاق نامه یادآوری کند. تغییر عادت‌های دیجیتال یک شبه رخ نمی‌دهد، اما وقتی فرزندتان ببیند به جای تحکم، دست او را به عنوان یک شریک قابل اعتماد فشرده‌اید، فضای خانه از حالت پلیسی خارج می‌شود. مدیریت تلفن همراه فرزندان با تکیه بر این پیمان نامه مشارکتی، چشمان خسته خانواده را از نور سرد صفحه‌های نمایش نجات داده و گرمای گفت‌وگوهای صمیمانه را به خانه شما برمی‌گرداند.

آب و هوا

ورود سامانه بارشی جدید به کشور
تداوم بارش‌ها تا شنبه هفته آینده

بررسی الگوهای هواشناسی از ورود سامانه بارشی جدید به کشور و تداوم بارش‌ها تا شنبه هفته آینده خبر می‌دهند.
بر اساس تحلیل آخرین نقشه‌های پیش‌یابی هواشناسی امروز، چهارشنبه در نوار شرقی استان کرمان و شمال هرمزگان، افزایش ابر، بارندگی و وزش باد رخ می دهد و در مناطق مستعد نیز احتمال وقوع گردوخاک وجود دارد. بعدازظهر امروز، چهارشنبه این سامانه بارشی از مرزهای شرقی کشور خارج می‌شود. با ورود سامانه بارشی جدید از غرب کشور در استان‌های آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه، ایلام، لرستان و غرب خوزستان، افزایش ابر و رگبار و رعدوبرق آغاز خواهد شد.
پنج‌شنبه در نیمه غربی کشور، دامنه‌های جنوبی البرز واقع در استان‌های قزوین، البرز و تهران، غرب سواحل دریای خزر، مناطق شمالی استان‌های بوشهر و فارس افزایش ابر، رگبار و رعدوبرق و وزش باد شدید پیش‌بینی می‌شود. در نوار شرقی کشور نیز افزایش ابر و در ارتفاعات، رگبار پراکنده دور از انتظار نیست.
جمعه بارندگی در نیمه غربی کشور، برخی مناطق جنوب، مرکز، شرق و شمال شرق و همچنین شمال غرب و سواحل دریای خزر ادامه خواهد داشت. شنبه هفته آینده بارش‌ها در نیمه غربی کشور، مناطقی از مرکز و غرب سواحل دریای خزر تداوم می‌یابد و شدت بارندگی در مناطق غربی و جنوب غربی کشور بیشتر خواهد بود.



استقبال از پیکر مطهر شهدای گمنام در شیراز

مردم شیراز با حضوری پرشور در دروازه قرآن، به استقبال پیکر مطهر ۲۰ شهید گمنام دوران دفاع مقدس رفتند؛ لاله‌هایی که در آستانه ایام فاطمیه میهمان مردم فارس شدند.

عکس: مهر- امین فائضی

چت‌بات گراک محدود شد

ایلان ماسک به دلیل هزینه‌های غیرقابل تحمل، محدودیت استفاده از بات گراک را افزایش داد.
به گزارش تک کرانچ، برخی از کاربران بات گراک طی روزهای گذشته با اتفاقی عجیب و غیرمنتظره روبه‌رو شدند. آنها متوجه شدند حتی با وجود اینکه در طول شب از هوش مصنوعی عاملی شرکت اسپیس ایکس استفاده نکرده بودند، سهمیه مجاز استفاده هفتگی‌شان به‌طور ناگهانی به پایان رسیده است.
برخی کاربران در شبکه اجتماعی ایکس گزارش دادند میزان مصرف آنها بدون هیچ‌گونه استفاده‌ای، از ۵۰ درصد به ۱۰۰ درصد افزایش یافته است. ایلان ماسک، مدیرعامل اسپیس ایکس، روز یک‌شنبه در پیامی در شبکه اجتماعی ایکس تایید کرد این اتفاق ناشی از اختلال فنی یا باگ نرم‌افزاری نبوده است. او در پاسخ به پرسش یکی از کاربران نوشت: هزینه ارائه خدمات بات گراک در مقایسه با درآمدی که ایجاد می‌کرد، به سطحی رسیده بود که ادامه آن از نظر اقتصادی قابل تحمل نبود.
ماسک تاکنون در صفحه اصلی خود در شبکه اجتماعی ایکس به طور مستقیم درباره این موضوع توضیحی نداده، اما همچنان به تبلیغ قابلیت‌های بات گراک ادامه می‌دهد و از جمله مدعی شده که این هوش مصنوعی می‌تواند به کاربران در خرید هدیه برای اعضای خانواده‌شان کمک کند.
بات گراک به‌عنوان یکی از موفقیت‌های شرکت تازه‌وارد اسپیس ایکس به بازار سهام معرفی شده است. این شرکت ماه گذشته در گزارشی اعلام کرد که کسب‌وکار هوش مصنوعی اکنون ۵۲ درصد از درآمد کل شرکت را تشکیل می‌دهد. بخش هوش مصنوعی اسپیس ایکس که نام آن به ابرهوش تغییر یافته، درواقع موفق شده به سود ۴۳۱ میلیون دلاری دست پیدا کند.
چنین دستاوردی در صنعت هوش مصنوعی اتفاقی نسبتا کم سابقه محسوب می‌شود، چراکه بسیاری از شرکت‌های فعال در این حوزه همچنان با هزینه‌های سنگین و چالش سودآوری دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

بهترین سبزی برگ‌دار برای سلامت استخوان‌ها

وقتی صحبت از سلامت استخوان‌ها به میان می‌آید، احتمالا شیر، ماست و پنیر به ذهن‌تان خطور می‌کند؛ اما اینها تنها گزینه‌های موجود نیستند.
به گزارش ایتینگ ول، سبزیجات برگ‌دار به دلیل سرشار بودن از مواد مغذی مفید برای استخوان‌ها، به طرز شگفت‌انگیزی برای سلامت اسکلت بدن سودمندند. با این حال، به گفته ماریسا کارپ، متخصص تغذیه، اگر قرار باشد یکی از آنها را به عنوان بهترین انتخاب کنیم، آن سبزی «کلم برگ‌دار» است. کارپ توضیح می‌دهد که یک پیمانه کلم برگ‌دار پخته، حاوی حدود ۲۷۰ میلی‌گرم کلسیم است؛ مقداری که با میزان کلسیم موجود در حدود ۲۲۵ گرم ماست یونانی برابری می‌کند.
به گفته کارپ، «این موضوع بسیار حائز اهمیت است، زیرا کلسیم برای تقویت استخوان‌ها ضروری است. درواقع، بیش از ۹۹ درصد کلسیم موجود در بدن در استخوان‌ها ذخیره شده است که نشان‌دهنده نقش حیاتی آن در سلامت کلی استخوان‌هاست.»
ویتامین K نقشی کلیدی در حفظ تعادل کلسیم ایفا می‌کند و به همین دلیل برای داشتن استخوان‌های سالم، عنصری حیاتی محسوب می‌شود. به گفته کارپ، «ویتامین K چنان نقش کلیدی‌ای در سلامت استخوان‌ها دارد که سطح پایین ویتامین K با خطر بیشتر ابتلا به پوکی استخوان و شکستگی‌ها مرتبط است.» فراتر از سلامت استخوان‌ها، این نوع کلم برگ فواید بسیاری برای بدن دارد. برای شروع، باید گفت که این سبزی سرشار از آنتی اکسیدان است. کارپ می‌گوید: «این بدان معناست که آنها از بروز التهاب جلوگیری کرده و به کاهش خطر ابتلا به بیماری‌های مزمن کمک می‌کنند.» او در ادامه می افزاید: «به علاوه، این کلم‌ها حاوی مقدار زیادی فیبر هستند (تقریبا هشت گرم در هر پیمانه پخته شده) که به تنظیم عملکرد دستگاه گوارش و تقویت باکتری‌های مفید روده کمک می‌کند.»

سبک زندگی

ازکجا بفهمیم ماست خراب شده است؟
چهار نشانه ماستی که قابل خوردن نیست

تاریخ درج‌شده روی بسته‌بندی ماست به‌تنهایی معیار تشخیص فساد آن نیست. تغییر بوی محصول، مشاهده کپک و نگهداری طولانی‌مدت خارج از یخچال از نشانه‌هایی هستند که باید جدی گرفته شوند؛ زیرا مصرف ماست آلوده می‌تواند باعث مسمومیت غذایی شود. تاریخ درج‌شده روی ظرف ماست معمولا نشان‌دهنده زمانی است که محصول بهترین کیفیت و طعم خود را دارد، نه لزوما آخرین روز مصرف ایمن آن. با این حال، ماست نیز مانند سایر مواد غذایی برای همیشه در یخچال سالم نمی‌ماند. مسمومیت ناشی از مصرف ماست فاسد در همه موارد اتفاق نمی‌افتد، اما نگهداری نامناسب یا طولانی‌مدت آن می‌تواند زمینه رشد میکروب‌های مضر را فراهم کند. تاریخ درج‌شده روی ظرف ماست به‌تنهایی معیار مناسبی برای تشخیص ایمن بودن آن نیست. ماست یک ماده غذایی تخمیری است که با وجود داشتن باکتری‌های مفید، ممکن است در شرایط نامناسب نگهداری به محل رشد میکروب‌های مضر، از جمله کپک‌ها، تبدیل شود.
روی بیشتر محصولات غذایی، تاریخ تولید و تاریخ انقضای مصرف درج می‌شود. بنابراین، مصرف‌کنندگان هنگام خرید باید علاوه بر بررسی تاریخ انقضا، به شرایط نگهداری محصول و سالم بودن بسته‌بندی نیز توجه کنند.

ازکجا بفهمیم ماست فاسد شده است؟

۱. جدا شدن مایع روی ماست: ماست به‌طور طبیعی مقداری رطوبت دارد. با گذشت زمان ممکن است مایع زردرنگ یا آب‌پنیر از بخش جامد آن جدا شود. مقدار کمی از این جدایی طبیعی است؛ اما اگر حجم زیادی از آب‌پنیر روی سطح ماست جمع شده باشد، ممکن است نشانه شروع فساد باشد.



۲. مشاهده کپک روی ماست: اگر روی ماست کپک قابل مشاهده باشد، نباید آن را مصرف کرد؛ حتی اگر کپک‌های سطحی برداشته شوند. کپک ممکن است فقط روی سطح غذا دیده شود، اما رشته‌ها و ریشه‌های میکروسکوپی آن به قسمت‌های داخلی نفوذ کرده باشند. بنابراین، ماستی که هرگونه کپک روی آن مشاهده می‌شود باید دور ریخته شود.
۳. بوی غیرعادی ماست: ماست معمولا بویی ملایم، کمی ترش یا شبیه لیمو دارد. اگر بوی آن به‌شدت تغییر کرده یا بوی نامطبوع و غیرعادی پیدا کرده است، از مصرف آن خودداری کنید.
۴. قرار گرفتن طولانی‌مدت خارج از یخچال: اگر ماست بیش از دو ساعت بیرون از یخچال مانده باشد، باید دور ریخته شود. نگهداری ماست در دمای بالاتر از چهار درجه سانتی‌گراد برای بیش از دو ساعت می‌تواند باعث افزایش تعداد باکتری‌های مضر شود. همچنین اگر دمای محیط بالاتر از ۳۲ درجه سانتی‌گراد باشد، ماست نباید بیش از یک ساعت بیرون از یخچال بماند.

برای حفظ کیفیت و ایمنی ماست، رعایت چند نکته ضروری است:

- ماست را در یخچال با دمای چهار درجه سانتی‌گراد یا کمتر نگهداری کنید.
- ظرف ماست را کاملا دربسته نگه دارید.
- ماست را در قسمت میانی یخچال قرار دهید، نه روی در آن؛ زیرا دمای در یخچال بیشتر نوسان می‌کند.
- برای برداشتن ماست از قاشق تمیز استفاده کنید.
- ماستی را که در یخچال نگهداری شده، ترجیحا طی یک تا دو هفته پس از خرید مصرف کنید. در صورت نگهداری در فریزر، بهتر است ماست طی یک تا دو ماه مصرف شود.

#تجربه_کردم

«سنگین‌ترین» بلاها رو رفقای نادون سرآدم می‌آرن...
«سخت‌ترین» ضربه‌ها رو کسانی می‌زنن که ـ بیش از دیگران ـ مدیون خوبی‌هاتن... «بدترین» گره‌ها رو کسانی در کارمون می‌ندازن... که چشم‌شون، آمار پیشرفت‌های ظاهری و باطنی ما رو گرفته!

سیدمحمد سادات‌اخوی/ نشر پرنده

آیا موهای سفید دوباره سیاه می‌شوند؟

سفید شدن مو معمولا بخشی طبیعی از روند افزایش سن است و ژنتیک نقش مهمی در زمان شروع و سرعت آن دارد. با این حال، گاهی کمبودهای تغذیه‌ای یا برخی بیماری‌ها نیز در سفید شدن زودرس مو نقش دارند. در چنین شرایطی، درمان عامل زمینه‌ای ممکن است در بعضی افراد به بازگشت بخشی از رنگ مو کمک کند؛ اما این اتفاق قطعی نیست.

چرا موها رنگ طبیعی خود را از دست می‌دهند؟

رنگ مو به رنگدانه‌ای به نام ملانین وابسته است که در فولیکول‌های مو تولید می‌شود. با افزایش سن، فعالیت سلول‌های تولیدکننده ملانین کاهش می‌یابد و موها ابتدا خاکستری و سپس سفید می‌شوند. اگر علت این فرآیند افزایش سن یا عوامل ژنتیکی باشد، در حال حاضر روش درمانی اثبات شده‌ای برای بازگرداندن رنگ طبیعی مو وجود ندارد. علاوه بر ژنتیک، برخی کمبودهای تغذیه‌ای مانند کمبود ویتامین B۱۲، آهن و مس ممکن است با سفید شدن زودرس مو ارتباط داشته باشند. اختلالات تیروئید و بیماری‌هایی مانند ویتیلیگو نیز از عوامل احتمالی هستند. در صورت تشخیص چنین مشکلاتی، درمان بیماری یا جبران کمبود مواد مغذی ضروری است و ممکن است در برخی موارد به بازگشت رنگ بخشی از موها کمک کند. با این حال، نباید انتظار داشت که رنگ مو در همه افراد به حالت قبلی برگردد.

استرس چه نقشی در سفید شدن مو دارد؟

برخی پژوهش‌ها از ارتباط استرس شدید با سفید شدن مو حمایت می‌کنند. در یک مطالعه انسانی در سال ۲۰۲۱، پژوهشگران تغییر رنگ بعضی تارهای مو را همزمان با تغییرات میزان استرس افراد مشاهده کردند. با این حال، شواهد موجود هنوز برای اثبات اینکه مدیریت استرس می‌تواند موهای سفید را دوباره تیره کند، کافی نیست.

مکمل‌ها و ماسک‌های خانگی چقدر موثرند؟

مکمل‌هایی مانند بیوتین، روی، سلنیوم و ویتامین B۱۲ در درمان اثبات شده‌ای برای سفید شدن مو نیستند. مصرف آنها فقط در صورت تشخیص کمبود و با نظر پزشک می‌تواند ضرورت داشته باشد. همچنین روش‌هایی مانند استفاده از روغن نارگیل، آبلیمو یا پوست سیب‌زمینی پشتوانه علمی معتبری برای بازگرداندن رنگ طبیعی مو ندارند. بعضی از این مواد ممکن است ظاهر مو را تغییر دهند یا به نرم شدن آن کمک کنند، اما تولید ملانین را احیا نمی‌کنند.

چگونه سفیدی مو را به تاخیر بیندازیم؟

روش قطعی برای جلوگیری از سفیدی موهای ناشی از افزایش سن و ژنتیک وجود ندارد. با این حال، تغذیه متعادل، خواب کافی، ترک سیگار و مدیریت استرس به حفظ سلامت عمومی و موها کمک می‌کنند. اگر موها در سنین پایین و به صورت غیرمعمول سفید شده‌اند یا این تغییر با علائم دیگری همراه است، بهتر است با متخصص پوست مشورت کنید. پزشک در صورت نیاز، کمبودهای تغذیه‌ای و بیماری‌های زمینه‌ای را بررسی می‌کند. از مصرف خودسرانه مکمل‌ها برای تغییر رنگ مو خودداری کنید.



۴۸ ساعت برق اضطراری با یک باتری خانگی جدید

در حالی که اغلب باتری‌های قابل حمل در طول تبدیل جریان مستقیم به جریان متناوب، انرژی قابل توجهی را به صورت گرما هدر می‌دهند، یک باتری خانگی ۵۰۰۰ وات‌ساعتی جدید، زمان کارکرد اضطراری ۴۸ ساعته را با نرخ تبدیل ۹۶ درصدی ارائه می‌دهد.
برق پشتیبان خانگی به سمت طول عمر بیشتر، راندمان بالاتر و شیمی باتری کاملا جدید در حال تغییر است. شرکت Anker مستقر در چین، باتری جدید SOLIX S۵۰۰۰ را معرفی کرده است که یک نیروگاه قابل حمل ۵۰۲۴ وات‌ساعتی برای رسیدگی به تلفات انرژی که اغلب باتری‌های خانگی را آزار می‌دهد، است.
این رونمایی با تغییر گسترده‌تری در ذخیره‌سازی انرژی خانگی همزمان است، جایی که تولیدکنندگان در حال بازنگری در الکترونیک اینورتر و علم سلول‌های اصلی (core cell) هستند. بیشتر باتری‌های قابل حمل هنگام تبدیل جریان مستقیم ذخیره شده به جریان متناوب، سهم قابل توجهی از انرژی خود را به صورت گرمای تلف شده از دست می‌دهند. باتری S۵۰۰۰ با معماری موسوم به OptiSave ۲٫۰ این مشکل را برطرف می‌کند که تحت بار استاندارد ۱۰۰۰ وات به ۹۶ درصد راندمان تبدیل می‌رسد و زمان کارکرد قابل استفاده را افزایش می‌دهد.
قطعات الکترونیکی داخلی آن نیز در حالت بیکار فقط ۸.۸ وات مصرف می‌کنند. این مصرف پایه پایین، آمادگی در حالت آماده به کار را تا ۲۱ روز افزایش می‌دهد و زمان کارکرد قابل استفاده را در طول قطعی‌های معمول برق خانگی تقریبا ۲۰ درصد افزایش می‌دهد. آژانس آزمایش TÜV SÜD به این سیستم رتبه +A زمان کارکرد را اعطا کرده و این اولین باری است که یک ایستگاه قابل حمل پنج کیلووات‌ساعتی به این معیار دست می‌یابد.
این باتری فراتر از راندمان داخلی، نحوه دریافت برق توسط بارهای سنگین خانگی را در مواقع اضطراری تغییر می‌دهد. اینورتر داخلی به طور مداوم ۴۵۰۰ وات و با محدودیت افزایش ۸۰۰۰ وات در هر دو مدار ۱۲۰ ولت و ۲۴۰ ولت را تامین می‌کند. در نتیجه می‌تواند سخت‌افزارهای سنگین مانند پمپ‌های آب، سیستم‌های گرمایشی و آبگرمکن‌ها را در کنار لوازم الکترونیکی خانگی به کار بیندازد.
در صورت خرابی شبکه، یک سوئیچ داخلی، برق را در کمتر از ۱۰ میلی‌ثانیه منتقل می‌کند تا از تنظیم مجدد دستگاه‌های حساس جلوگیری کند. همچنین می‌تواند برق ۲۴۰ ولت را در حین شارژ فعال از یک پریز استاندارد ۱۲۰ ولت تامین کند.